

# آواز

ارگان نشراتی کمیته دولتی  
رادیو، تلویزیون و سینما توگراخی



سال ششم

شماره (۷-۸)

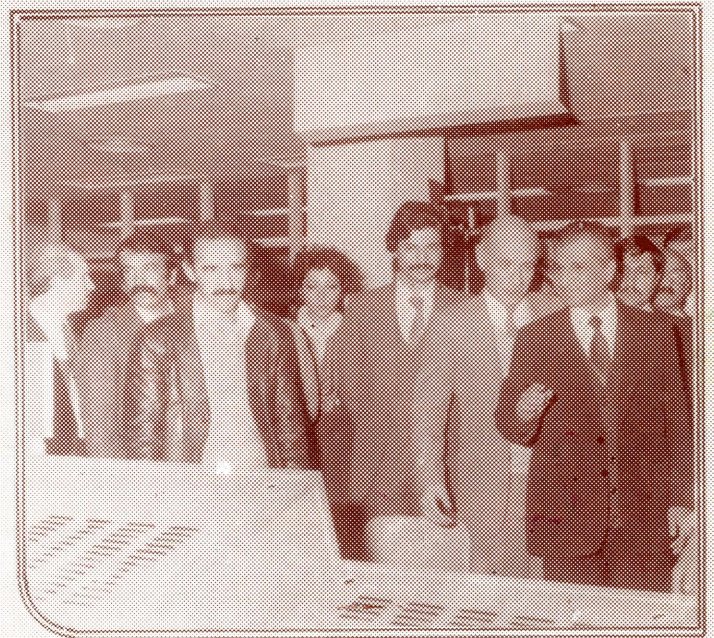
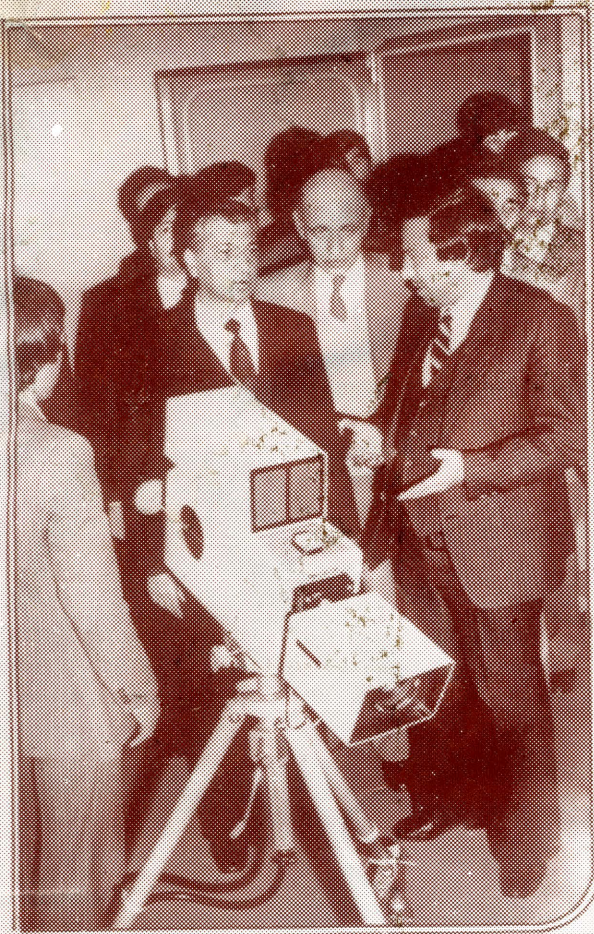
۳۰ عقرب ۱۳۶۲



دیدار

# ببرك كارمل

از استودیوهای رادیو-تلویزیون



گوشه‌های از بازدید ببرك كارمل نشی عمومی كجته مرکزی  
ح. د. خ. ۱۰. اورئیس شورای انقلاب ج. د. ۱۰  
از استودیوهای تلویزیون







گڼډيو په ور کو لو او د گڼپاڼو په شيندلو او دولولو په څر گند و لو سره هر کلي وشو .

ور پسي بېرک کارمل په داسي حال کې چې د راډيو ټلويزيون او سينما تو - گرافي ددو لتي کميټي درئيس حيدر مسعود او - راډيو او ټلويزيون دنورو کار کوونکو له خوا يسي

ملگر تيا کيد له ډلويزيون د ثبت سند يو ته چې په هغه ځای کې د مو سيقې ثبت روان و ، نوت او د سټډيو د کار بهير يي و کول او دمو سيقې د ټوټي د ثبت له بهير سره يي علاقه ونيوه او پر هغو هنرمندانو يي مهر باني وکړه چې په هغوی کې د هيواد مشهوره سندرغاړي استاد مهوش هم وه .

بېرک کارمل د ټلويزيون دستد يو گانو د کار له بهير سره علاقه ونيوه او دافغانستان د دمو کرا تیک جمهوريت د ټلويزيون دکار کوونکو د شپي اوورځي له نه - ستري کيدو نکی کار څخه يي خو بنسې او ډاډ څرگند کړ .

بېرک کارمل د کتنې په پای کې د ټلويزيون دکارکوونکو دو لو په څپو کې د ټلويزيون له سند يوگا - نو څخه دراډيو ټلويزيون انگر ته تشریف يووړ او د راډيو ټلويزيون له کار - کوونکو سره يي له نژدی روغبړ وکړ .

د باختر د اطلاعاتي آژانس خبريال رپوټ را کوي چې بېرک کارمل او ددوی ور سره ملگری دراډيو ټلويزيون له وداني څخه دانقلابي شورا مقرته پلي ولاړل او د لاری په اوږدو کې يي له يو شمير زيار ايستونکو سره روغبړ وکړ او پر هغوی يي مهرباني وکړه . (ب)

کابل : دا.خ.د.گ.د مرکزی کميټي عمومي منشي او دا.ج.د انقلابي شورا رئيس بېرک - کارمل د عقرب په ۲۸ ورځ له غرمي نه وروسته دراډيو - افغانستان او دا.ج.د ټلويزيون د سټډيو گانو پيل بيلي برخي وکتلي او دراډيو افغانستان او ټلويزيون د پروگرامونو د ثبت او خپرو لو له څر - نگوالي سره له نژدی بلدشو . بېرک کارمل لو مړی د ثبت کاپي ، مستقيمو خپر و نو ، سټډيو گانې او د عمومي کنترول برخي په داسي حال - کې چې د مر بوټو مو ظفينو نه خوا په هره برخه کې لازمي څر گند و نی وړاندې کيد لي و کتل او ور پسي يي د ټلويزيون د سټډيو گانو خواته تشریف يووړ .

بېرک کارمل ته د راډيو افغانستان او ټلويزيون د سټډيو گانو د لاری په اوږدو کې د ټلويزيون د کار - کوونکو له خوا د گلا نوت

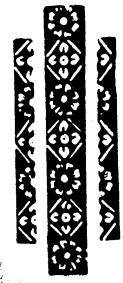
# آواز

د کابل نشره ټولگیزه ده سر راډیو، تلويزون، سینما، ټولگیزه

سال ششم ، شماره (۷-۸) مورخ ۳۰ عقرب ۱۳۶۲ (۵۰ ش) برابر با ۲۱ نومبر ۱۹۸۳ میلادی

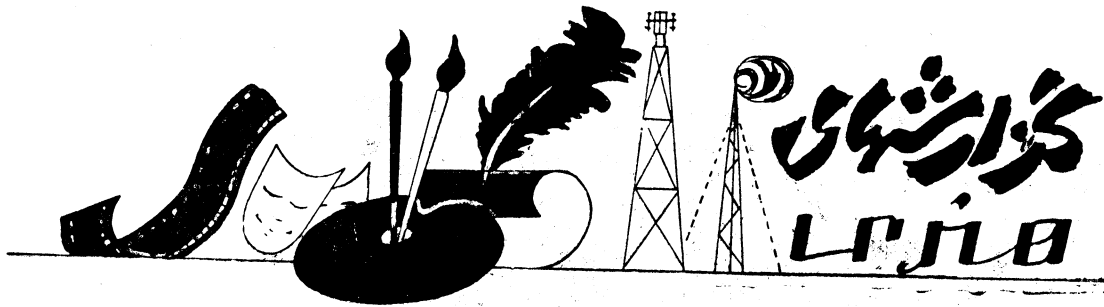
صفحه	عنوان	Image
۷	* برگزاری جدلها در نشستهای دوستانه.	
۷	* يك برنامه تازه رادیویی .	
۸	* تحویلی دیگر در نشرات رادیو افغانستان .	
۲۳	* پاسخی به يك انتقاد .	
۶۰	* دراديو افغانستان رنگارنگ خپرونی .	
۶۶	* نشرات خارجی رادیو افغانستان .	
۷	* بحث و جدل برای بهبود تیاتر کشور.	
۷	* ابتکار تازه اداره برنامه‌های سینمایی تلویزیون .	
۱۴	* آواز خوانی بر بلند آوازه .	
۳۶	* الیوم هنری .	
۶۷	* دتلویزیون اووه نیزی خپرونی .	
۶	* برگزاری جشنواره سینمایی فلمهای افغانی در کابل .	
۶	* فستیوال فلمهای شوروی در کابل .	
۳۰	* نگاهی به سینمای پس از جنگ دوم جهانی	
۳۹	* آشنایی بایک کارگردان بزرگ سینمای اتحاد شوروی .	
۴۴	* دسینما او تلویزیون ژبه .	
۴۸	* نظری گذرا بر سینمای تجارتي و هنری .	
۰	* پیروزی بردخخش هنرمند افغانی در جشنواره جهانی میخک سرخ	
۱۰	* ره آورد سفر از جمهوری دموکراتیک کوریا .	
۲۲	* مردی که هم میخانیک است ، هم موسیقیدان وهم داکترطب .	
۴۰	* دموسیقی دآهنگونو خوار لسمه کنگره	
۲۴	* په افغانستان کی دنمایشی هنر (تیاتر) پسمنظر	
۲۸	* ممثل او تمثيل	
۳۴	* آواز سخنوران.	
۵۲	* ساعتی در يك تياتر شخصی .	
۵۳	* الوداع ای دوستان .	
۶۰	* سخنی بادوستان .	

نشانی: کابل جاده انصاری،  
 عمارت افغانم: مدیریت عمومی مجله آواز  
 تلیفون توزیع و شکایات: ۲۶۸۵۹



مدیر مسؤول: محمد ناصر طهوری  
 تلیفون مدیر مسؤول: ۲۲۹۷۷  
 مهتم: محمد علی توکلی





## پیروزی پر در خشش هنرمند افغانی در جشنواره جهانی میخک سرخ

و هنرمند اینبار با دست های پر به کشور باز گشت ، برای خود و برای کشورش پیروزی آورد ، پیروزی بی بی که درخشش داشت و افتخار آمیز بود .

«میخک سرخ» شرکت ورزید که هر دو سال یکبار در زیبا شهر «سوچی» برگزار میگردد و در آن، آواز-خوانان کشور های گوناگون از پنج قاره جهان اشتراک میورزند .

جشنواره سال روان ، هشتمین فستیوال از این گونه بود که در کناره شاداب بحیره سیاه در شهر «سوچی» به اجرا آمد و جوانان- فراوان ، آواز رسای شانرا برای صلح ، دوستی و همبسته گی سر دادند و شور و هیجان پرا- گندند .

سخن از وحید صابری است ، آواز خوان جوان رادیو ، تلویزیون که در اندک زمانی از فعالیت هنری اش در رادیو تلویزیون میگذرد توانست آوازش را به آوازه رساند و بر سکوی شهرت تکیه زند .

در این سفر که ره آوردی بزرگ داشت ، نجیب رستگار هنرمند جوان نیز به سمت عضو هیأت ژوری شرکت ورزیده بود .

افغانستان ، دومین باری بود که درین جشنواره سهم گرفت و امسال

رادیو ، تلویزیون مسکو در این سفر ، آهنگهای محلی افغانی را با صدای هنرمندان ما به ثبت رسانید .



گوشه یی از توزیع تحفه های هیأت رئیسه اتحادیه هنر مندان ج.د.ا. به وحید صابری .

اتحادیه هنر مندان ج.د.ا. ، به منظور بزرگداشت از هنر این آواز-خوان جوان ، در اواسط ماه عقرب ۱۳۶۲ محفل باشکو هی رادر هتل آریانا راه اندازی کرد که در آن گروهی از هنر مندان و فرهنگیان کشور ماکثرکت کرده بودند .

در آن محفل ، هیأت رئیسه شورای مرکزی اتحادیه هنر مندان ج.د.ا. تحفه های نقدی و جنسی را به وحید صابری اهدا کرد ...

(لطف آوری بزنید)



## فیستیوال فلمهای شوروی در کابل

## برگزاری جشنواره سینمایی فیلمهای افغانی در کابل



کابل، در دومین هفته از هشتمین ماه سال روان، شاهد برگزاری جشنواره سینمایی دیگری بود که در آن ساخته های کشورهای دوست (اتحاد شوروی) به نمایش آمد.

در این جشنواره که به افتخار شصت و ششمین سالروز انقلاب کبیر اکتوبر راه اندازی شد، فلم های «واقع در مربع سی و هشت هشتاد، لنین، پاریس، زنده گی شخصی، تکت لاتری، کار نیوال نان، طلا و تفنگچه، فرسخ های آتشین، مر می تصادفی، زاغ سفید، ناقوسهای سرخ، ذوحیاتین، زنده گی کوتاه و پرنور، و جبهه عقب جبهه دشمن» به نمایش آمد که از نظر گوناگونی سوژه، گیراتر - از سالهای پیشین مینمود و در مجموع تعداد فراوانتر تماشاگران را به تماشا فراخوانی کرد.

نگرنده فلم های به نمایش آمده در جشنواره سینمایی فلم های شوروی در کابل، میتوانست شاهد پیشرفت «هنر هفتم» در کشور شوراها باشد و سیماي انسانی سینمایی را که در خدمت صلح و همبسته گی توده های میلیونی سراسر جهان و افشای امپریالیسم و فاشیسم قرار دارد، به باز شناسی دوباره گیرد.

از سوی دیگر در این جشنواره، فلم هایی نیز به نمایش آمد که بازتابی بود از زنده گی جوانان در اتحاد شوروی و مسایلی که در زنده گی آنان، مطرح است.

به امید برگزاری باز هم جشنواره های بهتر و بیشتر از اتحاد شوروی و دیگر کشورهای مترقی جهان در کابل.

### بصیره خاطره در صحنه یی از فلم «اختر مسخره»

تجربگی کشور در زمینه فلم های روانی و با بعد وسیع عاطفی که ساخته یی بود مشترک از تلویزیون ج.د. و افغانستان به نمایش آمد و بار دیگر تماشاگران فراوان را به دیدار فراخوانی کرد.

جشنواره بانمایش فلم «تابستان داغ کابل»، گشایش یافت و در سخنرانی هایی که صورت گرفت وعده داده شد که پس از این جشنواره هایی از این مانند و به مناسبت های گوناگون بیشتر برگزار خواهد شد و تلاش به عمل خواهد آمد که سینمای کشور سینمایی با شد بازتاب دهنده شرایط عینی جامعه در برش زمانی که ما در آن به سر میبریم.

به امید آنکه در جشنواره سینمایی «کبوتر صلح» که قرار است در ماه حوت امسال، در سطح جهانی در کابل برگزار گردد، ساخته هایی داشته باشیم تازه و نویدگر تحقق آرمانهای ما، در بخش سینما تو گرافی کشور.

راه اندازی جشنواره سینمایی فلم های تولیدی کشور در کابل، اقدامی بود در خور توجه که آنرا کمیته دولتی رادیو تلویزیون و سینما تو گرافی و اتحادیه هنرمندان جمهوری دموکراتیک افغانستان به خاطر بزرگداشت کنفرانس سراسری شعرا و نویسندگان جوان کشور، انجام دادند.

در این جشنواره که مدت یک هفته ادامه داشت، فلم «تابستان داغ کابل» که نخستین ساخته مشترک سینمایی کشور ما است با «موس فلم» اتحاد شوروی، «عشق - من، میهن من» ساخته شفق فلم، «گناه» محصول افغانستان به کارگردانی انجنیر لطیف، «دهکده» ها بیدار میشوند» ساخته افغان فلم به کارگردانی خالق علیل «جنا - یتکاران» ساخته دیگر شفق فلم به دایرکتوری لی شفق و «اختر مسخره» نخستین ساخته سینمای



## برگزاری جلدها در نشستهای دوستانه

اداره هنر و ادبیات رادیو افغان-  
نستان و مجله هنر ارگان نشراتی  
اتحادیه هنر مندان ج.د.ا. ۱۰۵۰ درجریان  
یک نشست فرهنگی که در آن  
گروهی از فرهنگیان و نویسندگان  
گانه و تهیه کننده گان برنامه  
های هنری و ادبی رادیو افغانستان  
و اتحادیه هنر مندان شرکت داشتند،  
چند روز پیش به نقد و بررسی  
برنامه های رادیویی در زمینه هنر  
و ادبیات نشستند.

در این گفت و شنود گروهی،  
برنامه های رادیویی «هفت-  
اورنگ، مجله رادیو، شهر قصه،  
ترازوی طلایی، کاروان ابریشم  
گذرگاه شعر، نیایش با مدادی،  
داستانهای دنباله دار، نمایش  
های رادیویی و برخی دیگر از  
نشریات اداره هنر و ادبیات رادیو  
افغانستان به بررسی  
آمد و نظرات نیکویی برای  
بهبود باز هم بیشتر این برنامه  
ها ارائه شد و دشواریهای  
داندگان برنامه ها به طرح  
بررسی، ریشه جویی و چاره گیری  
آمد.

نشست فرهنگی اداره هنر و  
ادبیات رادیو افغانستان و مجله  
هنر (ارگان نشراتی اتحادیه هنر-  
مندان ج.د.ا.) به اساس توأمیت  
فرهنگی صورت گرفت که میان  
این دو واحد فرهنگی به انجام آمده  
است.  
به اساس طرح این دوا داره، بعد  
از این درجریان نشستهای مشابه  
چگونه گمی فعالیت فرهنگی و کار-  
نامه هنری مؤسسات مختلف-  
هنری و ارگانهای فرهنگی کشور  
به بررسی و ریشه جویی گرفته  
خواهد شد.

آنچه در این نشست و جلد  
ستایش انگیز مینمود، این بود  
که رادیو افغانستان انتقاد را از  
خود به آغاز گرفت و انتقاد پذیری  
اشرا ثابت کرد.

## بحث و جلد برای بهبود تیتر کشور

اداره هنر و ادبیات تلویزیون  
و مجله هنر ارگان نشراتی اتحاد-  
دیه هنر مندان ج.د.ا. چند روز پیش  
در یک نشست دوستانه که در آن،  
گروهی از دست اندرکاران تیتر  
و فرهنگیان کشور گرد آمده بودند  
وضع کنونی تیتر کشور را به  
بررسی نشستند و راه های حل-  
دشواری رابه کاوش گرفتند.

راه اندازی میزهای گرد هنری،  
نشستهای اختصاصی هنری،  
مصاحبه ها و گفت و شنودهای  
جمعی فرهنگی و هنری و بررسی  
وریشه جویی نابه سامانیهای بخش-  
های هنری در کشور در شمار کار-  
هایی است که در آینده تلویزیون  
ج.د.ا. و اتحادیه هنرمندان آنرا به  
اشتراک یکدیگر در عمل پیاده  
میسازند.

## یک برنامه تازه رادیویی

«نیایش بامدادی» برنامه  
ایست تازه از اداره هنر و ادبیات  
رادیو افغانستان که همه روزه از  
ساعت ۶ تا ۶:۳۰ صبح به جای  
برنامه مثنوی خوانی که تا پیش  
از این در همین وقت صبح به نشر  
میرسید، بخش میگردد.

نیایش بامدادی در محتوای خود  
به شناخت آرنده و نشاند هنده  
سیمای تصوف و عرفان کشور  
است، عرفان و تصوفی که در چله  
نشینی و گریز از مردم خلاصه  
نمیگردد، بل که مبارزه یی است که  
تا پیروزی حق بر باطل میجنگد و  
ریا و تزویر رادر خود پذیرا نیست.  
در برنامه نیایش بامدادی بعد از  
یک پیشگفتار کوتاه، آثار خواننده  
میشود از مولانا جلال الدین محمد  
بلخی، عطار، سنایی، شمس-  
تبریزی، منصور حلاج، شیخ ابو  
سعید ابو الخیر، رحمان بابا و  
دیگران، که هر یک میتوانند معرف  
بخشی از ویژه گیهای عرفان و  
تصوف اسلامی میباشند.

## ابتکار تازه

نقد و بررسی فیلمهای سینمایی  
اقدام تازه یی است از اداره برنامه  
های سینمایی تلویزیون که چند  
هفته است یکشنبه شبها و پنجشنبه  
شبها در فرجام نمایش فیلمهای  
داستی از تلویزیون نشر میگردد.  
این اقدام تازه از آن جهت مفید  
وارزنده تلقی میگردد که به مرور  
به نگرنده و تماشا گردید سینمایی  
میبخشد تا آگاهانه در خوب  
وبد فیلمها به داوری نشینند و در  
«هنر هفتم» سره را از ناسره جدا  
و تمیز کرده بتواند.

اما آنچه یاد آوری آن ضرور  
مینماید، این است که اگر این  
بررسیها پیش از نمایش فیلم بخش  
گردد، بهتر است تا تماشاگر کم  
حوصله (حسب معمول) با پایان  
گرفتن نمایش فیلم دست به سویچ  
تلویزیون خود نبرد و به قول  
خودش خود را از شنیدن گپ اضافی  
وانر هاند.

صفحه ۷ (آواز)



# تعمیر و تعمیر

## در نشریات رادیو افغانستان

کردن را در اختیار مشترک یانشس بگذارد .  
و رادیو که یکی از مهمترین و مؤثرترین و سایل مفا همه گروهی به حساب میآید، به خوبی توانایی این را دارد تا به آسانی و در همه جا همدم و یار نزدیک شنونده بوده، به سهولت و به سرعت هر چه تمام به شنونده و خواننده، اطلاع بدهد، معلومات ارائه کند، کمک نماید، تفریح بخشد و سرگرم بسازد .

تفریح بخشیدن و دلخوش داشتن شنونده را همواره با خود داشته و به خاطر آن گام های ارزنده و ثمر بخشی برداشته است .  
با آنکه برنامه های گونه گون ذوقی و تفریحی که به خوبی توانایی سرگرم کردن و شادمان ساختن شنونده ها را دارند، از راه اداره های گونه گون نشریات رادیو افغانستان همه روزه به دست نشر سپرده شده و تا حد زیادی خشنودی و رضایت شنونده ها را کسب کرده است ،

رادیو را در همه جا میتوان با خود داشت . هم در کارخانه ، هم در اتاق کار ، هم در سالون- غذا خوری و هم در آشپزخانه و موتر . . . رادیو با ماست و همدم و نزدیک با ما . از ینرو با رادیو به سهولت و در هر محلی میتوان سرگرم شد . شاد زیست و تفریح کرد .

و سایل ارتباط همگانی در جنت- سایر وظایفی که عهده دار اجرای- آن است ، یکی هم سرگرم کردن و تفریح بخشیدن آدمها است .

وسایل مفا همه گروهی، بایست توانایی اینرا در خود ایجاد نماید تا به خواننده گان ، بیننده گان ، و یا شنونده گانش در اوقاتی که در جستجوی سرگرمی هستند و یا میخواهند ساعتی دل به شادمانی بسپارند، یاری رسانیده و آسان- ترین شیوه سرگرم شدن و تفریح-

اما با تعویض و تجهیز سنده یو- های رادیو افغانستان با تخنیک مدرن و مجهز ، از پنجمین سالگرد انقلاب پیروزمند ثور بدینسو، رادیوی ما دست به نشر بر نامه تازه پی زدو آن نشر امتحانی بر نامه خوب و سرگرم کننده «اف.ام» است .  
برنامه اف.ام را که روی موج ماورای کوتاه (سه عشاریه یک متر) برابر به نود و شش عشاریه پنجاه و پنج میگا هرتز در کانال سی به گونه امتحانی ، به نشر

رادیوی خد متگذا ر مردم است، در پهلوی سایر اهداف نیکوی نشراتش یکی هم



میرسد میتوان صرفاً يك برنامه تفريحي - ذوقی نام گذاشت و از ورای آن و به وسیله آن به آسانی بهترین تفريح را میسر ساخت .

برنامه اف ام رادیو افغانستان به اساس نیاز شنونده گان رادیو-افغانستان به موسیقی و تفريح ، به نشرات آغاز کرده و به آنسویی گام میگذارد که نیاز شنونده گان را به موسیقی و تفريح بر آورده و تأمین گر داند. ازین برنامه موسیقی شاد و دل انگیز هم از هنرمندان خود ما و هم از بهترین هنرمندان خارجی پخش و نشر میگردد . خصوصیت عمده یکه موسیقی برنامه اف ام با خود دارد ، ستریو فونیک بودن آنست . موسیقی ستریو فونیک عالی ترین شکل ثبت و نشر موسیقی است که هم دلپذیر است و هم گوش از شنیدن آن نوازش مییابد .

از راه برنامه (اف ام) رادیو بهترین و تازه ترین آهنگهای داخلی و خارجی از هر نوع و شکل (آماتور ، محلی ، کلاسیک ، لایت ، پاپ ، ساز تنها و دیگر انواع) به نشر رسیده و هر شام از ساعت هفت تا نه شب ، با شنیدن موسیقی دل انگیز ستریو فونیک ازین راه به خوبی میتوان تفريح کرد و دل شاد داشت .

سید مقصود برهان مدیر آرشیف نشراتی رادیو افغانستان در رابطه به چگونگی برنامه های گونه گون پروگرام اف ام رادیو افغانستان در پاسخ پرسشی معلومات ، جالبی ارائه کرده است که با هم میخوانیم:

- برنامه اف ام يك برنامه مکمل تفريحي است که از طریق آن بهترین آهنگهای داخلی و خارجی به شکل ستریو فونیک به نشر میرسد . این برنامه در آغاز نام مشخصی نداشت ، پس از یکی دو ماه نشرات بنا بر تقاضای تعداد زیادی از

شنونده ها ، ما برنامه های (اف ام) را از هم تفکیک جدا نمودیم ، به این معنی که هر نوع موسیقی را زیر نام معین و برنامه معینی به نشر می‌رسانیم .

از طریق برنامه (اف ام) در هر هفته چهارده ساعت نشرات صورت میگیرد که در هر روز و هر ساعت برنامه معین زیر زیگنال و نام معینی با نوع موسیقی معینی به دست نشر سپرده میشود .

به خاطر آشنایی بیشتر خواننده گان محترم مجله با برنامه های که از طریق اف ام به نشر میرسد ، کلیه برنامه ها را همراه با نام ، محتوی و وقت نشر برنامه به ترتیب به شما ساینی میگیریم :

«سرود های دلپذیر» : برنامه - بیست از برنامه های خوب اف ام که شام های دو شنبه و پنجشنبه از ساعت هفت تا هشت شب به نشر رسیده و از طریق آن میتوان بهترین آهنگهای شاد ستریو-فونیک هنرمندان کشور را شنید .

«گل های همیشه بهار موسیقی» : از طریق این برنامه خوب که وقت نشر آن شام های شنبه از ساعت هشت تا نه شب و شام های چهارشنبه از ساعت هفت تا هشت میباشد ، آهنگهای دلپذیر لایت از کشور های مختلف جهان پخش و نشر میگردد .

- «گلدسته های موسیقی» : وقت نشر این برنامه خوب شام های سه شنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه شب بوده و از طریق آن موسیقی دل انگیز غزل و ساز و آواز کلاسیک هم از هنرمندان داخل کشور و هم از هنرمندان خارج کشور به نشر میرسد .

- «نوا کپساران» بهترین آهنگهای محلی ستریو فونیک شام های شنبه و سه شنبه از ساعت هفت تا هشت شب زیر زیگنال همین برنامه به نشر میرسد .

- «ترانه های انتخابی» برنامه بیست که از طریق آن هم به خواست و انتخاب شنونده ها موسیقی شاد و دل انگیز از داخل و خارج کشور به نشر سپرده میشود و هم به انتخاب و خواست همکاران برنامه (اف ام) .

- «چلوه گاه ذوق» برنامه ادبی ، ذوقی است که پارچه های زیبایی شعر و نشر همراه با آهنگهای دل-انگیز ستریو فونیک داخلی و خارجی شام های یکشنبه و چهارشنبه از ساعت هشت تا نه شب از طریق آن به نشر میرسد .

- «ستاره هایی از کپکشان» موسیقی» برنامه دیگر بیست از برنامه های خوب موج اف ام که بهترین موسیقی پاپ خارجی را شام های یکشنبه و جمعه از ساعت هفت تا هشت شب به نشر می‌رساند .

(پایان)



# ره آورد سفر از جمهوری دموکراتیک مردم کوریا

گزارشی از ششمین سمپوزیوم روز ستروم موسیقی آسیایی در شهر (پیونگ-یانگ) مرکز جمهوری دموکراتیک مردم کوریا

پس از اشتراک در چهارمین سمینار متخصصین موسیقی آسیایی در ماه دلو سال ۱۳۵۶ در جاپان و اشتراک در هژدهمین کانگرس بین المللی موسیقی و تیاتر در ماه جوزای سال ۱۳۵۸ در بلغاریا و کسب تجاربی از آن-گردهم آیی های پر ثمر بین المللی، اشتراک من و محترم حفیظ الله خیال هنرمند دیرین و آهنگساز معروف کشور در ششمین سمپوزیوم و روستروم موسیقی آسیایی در ماه میزان سال روان، آموزنده ترین و پر ثمرترین مسافرتی بود در زمینه های آشنایی با موسیقی ملل آسیایی و معرفی موسیقی افغانستان در جهان خارج که با موفقیت پایان یافت.

درین سمپوزیوم و روستروم که امسال به دعوت کشور دوست جمهوری دموکراتیک مردم کوریا در شهر (پیونگ یانگ) پایتخت آن کشور زیبا دایر گردید، نماینده گان بیست و یک کشور (جمهوری دموکراتیک افغانستان، استرالیا، ننگلهدیش، چین، جمهوری دموکراتیک مردم

کوریا، جمهوری دموکراتیک آلمان، هند، اندونیزیا، جاپان، کویت، ملاوای، منگولیا، نیپال، پاکستان، گینی جدید، جمهوری دموکراتیک مردم یمن، فلیپین، سازمان آزادی-بخش فلسطین، سوریه، اتحاد جما هیر - شوروی، ویتنام) و نماینده گان هشت سازمان وانچمن وابسته به یونسکو و رادیو تلویزیون بین المللی که عبارت بودند از:

(شورای بین المللی موسیقی، شورای بین-المللی موسیقی جاپانی، سکرتریات شورای بین المللی، موسیقی، سازمان بین المللی رادیو، تلویزیون، انجمن بین المللی موسیقی-شناسان، اتحادیه برود کاستنگ جامعه عرب اتحادیه برود کاستنگ آسیایی، سکرتریات شعبه آسیایی شورای بین المللی موسیقی، مجمع عهومی کوریایی های مقیم جاپان) اشتراک نهوده بودند که تعداد مجوعی آنها به شمول کسانی که به عنوان ناظر و مشاهد از جمهوری دموکراتیک مردم کوریا و سایر کشورها در جلسات اشتراک داشتند، به بیش از یکصدوسی نفر میرسید.

اهداف روستروم و سمپوزیوم:

در این سمپوزیوم از کشور های اشتراک کننده خواسته شده بود تا از میان این چهار موضوع: (موسیقی باستانی کلاسیک، موسیقی باستانی محلی - فولکلوریک - موسیقی جدید که بر اساس و مینای موسیقی باستانی هر کشور پی ریزی شده باشد و موسیقی جدید بر اساس و مینای تخنیک و شیوه های خارجی) یک موضوع را انتخاب نموده و در همان زمینه مشخص، مواد لازم را که عبارت بودند از حد اکثر یکساعت موسیقی ثبت شده در نوار تشریحات لازم پیرامون موسیقی ثبت شده در چند کاپی به زبان انگلیسی و یک مقاله در چند کاپی به زبان انگلیس در مورد موسیقی که بین ۲۰ تا ۳۰ دقیقه وقت خوانش را بگیرد پیش از پیش به سمپوزیوم فرستاده و یا نماینده هر کشور آنرا با خود به سمپوزیوم ببرد، چنانچه ما اینکار را نمودیم و پیرامون موضوع انتخاب شده در زمینه موسیقی افغانستان خواست سمپوزیوم را به گونه شایسته برآورده ساختیم. باید یاد آور شد که هیات دو نفری افغانی (خیال و مددی) از میان چهار موضوع یادشده، موضوع دوم یعنی (موسیقی باستانی محلی - فولکلوریک) افغانستان را انتخاب نموده بود.

اهداف عمده ششمین سمپوزیوم و روستروم موسیقی آسیایی در این سه نکته خلاصه میشود: الف: شنیدن موسیقی های کشورهای اشتراک کننده در بخش (روستروم) که جمعا چهار روز را در بر گرفت و بحث و گفتگو پیرامون موسیقی هر کشور بلا فاصله پس از شنیدن آن در مجلس به زبان انگلیسی که زبان رسمی این روستروم و سمپوزیوم تعیین شده بود.

ب: انتخاب بهترین پارچه های موسیقی هر کشور توسط یک کمیته ذیصلاح که بیشتر بدین منظور از جانب شورای بین المللی موسیقی و کمیته ملی موسیقی کشور میزبان با همکاری سایر مؤسسات مربوطه وابسته به یونسکو انتخاب شده بودند.

باید یادآور شد که این کمیته هشت نفر عضو داشت که همه کارشناسان موزیک و



وهاب مددی مدیر عهومی موسیقی رادیو، تلویزیون و حفیظ الله خیال هنرمند رادیو - تلویزیون در جریان سمپوزیم موسیقی آسیایی.



صاحب نظران معروفی بودند و در رأس کمیته، یک کارشناس موسیقی هندی به نام (پروفیسور دوکتور نارایانا - مینون) قرار داشت که پیشتر بود و فعلاً به حیث رئیس (آکادمی ملی موسیقی - رئیس شورای بین المللی موسیقی رقص و درام) در هند کار میکند.

ج: خوانش مقاله ها به زبان انگلیسی توسط نماینده گان کشورهای اشتراک کننده در بخش سمپوزیوم که جمعا سه روز را در بر گرفت و نقد انتقاد پیرامون هر مقاله بلا فاصله پس از خوانش آن.

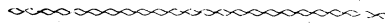
یاد داشت: از گنجیندین متن اصلی مقاله که (نگارنده) پیرامون (آهنگهای فولکلوریک افغانی) در سمپوزیوم ایراد نمود و ازان به خوبی استقبال گردید، به خاطریکه سخن به درازا نکشد، در چوکات این گزارش صرف نظر میگردد و اگر لازم افتاد در شماره آینده مجله «آواز» آنرا جهت چاپ تقدیم خواهیم نمود.

در حاشیه روستروم و سمپوزیوم:

در مدت سیزده روزی که پروگرام رسمی ششمین سمپوزیوم و روستروم موسیقی آسیایی در شهر (پیونگ یانگ) ادامه یافت، طبق پروگرام، از نقاط تاریخی، بر نامه های

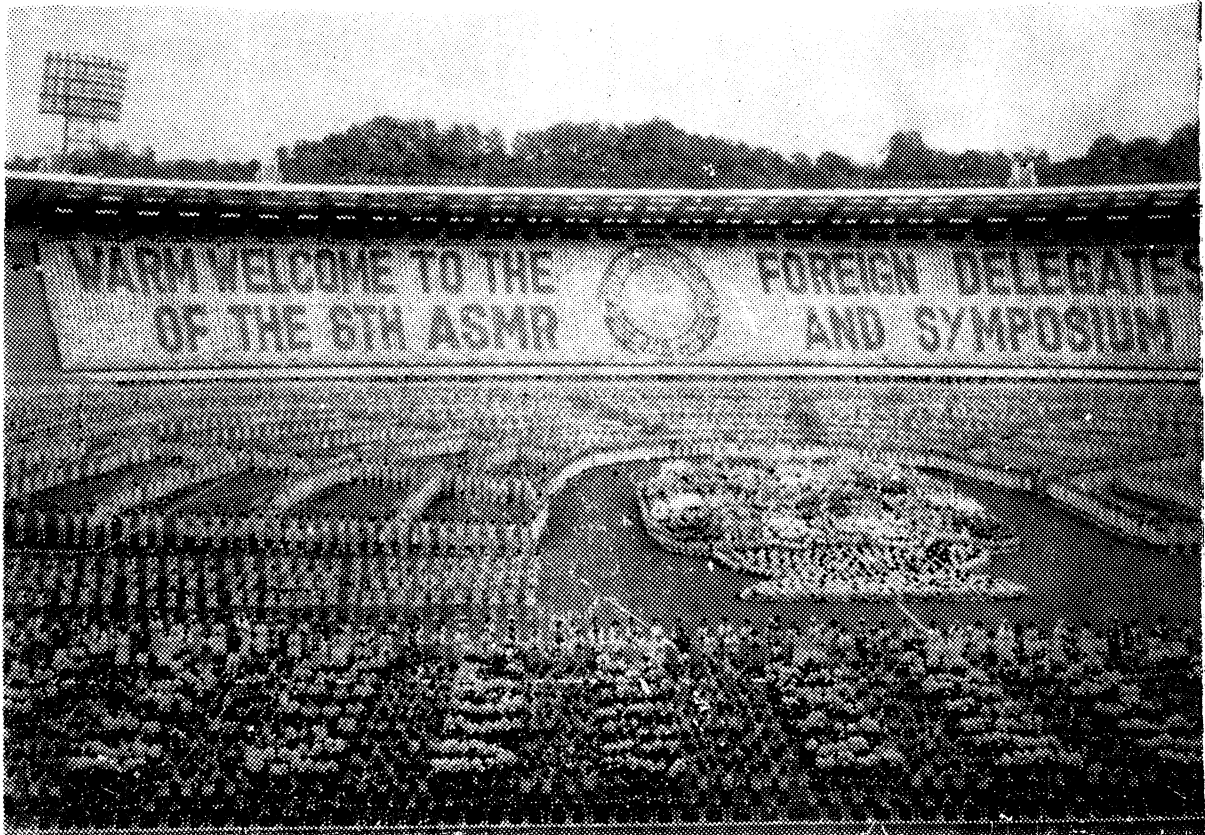


وهاب مددی و حفیظ الله خیال در کاخ کودکان شهر پیونگ یانگ مرکز جمهوری دموکراتیک مردم کوریا با گروه اکوردیون نوازان



هنری و نمایشات سپورتی دیدن نمودیم که تفریحگاههای شهر، کتابخانه موزه آلات موسیقی فشرده آن چنین است: ملی کوریا، قصر کلتوری مردم، برج بازدید از استودیوهای فلمبرداری، زادگاه (ایده شو چه) که یکصد و هفتاد متر ارتفاع (کمال سونگ) رهبر بزرگ مردم کوریا،

(ورق بزنید)



نمایی از نمایشات سپورتی شاگردان (تعلیم و تربیه) جمهوری دموکراتیک مردم کوریا در ستودیوم شهر پیونگ یانگ که به افتخار اعضای سمپوزیم اجرا گردید.



سه کیلو متر از شهر (پیونگ یانگ) فاصله داشت و چشمه آب معدنی معروف آن منطقه و تماشای يك تعداد معبدهای تاریخی در آن منطقه تماشای نمایشات سرکس و طاق ظفر شهر پیونگ یانگ که بزرگترین طاق ظفر در جهان است .

بازدید از پوهنتون موسیقی و رقص شهر (پیونگ یانگ) که در آن پنج هزار محصل در شش فاکولته مختلف در زمینه های گوناگون هنر رقص و موسیقی توسط پنجمصد نفر پروفیسور ، اسیسانتان پرو فیسور و معلم در یکصد و بیست اتاق مشق و تهرین و تالار درسی به صورت نظری و عملی تدریس میشدند .

این یونیورسیتی که یکی از دلچسپ ترین نقاط مورد باز دید ما بود ، در سال ۱۹۴۷ تاسیس شده و در بدو مرحله صرف چند نفر محدود از استادان موسیقی کوریایی در آن به تدریس شاگردان آغاز نمودند ، بعد عده بی از شاگردان خوب آن جهت تحصیلات عالی بسه اتحاد جماهیر شوروی رفتند که در پایان تحصیل و باز گشت به وطن از جمله استادان همین یو نیورسیتی شدند و کتون درین یونیورسیتی تمام رشته های هنر موسیقی از جمله آواز خوانی ، نوازنده گی ، آهنگسازی، رهبری آرکستر ، هنر اوپرا ، رقصهای محلی و ملی و موسیقی ملی و اروپایی پا به پای هم تدریس میگردد .

نتیجه روستروم و سمپوزیوم :

همانطوریکه در بالا یادآوری گردید، کمیته مسئول ۱ انتخاب بهترین آهنگها ، ازمیان صدها آهنگی که از کشورهای گونه گون در سمپوزیوم شنیده شد ، آهنگهایی را به گونه زیر انتخاب نمود :

- ۱- از جمهوری دموکراتیک مردم کوریا (کشور میزبان) ۱۳ آهنگ .
- ۲- از اتحاد جماهیر شوروی ۷ آهنگ .
- ۳- از چین ۷ آهنگ .
- ۴- از هند ۶ آهنگ .
- ۵- از انونیزیا ۵ آهنگ .
- ۶- از ویتنام ۴ آهنگ .

سال ششم ، شماره (۷-۸)



طاق ظفر شهر پیونگ یانگ

کودکستانهای شهر (پیونگ یانگ) که اطفال بین سن ۵ تا ۷ سال در آن اشتراک داشتند و بخش کنسرت موسیقی شان واقعاً بی نظیر و در خور هر گونه ستایش بود . تماشای کنسرت موسیقی شاگردان يك مکتب دخترانه ، اوپرای انقلابی (دختر گل فروش ) در (اوپراهاوس) که بی نهایت زیبا و مدرن تازه ساخته شده ، کنسرت سمفونی در تیاتر بزرگ مردم ، دیدار با هنر مندان شهر (پیونگ یانگ ) در «کلوب هنرمندان » و اجرای نمایشات مشترک سیورتی و هنری توسط ایشان و شا ملان روستروم و سمپوزیوم ، بازدید از کوه های بلند ، سر سبز و تماشایی ( میوها ) که حدود

آن بود و از جمله بلندترین برج های جهان به شمار میرود .

موزه آثار باستانی و تاریخی :  
موزه آناری که از جانب رهبران دول و سازمانهای خارجی به رهبر بزرگ مردم کوریا اهدا شده بود ( از افغانستان نیز هدیه هایی در آن موجود بود ) ، « تالار بزرگ مطالعه بزرگسالان » که در يك وقت پنج هزار نفر میتوانند در آن به مطالعه بپردازند ، « کاخ اطفال ونو - جوانان » و تماشای کنسرت اطفال در آنجا ، کاخ هنر و تماشای کنسرت آلات موزیک ملی در آنجا ، تماشای نمایشات سیورتی در سمپوزیوم یکصد هزار نفری ، نمایشات هنری اطفال

صفحه ۱۲ (آواز)

- ۷- از جمهوری دموکراتیک افغانستان آهنگ .
- ۸- از پاکستان آهنگ .
- ۹- از ملداوی آهنگ .
- ۱۰- از نیپال آهنگ .
- ۱۱- از جمهوری دموکراتیک یمن آهنگ .
- ۱۲- از گینی جدید آهنگ .
- ۱۳- از جاپان آهنگ .
- ۱۴- از منگولیا آهنگ .
- ۱۵- از سوریه آهنگ .
- ۱۶- از استرالیا آهنگ .

باید یادآور گردید که از جمله بیست و یک کشور اشتراک کننده چهار کشور (بنگله دیش، فلپین، کویت و سازمان آزادی بخش فلسطین) آهنگهای موسیقی و مقالات خویش را به روستروم و سمپوزیوم حاضر کرده نتوانستند، درحالیکه نماینده گان شان در مجالس حاضر بودند، لذا ازین کشورها هیچ آهنگی انتخاب نشد. (نماینده گان کشور المان دموکراتیک در جلسات روستروم و سمپوزیوم به عنوان مشاهد، حاضر بودند) و اما در میان شانزده کشوری که آهنگهای شان شنیده شد، طوریکه دربالا آمده است، افغانستان در مقام هفتم قرار گرفت که این خود بیانگر غنا و اصالت موسیقی فولکلوریک افغانستان بوده هويت - موسیقی مارا دریک مجمع بین المللی به گونه قناعت بخشی مشخص ساخته است .

یاد داشت : هیات افغانی این آهنگها را باخود به سمپوزیوم برده بود :

- ۱- يك آهنگ محلی پشه‌یی به آواز گوهرخان .
- ۲- يك آهنگ محلی دری به آواز صفدرتوگلی .
- ۳- يك آهنگ محلی بلوچی به آواز محمدظاهر .
- ۴- يك آهنگ محلی کندهاری به آواز ولی محمد کندهاری .
- ۵- يك آهنگ محلی شمالی به آواز حمیدالله چاریکاری .
- ۶- يك آهنگ محلی هراتی به آواز الفت هروی .
- ۷- يك آهنگ محلی تر کمنی به آواز احمدبخش قطغنی .
- ۸- يك آهنگ محلی ازبیکي به آواز رشیده ژاله .

- ۹- يك آهنگ محلی لوگری به آواز عزیز شلماچ وجمیل .
  - ۱۰- يك آهنگ لوگری به آواز سلام لوگری .
  - ۱۱- يك آهنگ محلی پنجشیری به آواز محمدشریف و همراهان .
  - ۱۲- نغمه اتن ملی توسط ارکستر لوگری .
  - ۱۳- نغمه اتن ملی توسط ارکستر لوگری و از میان آهنگهای یاد شده این سه آهنگ به ترتیب به عنوان بهترین آهنگهای محلی افغانی انتخاب شدند :
  - آهنگ اوزبیکي به آواز رشیده ژاله .
  - آهنگ پښتو به آواز سلام لوگری .
  - آهنگ دری به آواز صفدر توگلی .
- باید یادآور گردید که این سه آهنگ منتخب از افغانستان همراه با آهنگهای انتخاب شده از سایر کشور های آسیایی در آینده نزدیک از جانب مؤسسات مربوط یونسکو به همکاری نزدیک کمیته ملی موسیقی جمهوری دموکراتیک مردم کوریا ( باگروه اکوردیون نوا زان و جهت معرفی موسیقی آسیایی به مراجع ذی‌علاقه بین المللی توزیع خواهد شد .
- در پایان سخن ، از مهمان نوازی های گرم مقامات مربوطه کشور دوست جمهوری دموکراتیک مردم کوریا که در برابر هیات افغانی دران کشور نموده اند، اظهار سپاس و قدر دانی مینماییم .
- پایان



پذیرایی پیشاهنگان شهر پیونگ یانگ از هیات افغانی در میدان هوایی آن شهر .



# آواز خوانی بر بلند آوازه

با آنکه هنوز خیلی جوان است و سالهای زیادی پیش روی دارد که تجربه اندوزد و سطح آگاهی هنری اش را بلند برد و با آنکه زمانه پیش نیست که گامگذار راه هنر گشته، توانسته است بر سکوی شهرت تکیه زند و به بلند آوازه گی دست یابد، شاید این شهرت و نام آوری در آواز خوانی، ثمره تپش و تلاش وی باشد برای رسیدن، برای فهمیدن و برای دستیابی به هنر اصیل و بومی، و شاید هم به خاطر صدای خوش و فرح بخشی که دارد....

هر چه باشد، فرهاد دریا زود آغاز کرد، زود به شهرت رسید و شهرتش دیر دوام آورد. او که جوانی است محبوب و کام حریف و تانپرسی و تا مجبور نشود، چیزی برای گفتن ندارد، اینک در برابر من نشسته است و در انتظار اینک پرسشی به طرح آید و سوالاتی ارائه گردد...

به دقت از نظر میگذرانمش: حالت خواب رفته عادی او کمتر به فرهادی میماند که آواز میخواند و با صدای خوشش، ترانه ها را نیک زمزمه میکند.

میبینیم که نگاه پر شگرتش

متوجهم است، در انتظار نمیگذازمش، از او می پرسم:

توبه عنوان یک آواز خوان، خیلی زود، زود تر از آنچه که انتظار میرفت، پله های شهرت را بالا رفتی و بر سکوی آوازه نشست، از نظر خودت انگیزه این شهرت چیست و چقدر فراز ت بی فرود میتواند دوام آورد؟

پاسخ میدهد:

خلاف نظر تو، من چنین نمی اندیشم که در شمار آواز خوانان پر آوازه، نامم ردیف شده باشد و یا در محافل هنری از من نامی



فرهاد دریا

برده شود، اما اگر چنین باشد، شاید بتوان آنرا مقداری زاده تصادف نیک نامید و مقداری هم از تلاش خودم برای رسیدن، فهمیدن و درک کردن موسیقی به گونه ای که باید باشد.

تو در مدت کم فعالیت هنری ات، نه تنها خواسته ای آواز خوان خوبی باشی، که آهنگ هم ساخته ای و مهمتر از آن موفق به تشکیل یک ارکستر اختصاصی نیز شده ای و همین است که در ذهن من پرسش هایی رابه طرح می آورد؟

بفر ما بید!

نخست اینکه تو برای آهنگ سازی چه معیارهایی را میشناسی و ساده تر اینکه از نظر تو یک نفر آهنگساز باید چقدر سابقه و تجربه کار داشته باشد. به چه مقدار از آگاهی فنی و مسلکی رسیده باشد و در چه شرایطی میتواند آهنگ بسازد و دیگر اینکه ترکیب سازهای ارکستر تو، اگر یک ترکیب تازه نباشد، می توان آنرا ترکیبی استثنایی گفت، به این دلیل که تو در ارکستر «باران» هم آلات غربی را شامل ساخته ای، هم هندی را و هم افغانی را؟



### فرهاد دریا، زودآغاز کرد وزود به شهرت رسید ...

- با پرسش های چند گانه ات  
گیچم ن ساز و اجازه بده مسایل  
رایک به یک به طرح آوریم و روی آن  
سخن گوئیم ، گفتی برای آهنگ-  
سازی چه معیار هایی را میشناسم؟  
به اجازه ات باید بگویم : فرق  
میکند که آهنگسازی در شرایط  
محدود فرهنگی و در یک کشور عقب-  
مانده از نظر شگوفانی موسیقی  
مطرح باشد و یا در شرایط یک  
کشور پیشرفته ، اگر مراد آهنگ-  
سازی به گونه عام آن باشد ، به  
نظر من ، آهنگساز باید تحصیلات  
آکادمیک داشته باشد ، زمینه های  
موسیقی رانیک بشناسد ، ویژه گی  
های سازها را بداند ، حداقل نواختن  
یکی دوساز را و از سازهای پرده ،  
نواختن پیانو را بداند که از چنین  
شرایطی کمتر آهنگسازی در کشور  
ما بر خوردار است . اما اگر مراد از  
آهنگسازی ، آن چیز هایی باشد  
که ما به آن آهنگ میگوئیم ، گپ  
ساده تر میشود و کافی است سب-  
زنده آهنگ ، اندکی شناخت هنری  
داشته باشد ، از نظر موسیقی  
به اصطلاح به (سر) باشد ، با هنر  
کمپوزیسیون و یا ترکیب هنری  
در بخش کار خود ، آشنا باشد و  
استعداد آفرینش و خلاقیت هم  
داشته باشد ، البته این سخنان هرگز  
نباید چنین تعبیر گردد که من  
خودم را آهنگساز می میدانم  
و یا ادعایی در این زمینه دارم .  
بخش دوم پرسش تو ، ارتباط  
میگیرد به نحوه ترکیب سازها در  
ارکستر (باران) و این موردی است  
که من از آن دفاع میکنم .

اجازه بده در همین مورد خاص ،  
من از تو بپرسم چرا باید یک ارکستر  
غربی در ترکیب خود غربی باشد  
و یک ارکستر محلی همچنان محلی  
باقی بماند ، در آن صورت مسأله  
تلفیق هنری چه میشود ؟

۳۰ و ۸ و ۱۳۶۲

- تو خود چرا این کار را نمیکنی  
و یا نکرده ای ؟  
- اجازه بده در این زمینه اندکی  
گله مندی ام را ابراز دارم ....  
- از کی ، از من ؟  
- تو چرا هر سخن را به خود می-  
کشانی؟ گله من از برخی آگاهان  
دست اندر کار موسیقی واستان  
مادر این زمینه است ، تو با ورکن  
پیش از روی کار آمدن آرکستر «باران»  
من بارها به آنان مراجعه کردم و  
خواهان ابراز نظرشان در مورد  
کار خود شدم ، ولی آنچه که ابراز  
نشد رهنمایی بود و کار نشاند  
هی ، این بود که مایوس شدم و  
خود به تنهایی نظرم را در عمل  
پیاده کردم ، البته در همین زمینه  
باید از کمک های بی شایسته و  
صمیمانه رئیس و دیگر  
دستان در کاران تلویزیون  
کشور یاد کنم که مرا منت دار  
خود ساختند و تمام امکانات  
شان را در اختیارم قرار دادند ،  
تشویق نمودند و به من جرأت  
بخشیدند که من ، کلی از این رساله  
نه گروهی سپاس دارم و تلاش

مگر ما ، در کشور خود آهنگهایی  
به گونه غربی را به اجرا نمی-  
آوریم ؟ این گونه آهنگها به اشکال  
گوناگون اجرا میگردد و زیاد عم  
اجرا میگردد خوب برای تلفیق  
و به هم آمیزی ، همانگونه که یک  
آهنگ افغانی میتواند با یک ارکستر  
غربی اجرا گردد ، چرا باید یک  
آهنگ غربی نتواند در یک ارکستر  
مخلوط از سازهای غربی و افغانی  
اجرا گردد ...؟

- منظور من این بود که در این  
صورت آیا اصالت کار ، میتواند  
حفظ گردد و از سوی دیگر از نظر  
توازن و هم آهنگی ، آیا وجوه  
تشابه کافی میان سازهای افغان-  
نی و غربی وجود دارد یا نه ؟

- این اقدام از نظر من اگر محال-  
سنی نداشته باشد ، باری پر از  
معایب هم نیست ، ولی اگر تو در  
مورد حفظ اصالتها ، تشویش  
داری ، خوب است در این زمینه با  
آگاهان واستان موسیقی  
صحبت کنی و نظرشان را به چاپ  
رسانی که من هم ممنون شوم و  
مستفید .

(ورق بزنید)

صفحه ۱۵ (آواز)



شان رادر کمک رسانی به هنر -  
مندان وزمینه سازی برای باروری  
استعداد های جوان به ستایش  
میگیرم .

- تا جایی که من متوجه شده ام  
تو زیاد کوشیده ای آهنگهای بی راکه  
به اجرا می آوری، خودت آنرا بسازی  
و کمتر آهنگی را از آهنگسازان  
دیگر سواي خودت خوانده ای ،  
چرا ؟

بودن از دیگران برای تواند کسی  
زود نیست ؟

- شاید خیلی زود باشد و شاید  
هم خیلی دیر، مسأله این است که  
در کشور ما با تأسف استادان هنر-  
مند ، همکاری کمی با جوانان دارند  
و اگر داشته باشند هم شاگرد باید  
کاپی خوان خود استاد باشد و این  
جلوگیری همه خلاقیتها و آفرینش-  
هایی هنری میگردد .

آهنگهای محلی همین است که  
در حد خودم خدمتی رابه فرهنگ  
کشور خود انجام دهم و آهنگهای-  
گمنام و خواننده نشده محلی را کشف  
و با حفظ اصالت آن ، آنرا به اجراء  
آورم که در همین زمینه کارهایی  
سودمندی نیز دارم ، مثلاً  
آهنگهای «مغول دختر» و «لیلا -  
لیلا» که آهنگهای آند بکرو اصیل  
و اجرا نشده و من آنها را با کیفیت  
اصلی محلی شان به اجرا آوردم .  
گفتم اینگونه کارها نوعی خدمت  
فرهنگی است و دلیل می آوردم که  
همین آهنگ «مغول دختر» که  
فقط پیر زنان ما شکل درست آنرا  
در حافظه دارند ، اگر باز خوانی و  
ثبت نگردد، یا با گذشت زمان، فراموش  
خواهد گشت و یا با وارد آمدن  
تغییراتی در آن ، اصالت خود را  
خواهد باخت .

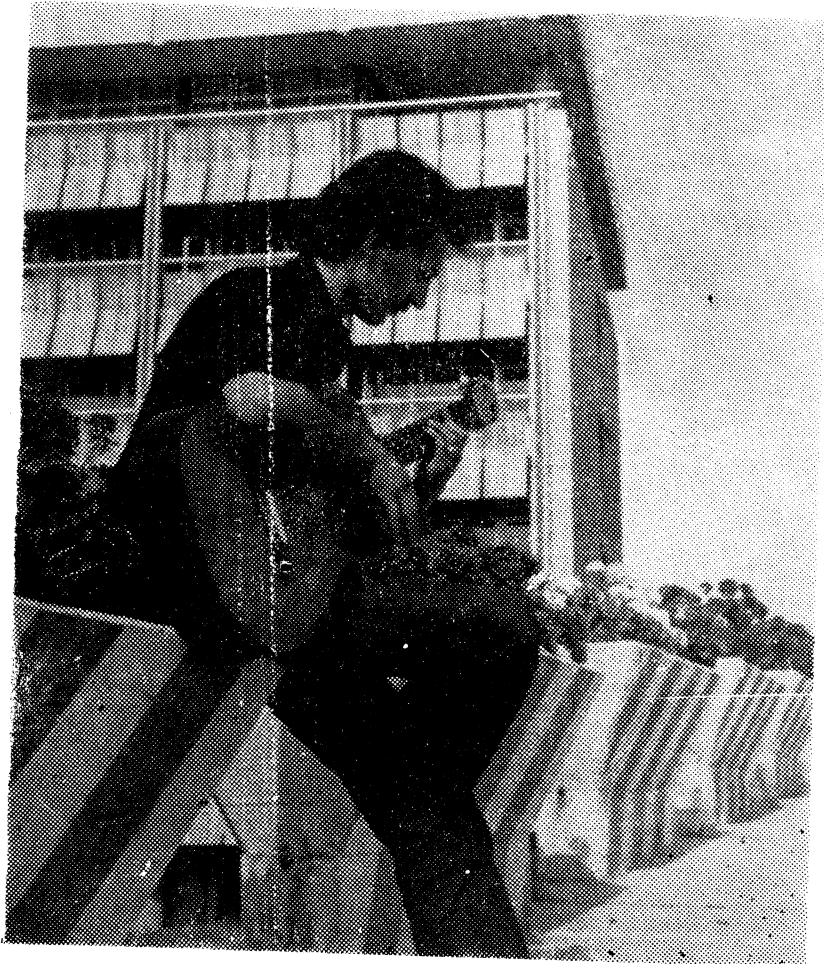


- فراوان آواز خوانان ما از  
رادیو و بیشتر جوانان در مورد  
درست خوانی شعر و تصنیف و هم-  
آهنگی محتوای آن باریتم آهنگ،  
بی التفاتی هایی دارند و بی مبالاتی  
هایی، مثلاً یا تصنیفها و شعر-  
هایی که انتخاب میگردد، از  
نظر سوژه و محتوا و حتی از نظر  
شکل ساختار با سستیها و کاستی  
های فراوان به همراه است ، مو-  
ضوع در آن از فراقتها و یا  
وصال نامه ها تجا و ز نمیکنند، بی-  
نگر هیچ حالت عاطفی و روانی نمی-  
تواند باشد ، به درون زنده گی راه  
نمیبرد و حتی بیان احساسها -  
شقاندر آن ، گونه هنری ندارد  
و اگر احیاناً چنین باشد و تصنیف  
و شعری بز خوردار از محتوا و درو-  
نمایه در سطح خوب باشد آواز-  
خوان آنرا نا درست میخواند و در-  
واقع با این نادرست خوانی ، شعر  
حافظ ، سعدی ، مولوی و دیگر  
متقدمان را مسخ میسازد .

فرهاد دریا میگوید : در شعری که آواز خوان میخواند، باید آستایی،  
انتره و نغمه، هماهنگ و متوازن با مفاهیم عاطفی شعر باشد ...

- مرا با دیگران در نیانداز  
مادر کشور خود آهنگسازان چیره-  
دست فراوانی داریم که همه  
مورد احترام من اند ، این  
آهنگسازان ، آهنگهایی که متوافق  
با خصوصیات صدای من باشد ،  
کمتر ساخته اند و دیگر اینکه من  
در هنر نخواسته ام پیرو کسی باشم  
و تلاشم همیشه این بوده که خودم  
را تبارز دهم نه اینکه از حنجره  
دیگری بخوانم و یا دنبالرو دیگری  
باشم .  
- کاری است میمون و مبارک ،  
اماتو خود، چه فکر میکنی بی نیاز-

که يك پارچه شعر را ، يك بيت را و گاه حتى يك مصراع را چند بار ميخواند نم آنقدر ميخوانم تا احساس شاعر را ، پيام شاعر را و معاني نهايي جاى گرفته در شعرش را به درستي درك كنم و نگاه است كه من ميگويم شاعر را براي اين پارچه شعر به آفرينش گيرم كه تمام اين حالات هاى عاطفي درزير و بم آن جاى گيرد و به درستي به شنونده ، القا گردد.



او ميگويد :

«... آهنگساز بايد زمينه هاى موسيقي را خوب بشناسد، ويژه گي-  
هاى سازها را بفهمد و كم از كم، نواختن يكي دوساز را بداند...»

براي به وجود آبي چنين حالتى در شنونده ، لازم است كه آواز خوان بتواند احساس خود را با احساس شاعر و عاطفه اش را با عاطفه وي گره زند، و گرنه چه مشكل است مثلا خواندن اين غزل شور انگيز مولاناي بلخي كه:

بنماي رخ كه باغ و گلستانم آرزوست  
بگشاي لب كه قند فراوانم آرزوست  
يك دست جام باده و يك دست زلف يار  
رقصى چنين ميانه ميدانم آرزوست...

(دنباله درس ۵۵)

صفحه ۱۷ (آواز)

از سوي ديگر اغلب موضوع و سوز شعر با آهنگ همسازي و هماهنگي ندارد ، به گونه مثال: يك شعر حماسي ، به گونه عاشقانه خوانده ميشود و يا عكس آن و يا شعريكه موضوع غم انگيز دارد، آواز- خوان آنرا شاد ميخواند و يا باز هم عكس آن ...

- نظر تو در اين زمينه چيست و خود به عنوان يك آواز خوان جوان و باسواد ، چقدر خود را در اين مورد مسزول احساس کرده اى !

- ميتوانم بگويم در آغاز كار خواننده گي ، من هم تصنيف ساويا شعر گونه هاىي از آن ما بند راه توبه ان اشاره كردى، زياد خوانده ام اما ميتوانم ادعا كنم كه در كار هاى اخير م مواردى از اين ما نند انر ناياب نباشد ، باري كمياب است. موضوعي كه من با تو كاملا هم- عقیده ام همين موضوع ناساز- گاري محتوي شعر با ريتم آهنگ است كه متأسفانه در اغلب كارهاى راديويي ما جاى باز دارد . من نبر ميكنم هم آهنگساز وهم آواز خوان بايد در ساختار و اجراي موضوع و سوز شعر و تصنيف و گونه آنرا در نظر داشته باشند، تا يك شعر حماسي ، عاشقانه خوانده نشود و با آهنگي شاد ، شعر ، غم انگيز به اجرا نيايد. در مورد بايد اشاره كنم كه در اين اواخر به شعر متقدمين و از آن ميان به شعر مولانا جلال الدين محمد بلخي ارادت خاص يافته ام و ميگويم شمس غزل هاىي كه با آواز به اجرا- ميآورم ، از سرود هاى آن ابر مرد شعر و تصوف باشد .

نميتوانم ادعا كنم كه تمام مفا-  
هيم جاى گرفته در شعر آن عارف  
بزرگ را در گونه اجرايم بازتاب  
ميد هم ، اما اين ادعا واقعيت دارد



# حماسه‌ها و حماسه‌آفرینان

## در ادبیات پرباردری

### از شاهنامه‌نمونه‌ها و منظوم‌های شاهنامه‌نویسی

اگر بر درخت برو مند جای  
نیابم که از بر شدن نیست رای  
کسی کوشود زیر نخل بلند  
همان سایه زو باز دارد نزدیک  
توانم مگر پاییکه ساختن  
برشاخ آن سرو ساریه فکن  
کزین نامه‌نامور شهر یار  
به گیتی بمانم یکی یاد کرد  
تو این را دروغ و فسانه‌مدان  
به یکسان روش در زمانه‌مدان  
ازوهر چه اندر خورد با خرد  
دگر بر ره رمز و معنی برد  
یکی نامد بد از گه باستان  
فراوان به دو اندرون دامن  
پراکنده در دست هر مو بدی  
ازوبهره‌یی برده هر بخردی  
یکی پهلوان بود دهقان نژاد  
دلیر و بزرگ و خردمند و راد  
پژوهنده روزگار نخست  
گذشته سخنها همه باز جست  
زهر کشوری موبدی سالخورد  
بیاورد و این نامه را گرد کرد

نپر سیدشان از نژاد کیان  
وزان نامداران فرخ گوان  
که گیتی به آغاز چون داشتند؟  
که ایدون به ما خوار بگذاشتند  
چگونه سر آمد به نیک اختری  
برایشان همه روز کند آوری؟  
بگفتند پیشش یکا یک مهان  
سخنهای شاهان و گشت جهان  
چو بشنید از ایشان سپهد سخن  
یکی نامور نامه افکند بن  
چنین یاد گاری شد اندر جهان  
بر او آفرین از کهان و مهان

این صدای فردوسی است .  
آواز پر آوازه شاعری است از  
پیشینه روزگار که از میان سکون  
وسکوت قرنها گذر میکند ، دیواره  
سنگین سده های فراوان را می-  
شکند .

جاو دانه گی مییابد و بر گوش  
های اهل دل و اهل جان ، طنین-  
افکن میگردد و شور می آفریند .  
صدای فردوسی ، صدای همه

زمانی و همه دورانی است . صدای  
بزرگمردی است که یکمزار سال  
پیش از روزگار ما از دیده باژ  
روستای کوچک توس خراسان ،  
بزرگ بلند گردید و با این صدا  
نبوغ سرشارش را ، استعداد  
شگرفش را و عشق آتشینش را ،  
عشقی را که به فرهنگ ملی کشور  
آزاده و همیشه سر بلند خود داشت  
به بیان آورد .

فردوسی سرگذشت سترگ  
مدنیت قومی فراموش شده و از  
یادها کوچیده راقبای اطلسی شعر  
پوشاند ، با کاخ بلند شعرش  
که گزند ناپذیر از باد و باران و  
گذشت زمان است ، جهان را از  
سخن بهشت گردانید و خود با این  
بهشت سخن ، به جاودانه گی  
فرا رسید :

جهان کرده ام از سخن چون بهشت  
ازین بیش تخم سخن کس نکشت  
بناهای آباد گردد خراب  
زباران واز تابش آفتاب

پی افکنند م از نظم کاخی بلندند  
 که از باد و باران نیا بد گزند  
 نمیرم ازین پس که من زنده ام  
 که تخم سخن را پرا گنده ام  
 و او درست میگوید که نمیرد  
 ازین پس که زنده است ، چرا که  
 شهنامه او ، به عنوان پرازجترین -  
 سند هویت ملی خراسان نیا ، گزود  
 غبار نسیان از رخسار تار یخی  
 پراز ج وشکو هنده میزداید ، از  
 هشت دیوار شهر بند اسطوره های  
 همه دورانی مافرا میرود ، داستان -  
 های میهنی و خسروانی را از گه  
 باستان که پراگنده در دست موبدان  
 است ، به نظم می آورد ، به آن با خون  
 شعر ، زنده گی ابدی میبخشد و  
 به آینه پراز رنگار تاریخ و فرا مرز  
 تاریخ خراسان پیر ، جلایش دو -  
 باره میدهد ، تا هر خراسانی در  
 هر دوره و بر شی از زمان و در هر -  
 گوشه یی از جهان که باشد تصویر  
 روشن (من) اجتماعی خود را  
 «من» تاریخی خود را و «من» انسانی  
 همه دورانی خود را در آن به روشنی  
 ببیند و به آن افتخار کند فردوسی  
 این سترگ کار را به آسانی به  
 فرجام نمی آورد . جوانی اش در آن  
 به پیری می آید ، بالای راست  
 و استوارش خم بر می آورد و رنگ  
 موی رابه سپیدی کافور می آید .  
 بسی رنج بردم در این سال سی  
 عجم زنده کردم بدین پارسی  
 زمانم سر آورد گفت و شنید  
 چو روز جوانی به پیری رسید  
 رخ لاله گون گشت برسان ماه  
 چو کافور شد رنگ ریش سیاه  
 ز پیری خم آورد بالای راست  
 هم از نرگسان ، روشنایی بکاست  
 اما انگیزه این عشق ، این تلاش  
 این همه ناسوده گی و این همه  
 استواری برای انجام کاری که  
 جوانی اش رابه پیری می آورد ، در -  
 چیست ؟ برای پاسخ یا بی به این

پرسش اساسی ، هر گز نیا بد  
 گفته های نامسو و لانه چند تذکره -  
 نویس بی هویت و با هویت راپذیرا  
 شد ، هر گز نباید تصور کرد که  
 فردوسی بزرگ ، شعر به دست  
 و چشم به صله بادر یوزه گری  
 از این در به آن در میکوبیده است  
 و از این دیار به آن دیار بار سفر  
 میبسته است ، برای شناخت  
 فردوسی نباید به سخنان نابخراد -  
 نه گوش داد ، ارزش کار او را نباید  
 بر اساس آنچه نظمی عروضی  
 و عروضی های دیگر به نبشت  
 آورده اند ، به تعیین گرفت و گرنه  
 راه به تر کستان میرسد و سراب  
 به سراب میانجامد .  
 برای اینکه بدانید تذکره نویسان  
 و حتی نامورترین آنان در باره  
 فردوسی و مرام او از سببی سال  
 و اندی زحمت بی پاداش برای نظم  
 کهن ترین داستانهای ملی و قومی  
 چه نگاشته اند و باور خود او در  
 این زمینه ، چیست ؟ نخست برگی  
 از چهار مقاله عروضی را به باز -  
 نویسی میگیریم ، سپس ابیاتی در  
 همین مورد از شاهنامه را ، و در  
 فرجام نیز میکوشیم با نگرشی  
 گذرا و شتابنده به تاریخ خراسان  
 بعد از استیلای عرب و به رگه ها و  
 ریشه های نهضت های ادبی  
 و اجتماعی و سیاسی دست یابیم که  
 فردوسی و پیشینیان او را به کار  
 نظم داستانهای حماسی و داشت .  
 نظمی عروضی در چهار مقاله  
 اش مینویسد :

« استاد ابو القاسم فردوسی از  
 دهاقین طوس بود . از دیهی که آن  
 دیه رابا ژ خوانند و از نا چیست  
 طبران است ، بزرگ دیهی است  
 و از وی هزار مرد بیرون آید .  
 فردوسی در آن دیه شوکتی  
 تمام داشت چنانکه به دخل آن  
 ضیاع از امثال خود بی نیاز بود و

از عقب یکد ختر بیش نداشت  
 و شا هنامه به نظم همیکرد و همه  
 امید او آن بود که از صلوات آن  
 کتاب جها ز آند ختر بسازد ،  
 بیست و پنج سال در آن کتاب  
 مشغول شد که آن کتاب تمام کرد .  
 اما خلاف نظر عروضی ، فردوسی  
 سی نه در یوزه گرانه چشم به صله  
 دارد تا با آن جها زیگان دختر  
 بسازد و نه هدف او میتوانست  
 در انجام مرادی چنین خرد ، خلاصه  
 گردد .  
 شهنامه فردوسی تاریخ داستانی  
 و باستانی خراسان بزرگ است ،  
 سند هویت ملی نژاد آریایی است ،  
 سرگذشت مبارزه اهر یمن باهورا  
 مزد است و ستیز داد با بیسداد  
 و راستی و درستی با کژی و کژ -  
 اندیشی .  
 فردوسی با نظم شاهنامه ، تاریخ  
 پرافتخار خراسان رابه همه نسلهایی  
 القاء میکند که موجودیت تاریخی  
 خود را در نیافتند ، مسأله  
 اساسی در این بزرگترین کتاب  
 حماسی داستانی منظوم حفظ سر -  
 زمین خراسان و عشق عمیق انسانی  
 او به داد گستری ، به آزادی و  
 آزاد منشی و احترام عمیق به مقام  
 بلند پایه انسان است و در شاه -  
 نامه ، بزرگداشت از دلاوریها و  
 قهرمانیها ، پیگیری در جنگهای  
 عادلانه تلقین یزدان منشی و  
 پیروی از پندار نیک ، گفتار نیک  
 و کردار نیک در برابر اهر یمن -  
 خوبی و بیدادگری همه بر محور  
 همین مسأله میچرخد .  
 خراسان برای فردوسی سیر -  
 زمین مقدس او و همه خراسانیان  
 است ، حفظ این میهن از ویرانی و  
 حفظ آزادی و آزاد منشی در برابر  
 حمله کورانیان و جبهه ملی همه  
 باشندگان این بلاد است ،  
**لطفاً ورق بزنید**  
 صفحه ۱۹ (آواز)



ورستم قهر ما ن بزرگ  
شهنما مه يك انسان و لا است ،  
يك ابر مرد است ، يك شیر زيان  
است که همه جا علیه زور و غلبه  
بیداد قیام میکند ، او شجاع  
فوق انسانی خود را فقط در اختیار  
یزدانیان قرار میدهد و سالاری-  
رادر بهروزی جویی مردم خوا-  
ستار است .

با توجه به همین و یژه گیمهای  
شهنامه فردوسی است و خصوصیت  
های دیگری که باز از آن سخن  
خواهیم آورد ، که تصویر  
فردوسی در کنار هجده تن از مردان  
بزرگی که در رهبری و اداره جهان  
نقش مؤثری داشته اند ، در قرن  
نوزدهم به وسیله دولت هند انگلیس  
بر بدنه تالار دانشگاه لکنهوترسیم  
شده است . جای سخن دارد که از  
میان این هجده ابر مرد جهان سه  
تن آنان آسیایی میباشند :  
کالیدوس سخن سرای بزرگ  
هند ، ابو علی سینا و فردوسی ،  
که از این سه تن نیز دوی آنها  
ابو علی سینا و فردوسی از کشور  
خود ما اند .

شهنامه فردوسی از دیدگاه تأ-  
ثیر در حفظ وحدت ملی نیز واجد  
ارزش فراوان است و ما ناگزیر  
برای بررسی این نقش ارزنده ،  
کوتاه مروری می آوریم از اوضاع  
سیاسی و اجتماعی خراسان در  
سده های نخست هجری و انگیزه  
های نطفه بندی نهضت های آزادی  
خواهانه و تأثیر داستان های حماسی  
سی در شگوفانی و باوری آن .  
سال ۲۱ هجری نقطه ی عطفی  
است در تاریخ خراسان پس از  
اسلام .

در این سال در جنگ نهاوند  
که تازیان آنرا «فتح الفتوح»  
خواندند ، آخرین مقاومت های پرا-  
کنده دولت ساسانی در هم کوبیده

حماسی بودند که محرک احساسات  
میهنی مردم گردد .

خراسانیان آزاده که هر مشت از  
خاک میهن همیشه آزاد خود را به  
قیمت خون صد ها با شنده خود  
حفظ کرده بودند و حفظ میکردند  
برای تحقق خواست همگانی شان  
یعنی استرداد آزادی از سویی  
روایات ، حماسه ها و داستانهای  
پهلوانی خراسان زمین را به زبان  
عرب برگردانی کردند تا با تضعیف  
روحیه دشمن و به سستی آوردن  
بنیاد عظمت و قدرت سیاسی تا-  
زبان ، زمینه پیروزی خود بر آنان  
را فراهم آورند و از سوی دیگر به  
منظور تحریک احساس ملی و میهنی  
باشندهگان خراسان داستانها و  
روایات حماسی کهن را با بیان  
هنری به نظم کشیدند و میان مردم  
پراگندند که در این شمار مردان  
میتوان از اسماعیل پسر یسار ،  
بشار پسر یرجوخ تخارستانی ،  
عبد السلام معروف به «دیک الجن» ،  
والموکل اصفهانی نام گرفت که  
در قرن دوم و سوم هجری ،  
حماسه های فراوانی را به آفرینش  
دوباره گرفتند و یا به زبان تازی  
برگردان نمودند .

مبارزه سیاسی و آزادیخواها نه  
در سده های نخست هجری به  
نهضت های ادبی خلاصه نگردید ،  
بلکه به نهضت های گسترده اجتماع-  
عی منتهی گشت که محتوای همه  
از روح سلحشورانه اقوام خراسانی  
مایه میگرفت .

ابومسلم خراسانی در نهضت  
بزرگ آزادیخواهی که خود سا-  
لاری آنرا به عهده داشت ، در سال  
۱۳۲ هجری حکومت اموی را بر-  
انداخت و حکومت بنی عباس را  
جانشین آن ساخت و وسیله یی  
گردید که خراسانیان به دربار  
حکومت بغداد راه یابند .

شد . یزدگرد شاهر یار بخش-  
بزرگ خطه خراسان آواره شهر-  
ها گشت مگر سپاه هی گرد آورد اما  
در «مرو» کشته شد و با مرگ  
او زمینه هر گونه مقاومت در برابر  
سپاه تازیان نیز از میان رفت .  
فاتحان به مرور بر سراسر خراسان  
تسلط نظامی یافتند و این قلمرو  
بزرگ تادوسده تمام به بخشی  
از سرزمین های شرق خلافت بغداد  
تبدیل گردید .

چیره گی و فرمانروایی اعراب  
بر کشور های دیگر ، اندک اندک  
نوعی خودنگری اجتماعی را در  
احساس آنان برانگیخت و این  
موجب گردید که تازیان ، عجمها  
رابادیده حقات بنگرند .

خودبینی سیاسی و اجتماعی در  
دوره بنی امیه چنان شدت یافت  
که حکومت بغداد هیچ فردی از خراسانیان  
را سزاوار فرمانروایی  
نمیدانست . تحمل این وضع  
برای باشندهگان بلاد خراسان  
که دارای حس ملی ، شعورسیاسی-  
سی و سابقه دراز حکمروایی در  
درازی از منته گذشته بودند ،  
دشوار آمد .

خراسانیان ، عشق به ملیت ،  
علاقه وافر به حفظ مفاخر ملی و  
آزادی و آزادمنشی را هدیه یزدانی  
برای خود میدانستند و به آن میبا-  
لیدند .

روایات ملی و اساطیری خراسانیان  
نیز آنان را به گذشته شان  
مغرور و از وضع موجودی که بان  
در گیر بودند ، ناشاد میگرددانیدو  
این ها همه در مجموع موجب  
میگردید که در و نمایه نهضت  
های اجتماعی ، نهضت های آزادی  
خواهانه و نهضت های ملی نجات-  
بخش مهیا آید ، نهضت های که  
برای شگوفایی و به پیروزی آیی ،  
نخست از همه نیازمند ادبیات-

پس از این پیروزی تا مدت‌ها حکام محلی خراسان از میان خود خراسا نیان به انتخاب می‌آمدند و به گونه غیر مستقیم در زمینه رشد و به ثمر آبی نهضت‌های اجتماعی سهم داشتند تا اینکه دربار ، بغداد درو نمایه قیام‌ها را باز شناخت ، منصور ابو مسلم را خوار داشت ، هارون ، (باربر) مکه)) سرنا سازگاری را گرفت، و مأمون، قدرت سیاسی فضل‌پسر سهل را از وی بازستاند .

حکومت بغداد باریا ورزی سیاه سی میکوشید خراسان را در بند نگاه دارد و قیام‌های ملی را به خفه‌گی آورد ، در تاریخ سیستان در همین زمینه میخوانیم که :

«یعقوب بن لیث بسیار گفتی که دولت عباسیان بر عذر و مکر بنا کرده اند، نبیتی که با بو سلمه و ابو مسلم و آل برامکه و فضل سهل باچندان نیکویی کایشان را اندران دولت بود چه کردند ، کسی مبادکه برایشان اعتماد کند» .

و تاریخ سیستان ، پژواکی از واقعیت‌های واقعی است که در همین رده ی تاریخ رخ داده است :

ابو مسلم خراسانی در سال ۱۲۷ هجری به وسیله عمال دربار بغداد به قتل میرسد . بعد از آن قیام‌های پراکنده و فراوانی به وسیله هوا داران و وی در ((ری)) ، ((جبال)) ، ((قومس)) و «نیشاپور» راه اندازی میگردد ، سپهبد فیروز سپهسالار ابو مسلم به کین خواهی وی در برابر قدرت نظامی بغداد قیام میکند و پس از آن نیز المنع هشام یا هاشم بن حکیم دبیر از دبیران ابو مسلم علم مخالفت بر میا فرازد و چهارده سال تمام در جریان مبارزات شدید قیام خود را زنده نگه میدارد .

با ظهور خاندان طاهری هر چند حکومت خراسان در خاندان ایشان

موزوئی میگردد، نقشه قتل امین و برانداختن حکومت بغداد باناکامی برابر می‌آید و اندکی بعد از همین دوران است که ما زیار بن قارن در ما زنده ران بابک خرم دینی در آذربایجان و یعقوب بن لیث صفار در سیستان خراسان زمین رابه کار زار آزادبخواهی آزادمر- دان و آزاد زنان ضد سلطه بیگا- نگان در سر زمین آباپی خود ، مبدل میسازند که از این میان یعقوب لیث صفاری به ایجاد حکومت محلی سلسله شاهان صفاری پیروز می‌آید پس از او «مرداویچ» نیز دولت آل زیار را پایه می- گذارد که دولت مقتدر آل بویه رادر پی دارد ، از اواخر سده دوم و اوایل قرن سوم هم در ماوراء النهر حکومت سا ما نیان به وسیله «سامان خدا ی» ایجاد میگردد .

چنین است که با لاخر مبارزات پیگیر خراسانیان برای احیای آزادی و ایجاد حکومت مرکزی، به ثمر مینشینند و در عهد عباسیان نهضت‌های پراکنده به قیام سرا- سری در تمام خطه خراسان می- انجامد .

اینها علل و سبب‌های اند که نهضت بزرگ جمع آوری داستان‌های حماسی، باستانی و تالیف و تدوین کتب تاریخ زنده گی اجتماعی پرافتخار پیشینه گان را در خراسان مهیا میدارند ، شهنامه ها به نظم می‌آید ، نخست مسعودی مروزی ، سپس دقیقی و سرانجام فردوسی روایات اساطیری و قصه های کهن را جا و دانه گی می- بخشند و همزمان با آن ، تاریخ طبری به نثر فارسی برگردان می‌گردد و کتب و تاریخ در نشان قریه را از- زمانه های دور به شناخت می‌آورد .

دو صد سال پس از کشته شدن «ابن مقفع» برگرداننده

\* \* \*

خداینا مه از پارسی به تازی در سال ۳۴۶ هجری ابو منصور عبدالرزاق طوسی فرمان داد کتابی محتوی سرگذشت شاهان و پهلوانان خراسان در گذشته تهیه گردد ، از شاهنامه منشور ابو منصور ی که مایه شاهنامه دقیقی و فردوسی نیز از آن گرفته شده ، اثری به جای نمانده و فقط مقدمه آن موجود است که در آغاز آن بیشتر نسخه های شاهنامه های قدیم درج می‌باشد .

در این پیشگفتار پس از سپاس یزدان و برگزیده گان خدای و پاکان و دینداران ، به شرح می‌آید که عبدالله پسر مقفع دبیر مأمون و ظیفه میا بد کليلة و دمنه برزویه طبیب را از زبان پهلوی به تازی برگردانی کند ، نصر پسر احمد نیز خواجه بلعمی را دستور میدهد نامه یی از تازی ، پارسی کند و آنگاه میافزاید :

«..... پس از امیر ابو منصور عبدالرزاق مردی بود که با فرو- خویش کام بود و با هنر و بزرگ- منش بود، اندر کامروایی و بسا دستگاری تمام از پادشاهی و ساز مهتران و اندیشه بلند داشت و نژادی بزرگ داشت به گوهر و از تخم اسپهبدان بود و کار کليلة و دمنه و نشان شاه خراسان بشنید، خوش آمدش ، از روزگار آرزو کرد تا او را نیز یادگاری بود اندرین جهان ، پس دستور خویش ابو منصور المعمری را بفرمود تا خداوندان کتب را از دهقانان و فرزانه گان و جها نده گان از شهرها بیاورد و چاکر او ابو منصور المعمری به فرمان او نامه کرد و کس فرستاد به شهرهای خراسان و هشیاران از آنجا بیاورد و از هر جای چون شرح پسر خراسانی از «هری»

(نباله درص ۵۸)



# مردیکه هم میخانیک است، هم موسیقیدان و هم دکتر طب

شمار آمده و کمپوزهای عالی را برای دوستان موسیقی کشورش به ارمغان آورده است .  
کار لوس سالها قبل زمانی که کودکی بیش نبود ، ساعت دیواری خانه شان را باز نمود تا بداند در داخل ساعت چه چیزی جابه جاشده که موجب به میان آمدن صدای تیک تاک آن میگردد بیش از دیدن داخل ساعت ، آنرا دوباره  
(دنباله در ص ۵۶)

که او حتماً کمپوز تازه پی دارد یا اختراعی .  
کار لوس دانیلیان در یک فامیل هنرمند زاده شده ، همه اعضای فامیل دانیلیان به موسیقی دسترس دارند و کار لوس نیز در کنار موسیقی ، رشد نموده و هنرمندی مردمی است برای کشورش .  
او یک تکنواز ماهر در ارگستر سمفونی ارمنستان اتحاد شوروی به

خانم کار لوس دانیلیان درباره شوهرش که هم هنرمند و هم دکتر طب و هم انجنیر میخانیک بوده و در جمهوری ارمنستان شوروی زنده گئی میکند ، گفتنی هایی دارد ، او میگوید :  
کار لوس نیمه شب ها از خواب بیدار شده ، قلم و کاغذ را که همیشه در کنار تخت خواب آماده دارد ، برمیدارد . درین وقت من میدانم



## تأخیر رسیده

**محترم مدیر مسؤول مجله آواز!**  
در صفحه ۱۴ شماره پنجم و ششم مجله آواز زیر عنوان (د رادیو افغان) نستان خینو خپرو نو ته یوه لڼه (کنته) مطلبی در باره پروگرام های «رادیو صدای مردم» و گزارشها و گفتگوها به قلم (ع. مینه ناک) انتشار یافته که عاری از حقیقت می باشد. اول باید توضیح گردد که انتقاد سالم با ارایه طریق بهتر یک کار، عملیست سازنده و قابل پذیرش. در این جریان، لازم است منقد صلاحیت نقد را داشته باشد و ثانی بر اعمالیکه انگشت انتقاد میگذارد، از آگاهی علمی و عملی مثبت برخوردار باشد. مدیریت عمومی اطلاعات رادیو افغان نستان همواره کوشیده است انتقاد های سالم را در هر بخش با جبین گشاده بپذیرد و در صورت قصر و کوتاهی در کارها، فوراً در صدد اصلاح و بهتر ساختن آن همت گمارد.

در پروگرام «رادیو صدای مردم» کوشش به عمل آمده طبق پالیسی تبلیغات رادیویی، آنچه شکایت کننده (گوینده) از طریق تیلیفون (گفته است) پس از ثبت انتشار یابد و همچنان جوابیه هایی که از منابع مسؤول گرفته شده، عیناً به گوش مردم رسانده شود و یا نامه ها بیکه به برنامه برسد، عیناً خوانده شود و به ارتباط آن با مقامات مسؤول صحبت صورت گیرد که اینکار تا حال صورت

راپور تران اداره تهیه شده، استفاده به عمل آمده است. در اینجا یک نکته دیگر قابل تذکر است که اگر از بیانیهای ثبت شده آخذها در بعضی از مواقع استفاده شود، چه عیبی دارد؟

یک موضوع دیگر که منقد تذکر داده اینست که مصاحبه ها و راپور-تاژها را تخنیک آخذها تهیه مینماید اما نویسنده موضوع تا حال متوجه نشده که تهیه مصاحبه صرف وظیفه راپور تر است و تنها راپور تر میتواند مصاحبه تهیه نماید، در حالیکه وظیفه تخنیکر و راپور تر از هم فرق دارد و منقد بدون درک این مطلب، موضوع را به شکل نادرست نوشته است. حال میرویم با لای اصل مطلب که راپور تران مدیریت راپور تاژهای رادیو افغان نستان از تمام اسامی تژور نا لیزم مترقی آگاه اند و متکی بر همان اسامی است، نه تنها وقتاً فوقتاً گزارشها و مصاحبه های جا لب را از محافل و منابع مرکز برای نشر به دست میآورند، بلکه با روحیه فداکاری، بهترین راپور تاژهای متنوع را از ولایات هرات، شبرغان، پکتیا، ننگرهار، پروان، بلخ، غزنی، قندهار، بدخشان، کندز، هلمند، نیمروز، فاریاب، کنر، بامیان، لوگر، سمنگان و غیره با خود آورده اند که نه تنها از این راپور تاژها، در برنامه گزارشها و گفتگوها مورد استفاده قرار گرفته است، بلکه پروگرام های کارگر، دهقان، وطن-غن، پښتونستان، یک ساعت اروپا، ملیت های برادر، دسر باز، وغیره از هر کدام آن استفاده کرده و از کار فعالیت راپور تران اظهار شکران نموده اند.

این بود توضیحات کوتاه ما، در پاسخ استفاده آن منقد محترم. **فرستنده: اداره راپور تاژهای رادیو افغان نستان**

گرفته و ازین به بعد هم مطابق خواست مردم، انجام داده خواهد شد. در تذکر منقد معلوم شده نتوانست که کدام قسمت این کار نقیصه داشت و هدف از تذکر نویسنده چه بوده است؟ در قسمت راپور تاژهای مدیریت عمومی اطلاعات رادیو که به قول منقد باید متکی بر اسامی تژور-نا لیزم رفتار شود و راپور ترها برای نشر پروگرام گزارشها و گفتگوها مسقیماً داخل اقدام شده و از فینته های ثبت شده آخذها استفاده نکنند، توضیح داده میشود که منقد یا این مضمون را یک سال قبل نوشته کرده و یا اینکه اصلاً از جریان کار راپور تاژها به صورت مطلق آگاهی ندارد.

مدیریت عمومی اطلاعات رادیو افغان نستان متکی بر اسناد موجود دفتر و همچنان گواهی راپور های نشر شده مدیریت عمومی انسجام و ارزیابی پروگرامها تصریح میکند که از آغاز سال جاری مطابق رهنمودهای وارده از منابع مربوط وقتاً فوقتاً راپور تران مخصوص-راپور تاژها پس از ثبت مصاحبه ها و جریان محافل به وسیله تیپ-ریکاردرهای مربوط هر گزارش و مصاحبه را برای نشر آماده بسازد. قابل یاد آور است که در سال جاری از یک فینته ثبت شده توسط آخذها استفاده نگردیده و از مصاحبه ها و راپور تاژها بی که توسط



# په افغانستان کې د نمايشي هنر (تياتر) تاريخي پسمنظر

تر اوسه لاهم د آستر ليا او د سيلون دد بنتو په بو ميانو اود افريقا په بو ميانو کې يو ډول نخا- وي معمول دی . په دغو نخاوو کې لوبغاړي دا رباب الا نوا عگانو ما- سکو نه پرمخ او خيره نښلوی . هغو پخوا نيو قومونو په دی ډول نخاوو بر سيره ، تا ريخي نمايشنا- می هم صحنی ته راو پی دی .

په دی تر تيب تياتر له ژوندڅخه را ولاړ شوی او دانسان په هستی پوری اړه لری ، بی ځایه نه دی چی (کا نده رو ن ) ژوند د نړی لوی تياتر گڼلی دی .

شکسپير دتياتر په بابوايي : که تياتر په خپله کټ مټ ژوند نه دی خو په دی کې شک نشته چی دوهم ژوند ته ور ته دی .

دتياتر په باب بهله مقدمی څخه تير شو او په مشخصه توگه بهد آسیایي تياتر اوپه تيره به دخپل گران هیواد د تياتر او ننداری دتاريخ په باب لنډی خبری وکړو: د۱۹ پیری تر پایه پوری خپرو نکو

هو: په بله جامه کې راتلل ، بل ماسک او نقاب په خیره باندي ایښودل او بل څوک گرځیدل یعنی له تياتر سره د بشر هما غـه همیشنی مینه ، پانتو نیم نخاوی، دکنگل دعصر دانسا نانو بنکار، د افريقايي ملتو نو تر مينځ له سحر نه ډک مراسم ، دار باب الا نوا عدلما- نخنی او پر ستش دودو نه او مذ- هبو نه ، دا ټول دانسان دبل شخصیت نمايش دی .

دنداری او نمايش هنر د سحر او کوډو همز و لی دی او له ډيرو لرغو نو هنرونو څخه گڼل کيږی . په دی باب نه یوازی د لومړنی ټولنی او لومړی انسان څخه شوا- هد په لاس لرو ، بلکه په ځینو اوسنیو بدوی هیوادو کې نننی-مو- نی زمونږ د خبری ثبوت دی .

د تقلید او پښو استعداد په انسا نانو او حتی ټولو حیوانو نو کې شته، حیوانات د تقلید په بنا جگړه زده کوی ، په دی کیفی تو- پیر سره چی په حیواناتو کې د تقلید استعداد او غریزی ، طبیعی دی، خو دغه استعداد په انسا نانو کې دغر- یز وای حوزی څخه پښه دباندی را ایستلی او په یوه وده کوو نکي او ډیرا ختیا وړ استعداد با ندي بدل شویدی .

د تقلید په وسیله دی چی زمونږ ما شو مان خبری کول زده کوی او دبشری ډیر پیچلی نقش په ښودلو باندي بری مومی .

په دی حساب تياتر د همدی تقلید په نتیجه کې مینځته راغی. باید وویل شی چی ډرام یا ننداره چی دتياتر له لاری ښودل کيږی ډیر پخوا نی او ډیر طبیعی هنر دی له بلی خوا تیا تر د انسان په اصطلاح همیشنی همسفر دی او د انسان د هستی همزولی دی . یاپه بل عبارت دتياتر عمر د بشر د عمر په اندازه دی .

او هنر مند انو په آسیا کی د تیاتر د هنر په باره کی زیاتره ددی ځای لرغو نی ډول ته پاملر نه در لوده. خو له هغه څخه را ورو سته دشلمی پیری په پیل کی د آسیا یی تیاتر په باب څیړنی وشوی. «بل کودل» فرانسوی شاعر او نما یشنامه. لیکو نکي او همدا راز (آرتو انتو-نین) یو بل فرانسوی کار گردان او نما یشنامه لیکو نکي په دی لاره کی مخکښ وو.

وروسته بر شت د آسیا یی تیاتر له ډولونو څخه په الهام اخیستلو سره دخپل حماسی تیاتر بنسټ کښیږد، او په دی کار سره یی المان د څو کلن بحران څخه وژغوره.

دلویدیڅ دناروغ او دکود په حال کی تیاتر سره د آسیا یی تیاتر تر کیب او په تیره په دی برخه کی چی آسیا یی تیاتر ددی قدرت لری چی لویدیڅ تیاتر ته نوی ساه ورکړی. «لهو نا رد پرو نکو» دختیڅ او لویدیڅ تیاتر په کتاب کی لیکلی دی:

دسبک او محتوی هغه استادا نه تر کیب چی د آسیا یی تیاتر په وسیله ونښودل شو، زموږد څیړنی او اند یبښنی وړو، په دی علت چی لویدیڅ ته یی وړاندی کړی. په هر صورت رابه شو زموږ په هیواد کی دنما یشی هنر دتاریخ او تیاتر مسألی ته:

په افغانستان کی دنما یشی هنر دتثبیت په باب تاریخی شواهد په دی دلالت کوی او دابښی چی زموږ په هیواد کی ننداره او تمثیل اوږد تاریخ لری، کله چی یوی ډلی آریایا-نو دلو یی برخی له تمدن سره دهند نیمی و چی ته سفر و کړ اود

آریایانو داصلی ټاټوبی څخه یی تاریخی ویاړنی، اودزما نی کلتور او فرهنگ هند ته ولیر داوه، بنسکاه ده چی همدی خلکو هلته دنما-یشی هنر په رواجو لو کی څرنگه چی داوستا، ویدا او ریگ ویدا په کتا بونو کی ور ته اشاره شو یده، نقش در لود. دهغو آریایانو په مینځ کی چی په افغانستان کی پاتی شول او دلته یی ژوند کاوه ننداری، او نما یشی هنر رواج درلود او هغو ته یی پاملر نه در لوده.

دایو تاریخی واقعیت دی چی افغانستان داسلام څخه مخکی دبو-دایو دین پیروو. لکه چی داسلام له راتگ نه ورو سته د افغانستان دخلکوپه هنر او ادبیاتو کی دبودایی دین نښی نښانی لیدل کیږی.

(دانیل ژیماره) نامتو مؤرخ په قول فرهنگی او هنری آثار او یبښی څوپیری کیږی چی دافغانستان په خاوره کی رینه لری، بلخ، کندز سمنگان، بامیان، کندهار اوغزنی ددی ځای د مهمو هنری مرکزونو څخه شمیرل کیږی چی دیپر یو، پیر یو پخوا هنر او فرهنگ یی ساتلی دی.

له دی موضوع څخه که تیرشو په بلخ کی دنو بهار او دبلخ دآ-تشکدی موجودیت د هغو آثارو له جملی څخه دی چی په افغانستان کی د ننداری د هنر موجودیت تضمینوی.

دبلخ په نو بهار کی چی دبرمکیانو جوړونه ده لویی او پراخی غونډی کړیدی. که څه هم دهغو تشریفانو مذهبی بڼه در لوده خو تعارفا تویی نمایشی رنگ در لود.

تمثیل په زیاترو هیوادو کی دمذهبونو څخه رینه او ما یه اخیستی او ورو ورو یی ځان ته نوی ور پرا نیستی دی. زموږ په هیواد کی هم دغه حالت لیدل کیږی.

که چی یی په هاغه زمانه کی مند هبی نذرانه د نندارو څلاو گڼو، زموږ دلیل په مذهبی سنتونو با-ندی ولاړ دی چی همدا اوس څو ډوله تمثیل په ځینو مذهبونو کی دمذهب اوعبادت جز منل شویدی.

همدا راز دبلخ دآتشکدی بنسټ هم دهمدغی مفکور یی په اساس ایښودل شوی، او هلته به زیات شمیر مذهبی ستر مرا سم چی داور له لگولو څخه عبارت وو، سر ته رسیدل.

(لطفاً پانه واپویء)

خلکو یوازی اور ته بڼه ارزښت نه ور کاوه بلکې دا ور پر سنتش پي هم کاوه، دوی به دلور لو یدوپه وخت ، په آشکده کې اور لکاوه او داو ر په شاو خوا کې به پي داسی مراسم سرته رسول چې که شههم مذهبی اړخ به پي در لود خودسرته رسو لو ډول به پي داسی جزئیات درلودل چې له هغو څخه دتمثیل نمونه څرگند یدله .

په دی اساس څرنگه چې تاریخ ځینی نښی لری په زیاترو هیوادو کې دنما یشو نو او نندار و مبداء مذهبو نه وو او بی له شکه ویلا ی شو چې په افغا نستان کې هم نندارو د اسلام څخه مخکې د مذهب او مذهبی عقیدو په دایره کې رو ند درلود .

قهرمان ، جوړول او حماسوی - قهرمانی او اسطوری داسی یو کار دی چې په هر وخت کې هر چیرته دهر ملت او ټولنی له پاره مبداءگڼل کیږی .

په افغا نستان کې هم دغه مبداءو او په حقیقت کې د تمثیل له پاره ابتدایی بڼه شمیرل کیږی چې دتمثیل او هنر په بشپړیدو کې ځان ته ځای لری .

مدا خانو به زیاتره په لویو با زارو نو کې په خاصه شیوه دا سطور واو روا یاتو او په ځینو وختو کې دحماسوی داستا نونو په نکل او ویلو لاس پوری کاوه .

پښو کیسی گو لی او هره کیسه به پي دهغی رو حی سره سمه تمثیلو له . دوی به غم لری پښی لکه ذکر بلا پښه له غم نه په ډکه لهجه بیانو له چی اور یدو نکو به په هیڅ ډول نشو کو لی دخپلو او ښکو مخه ونیسی .

په سادوانو پسې یوی بلی ډلی چی ټوکیان او مسخره چیان پي ورتنه ویل دابتدایی تمثیل په چارو لاس پوری کړ چې په حقیقت کې زمونږه هیواد کې پي دیو لری نندارو په اجرا کولو سره ، دتیا تر اساس کیښود خو نیمگړی او ابتدا پي بڼه پي در لوده .

دټوکیانو په جمله کې سا یین قناد او دده ملگرو او شا گردا نود کابل په ښار کې یو لری هنری فعالیتو نه پیل کړل او له دغی لاری پي زیات شهرت وموند . دوی به دواده او ختنی په شان غو نډو کې گپون کاوه او دغو غو نډو دهغوی دفاعی لیت له پاره مساعده زمینه برابر و له .

دسا یین قناد ډلی ډله ایز تمثیل کاوه او دغونډو محفلو نو گپون - کوونکی به پي خوښ ساتل . دسا یین مسخره چیانو او ټو کمارا نو دخلکو په خندولو او خلکو ته دقانع - کوونکی سر گرمی په ایجاد کې مخصوص مهارت در لود ، نو له دی امله پي دخلکو په ذهنو نو کی پراخ ځای نیولی و .

دغو کیسو ویلو ساده رنگ درلود ، خو کیسی پي عادی او ساده نه وی او له خاص ژست او حرکا تو سره یو ځای په مخصوصو غږو نو او لهجو سره ویل کیدلی .

کله به پي دنشر په سبک خبری کولی او کله به پي په موضوع پوری مربوط اشعار ویل او کله به پي ځان دداستان دقهرمان په قالب کې را وو ست او کله به پي هم دداستان دمخالف او دقهرمان دمخالف بڼه ځان ته غوړه کړه ، په ساده ژبه همدا یو تن به هم راوی و او هم قهرمان اوهم په دقهرمان مخالف سپری هغه ځانگړی ځانگړی ممثلین په حقیقت کې د خو نقشو نو سرته رسوونکی وو چې کله به پي له ځانه مخصوص ژستونه اوحرکات ښودل .

دا ډول ممثلین د تمثیل د هیڅ ډول پر نسبی تابع نه وو دا ځکه چې دوی دتمثیل او نقش دلوبولو له پاره په دی کار اخته نه وو بلکې خاص دهغی حرفی او مسلک له پاره چی منلی پي و ، په دی کار لاس پوری کاوه .

سادو گان هم د مداحا نوبه شان دهغو کسانو له ډلی څخه وو چې دمبار کی روژی د میاشتی په شپو اودمحرم الحرام په ورځو ، دنو روز به ورځ به پي دمربو طو زما نسود



په دی تياتر يعنی په «پوهنی» -  
 ننداری « کی د لومړی ځل له پاره -  
 د « میراث » نمایشنامه سټیژ ته را -  
 ووتله ، ور پسی د «عاطفی» ډرام د  
 محمد عثمان صدقی اثر ، «زوم» د  
 محمد ناصر غر غنبت اثر ، د «کبابی  
 شاگرد» د عبدالرحمن پژواک اثر  
 او وه رنگونه (هفت رنگ) د عبدال-  
 الرشید لطیفی اثر ، «اشتباه» د بر-  
 یښنا اثر ، «کار برا صل» د عبدالر-  
 ووف بینوا اثر او څو نوی نمایشنا-

خو زمونږ تياتر یو څو موده در-  
 کود او سقوط سره مخامخ شو او  
 هغه کار او پاملرنه چې پخوادتیا-  
 تر پراختیا او د هنر مندانو او  
 ممثلینو روزلو ته موجوده وه ورو  
 ورو لږه شوه .

خو د ثور د بريالی انقلاب او په تیره  
 بیا دهغه د نوی بشپړتیا پی پراو  
 څخه را وروسته زمونږ په تياتر کی  
 نوی ساه و چلیده او دتياتر د بیا په  
 پښو دریدو له پاره له سره نوی  
 فعالیت پیل شو .

مونږ پوره باور لرو چې د «افغان»  
 یو سو ژواوانسانو اوریا لیستکی  
 آثارو دندارو شا هد یو د افغان-  
 ننداری « له لاری په تیرو دوه  
 دریو کلونو کی دنړی دمشهورو  
 لیکوالانو او هنرمندانو یوشمیر  
 آثار تر جمه ، ادا بت او رژی شول  
 چی دپاملرنی وړ دی .

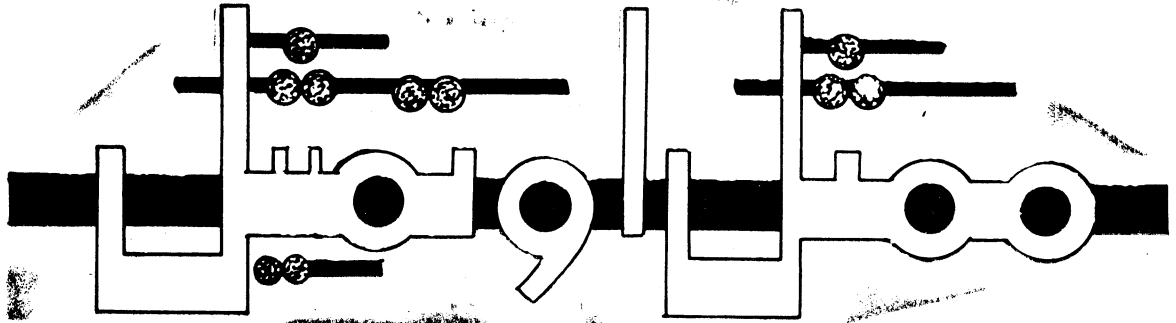
مونږ پوره باور لرو چې د «افغان»  
 ننداری « د تقویمی له لاری به په  
 هیواد کی دتياتر د لازیات انکشاف  
 او پراختیا او پرمختیا له پاره کار  
 وشي ، په زړه پوری او انسانی  
 آثار او هغه آثار به چی د زیار کښانو  
 په گټه وی ، ننداری ته وړا ندی  
 شی اوضمناً به دپایر کترانو ،  
 اکتورانو او ممثلینو د هڅو نی اود  
 نویو هنرمندانو دلابسی روزنی له-  
 پاره زیاتی هڅی اوزیا ر وایستل  
 شی ، دهمدغه مثبت او عملی کار  
 د بیا وړتیا او ودی په هیله .

دسایین دکار انسجام او نظم دجبار  
 رنگمال په وسیله سر ته رسیده چی  
 څه موده وروسته یی بیا په پغمان  
 کی د بهار په سینما کی دندارو په  
 اجرا کو لو او بنودلو لاس پوری  
 کړ .

مسخره چیان هغه ډلی وی چی بڼا-  
 یی دمدا خانو او سادو گانو څخه  
 په الهام اخیستلو سره یی نوی  
 طرز مینځته راوړی وی . دوی به  
 کله چی ټاکل شوی وه خلک او  
 نندار چیان خان ته ور جلب کړی  
 خان به یی په عجیبو بڼو جوړاوه .  
 هغوی به په خپل لاس په جوړوشو و  
 نقابونو کله ددیو په شکل او کله  
 به د بڼا پیری به بڼه را څرگند  
 شول .

دیوه اساسی تياتر د بنسټ  
 ایښودلو له پاره اساسی فکر په -  
 ۱۳۲۲ کال کی کښودل شو او هغه  
 په عمل کی پیل شو او دوخت دمطبوعاتو  
 دمستقل ریاست په چوکاټ کی په  
 رسمی توگه پراانیسل شو .

دوخت د پوهنی ننداری د تآ -  
 سیسی له پاره د علاقه مندو ځوانانو  
 نه ستو مانه کیدو نکو هلو ځلو  
 ارزښتناک نقش در لود . د پوهنی  
 ننداری په جوړولو او تآ سیسی  
 کی د عبدالرشید لطیفی او عبد-  
 الغفور بریښنا په زړه پوری هڅی  
 او کار و زیار دیا دو لو وړ دی .



آيا داسمه ده چې ځينې مشا-  
هدين او نقادان په دې عقیده دي چې  
دسينما او سينما ممثلين د تمثيل په  
برخه کې هغه قدرت نه لري، کوم  
چې دلومړي، دريمي، څلورمې او پنځمې  
پيرې ممثلينو درلود او د سينما په  
پرده کې به يې خپل مشهور او له  
هره اړخه بشپړ فلمونه دندار ي له  
پاره وړاندې کول؟

دغه راز دا هم ويل کېږي چې  
پخواني ممثلين ډير ستر کسان وو  
او خپل رولونه به يې په پوره  
اخلاص سره وړاندې کول او ځانونه  
پد هغه شخصيت اصلي کسان بلل  
په کوم کې چې په راښکاره کېدل  
اود هغه رول به يې لوباوه.

آيا ويلای شو چې دغه تعبير په  
کوم واقعيت استناد نه لري او د ځينو  
ممثلينو د يو حيرانوونکي حالت  
ادا کوونو مجرد تعبير دی.

دغو يو بنسټونو ته ځوابو نه په دغې  
پيښې کې د شاملو راتلونکو صورت-  
تونو له وړاندې کولو څخه پيدا کولی  
شو. د قضیې مباد يو ته نظر اچو او  
د تيرې پيرې په وروستيو کلونو کې  
اوان د همدغې پيرې په لومړيو  
وختونو کې چې سينما په کې د کوم  
هويت لرونکي نه وه او يو داسې فن  
(چې د تياتر ... تشکيلي فنو نو  
موسيقي او نورو په شان يی  
شخصيت نه درلود. په هر حال

تجربو داپه ډاگه کړه چې د دوی  
لوړ آواز له غږيزو وسايلو سره  
تناسب نه درلود، دايې وړ باندې  
زياته کړه هغه تعبير چې د دوی په  
مخونو کې ليدل کېږي دوی يې په  
سينما کې لوړې درجې ته ورسول  
او سينما په دغې توگه خپل نوی  
ممثلان وزير ول لکه چې په عين حال  
کې کله چې ددوی نومونه په ريکلا-  
مونو کې د خلکو غوږونو ته ورسيدل  
او يا دا چې داغلان په تخته کې  
سترگې وړ باندې ولگيدل نو نور  
شهرت يې هم په برخه شو ځکه چې  
سينما يې فلمونه په بيلو بيلو ښارونو  
کې ښودل کيدل او په دغه توگه به  
په هر ښار کې نوی اشخاص د دوی  
له نومونو او څيرو سره آشنا کيدل  
اود ننداره کوو نکو عکس العمل  
به دخندا په وسيله راپور ته شو. او  
په دغو ممثلينو باندې د هغو نامتو  
خلکو اطلاق کيده چې د سينما په  
پرده کې به راښکاره کيدل.

د چاپلين د ظهور سره د سينما په  
ښودنو کې ستر بدلون رامنځ ته شو  
اود لومړي ځل له پاره د ممثلينو  
نو مونه په اعلانونو کې په ډيرو  
غټو تورو وليکل شول او کله چې د  
دې فرصت په لاس ورغی چې  
خپل تمثيل له لاری زياته اجوره و-  
خلي په خپلو فلمونو کې ستر بريال-  
ليتوب په لاس ورغی او هغه ممثل چې تر  
۱۹۱۰ کاله پورې يې په يوه روا ني

اوس په خپله دممثل او تمثيل موضوع  
ته پام را اړوو، له زرهاوو کلونو  
څخه راپه ديخوا دا  
خبره ثابتې ده چې تياتر يو پياوړی  
او کلک فن دی خو سينما ممثل دهغه  
په لومړيو فلمونو کې تر اغيزې لاندې  
راووست او په پخواني شهرت يې  
نوی شهرت وړ زيات کړيدی او  
داهڅه يې وړ سره کړيده چې لو-  
مړی د تياتر تصوير ونو په ترڅ کې  
نړيوال شهرت ومومي او له همدغې  
مرستې نه په استفادې سره په هغو  
لنډو فلمونو کې کار وکړی چې له  
لسو شپږو څخه زيات وخت نه نيسي  
او په وروستيو لسيزو کې د سينما  
په پرده د آواز را ښکاره کيدل د تيا-  
تر ممثل دی ته مجبور کړ چې (خپل  
پخوانی کور ته) ورستون شي او

کي ۱۵ ډالره اجوره اخیستله  
 اجوره یی په اوونۍ کې له ۲۵۰ ډالره  
 لروڅخه تر ۲۰۰۰ ډالرو پورې  
 ورسیده خو چاپلین ته په  
 استثنايي توګه په اوونۍ کې لس  
 زره ډالره ور کول کیدل چې په دغه  
 توګه سینما دیوه ستر تجارت بڼه  
 غوره کړه او د سینما شریکانو په  
 نتیجه کې د فلمونو د بندولو له لاری  
 زیاتي پیسې لاس ته وروړې چې  
 دغه کار د ممثلینو په ژوندانه باندې  
 هم بې اغیزی پاتی نه شو او هغه  
 کسان چې پرون ور ته دچا پام نه  
 و، آن د تیاتر له ممثلینو څخه د زیات  
 شهرت خاوندان شول. له دې امله  
 چې د سینما څښتنان زیاتي پیسې  
 لاس ته راوړې په کاروه چې په سینمایي  
 فلمونو کې زیاته تنوع راولي نو  
 ځکه یې پولیسې، کومیټې او دنورو  
 میلو ډرامونو موضوعگانو ته لاس  
 واچاوه. دغه راز د سینما خاوندانو  
 په فلمونو کې د نویو موضوعگانو  
 وړاندې کولو ته خپل پام واړاوه په  
 دې مانا چې زېرې کیسې په جهانی  
 ادب کې او په تیاتر کې له سترو  
 مشهورو کتابونو څخه کار واخلي  
 او په دغې توګه سره سینما زیات  
 شمیر نوی خلک ځان ته ور جلب  
 کړل.

سینما تردوهمې جهانی جګړې  
 پورې د خلکو له پاره یوازی د سنا-  
 تیرې وسیله وه چې وروسته ورو-  
 سته د ممثلینو شخصیت ته د زیاتي  
 پاملرنې له لاری یې نیمګړ تیاوی له-  
 منځه ولاړې او له اوسنیو فلمونو او  
 ممثلینو سره تیرو یادو نو او ثقالت  
 ارتباط پیدا کړ، که دغه اړیکې منځ  
 ته نه وای راغلي آیا سینما به موجود  
 ده حالت ته رارسیدلې وای؟

له دوهمې نړیوالې جګړې څخه  
 وروسته تلویزیون منځ ته راغی چې  
 ډیولیز از تباط دوسایلو په ډله کې



### مونټفمری کلیفت د منځنۍ دورې غړې، کریت کاربو، د پخوانۍ دورې ممثل او روبرت رد فورټ د نوی دورې ممثل .

الود خپلو ملکیتونو په تصفیې پیل  
 وکړ او هغه ذخیره کړې فلمونه یې خرڅ  
 کړل چې دوی ورته زیاته اړتیا نه-  
 درلودله او په کرار کرار د فلمونو  
 تجارتي خبره دې حده ورسیده چې  
 له زیاترو فلمونو څخه به لیدو نکو  
 څه نه شو اخیستلای. ورپسې د  
 نوی پېرې ممثلین په نوی ظرفیت کې  
 رامنځ ته شول ځینی فلمونه منځ ته  
 راغلل او زاړه تخیلونه یې په نوی  
 رنگ کې وړاندې کړل، دا چې د  
 نوی پېرې ممثلین د علمی تفکر په  
 وړاندې کولو سره یو څه پرمختللی  
 اوځی یوازی علت یې دوسایلو او  
 ځینو نورو اسان تیا و موجودیت  
 دی چې دغه اسان تیاوې د پخوا نیو  
 ممثلینو په واک کې نه وې او سره له-  
 دې هم په خپل هنر کې په فوق العاده  
 توګه پرمخ تللی وو چې اوسنۍ  
 ممثلین د هماغو ممثلینو په پلروان  
 خلک دی اود پله نښه یې گام په  
 گام تعقیبوی او زوړ خیال په نوی  
 رنگ او نوی بڼه کې وړاندې کوی.

یې وجود له عظمت څخه ډک دی او  
 څنګه چې ډول ډول پروګرامونه  
 ډرامونه او فلمونه یې ښودل سینمایي  
 جاري یې له گواښ سره مخامخ کړې  
 ځکه چې له یوې خوا تلویزیون په  
 کور کې واوبل چیرې یې د تګ-  
 غوښتنه نه کوله او له بلې خوا دی  
 تهاړ تیا نه وه چې ټکټ واخلي او  
 پیسې ور باندې ولګوی چې دغه  
 دواړه علتونه د دی سبب شول چې  
 زیات شمیر خلک له سینما څخه  
 تلویزیون ته مخه وکړې.  
 ((یادونه: تلویزیون د دیرشمو  
 په پای کې رامنځ ته شو خودوهمی  
 نړیوالې جګړې یې خپروئ په مو-  
 قتی توګه ودرولی.))

او دغه راز سینما په خپل ذات کې  
 بڼه غوره کړه چې پخوا یې ساری نه-  
 ولیدل شوی او د اقتصادی صنایعو  
 په شان یې د معاملاتو دفتر نه او  
 دیوانونه پیدا کړل او خبره دی ته  
 را ورسیده چې د سینما ستروپانګو-



# نگارخانه به سیما گز

## پس از جنگ دوم جهانی

### سینمای مغولستان :

کشور مغولستان که از جمله کشورهای متمدنی و دارای انکشافی وسیع در ساحه صلح و سوسیالیسم میباشد و از نگاه رشد فرهنگی و به ثمر رسانیدن آرمان های فرهنگی مبتنی بر پایه های دانش نوین نیز مقام خاصی را حایز گردیده است، در آن ا ز سینمای این کشور میتوان نام برد که دارای از زشی خاص و دور نمای بارور از فعالیت و تلاش می باشد .

صنعت سینما در کشور مغولستان با پیدا یش زمینه های فنی این هنر و به کار بستن وسایل و افزار جدید توانسته خود را در سطح سینمای جهانی نشان دهد و راهش را در مجامع بین المللی باز نماید. چنانچه بسیاری فیلم های این کشور در سینما های دیگر کشور ها زیاد نمایش داده میشود .

نکته بارزی که در مورد سینمای مغولستان میتوان گفت ، اینست که تلاش های سینمای این کشور با فعالیت های پرمایه و اندیشمندانه سینمای اتحاد شو روی همیشه گره خورده و از این راه توانسته است ، اندوخته های فراوان و کارمایه های قابل قدری به دست آورد ، چرا که سینماگران اتحاد شوروی نخستین کسانی بودند که با سینمای مغولستان همکاری همه جانبه خود را شروع نمودند، چنانچه فلم (فرزند

قبل از جنگ جهانی دوم در یوگوسلاویا کدام کانون سینمایی که بتواند معرف گویای سینمای آنجا باشد وجود نداشت و تنها مردم از فلم های خارجی از چند شینه های محدود استفاده میکردند ، و لی بعد از جنگ ، این مسأله تغییرات شگرفی به خود یافت و استودیو های سینمایی زیاد عرض وجود کرد، طوریکه اکنون در حدود بیست موسسه فلم برداری به شکل های گوناگون وجود دارد ، که در آنها صدها کارگردان و هنر مند ، مصروف کار آموزشی و ارایه تکنیک های هنری اند .

باید گفت که در اثر تغییرات شایانی که در سینمای یوگوسلاویا پدید آمده ، تا سال (۱۹۵۸) آن کشور در حدود هشت جایزه بین المللی فستیوال های سینما را به دست آورده ، که ارزنده ترین آنها در فستیوال «سانفرانسسکو» برای فلم « راه یکساله » و در فستیوال «ونیز» برای فلم « تنها » میباشد. بعد از دهه های پنجاه و شصت سینمای یوگوسلاویا انکشاف شایانی را به خود گرفت و استودیوهای فلمی آن محصولات بارز هنری را ارایه دادند ، که هر ساله این فلم ها جوایزی را نصیب آمده اند و سال (۱۹۶۵) درین باره با ارزش ترین بوده و نقطه عطف به شمار میرود پس از آن سینمای یوگوسلاویا موفقیت های مزیدی را حاصل کرده است .

سینمای بلغاریا در زمینه تهیه سریال های تلویزیونی نیز شهرت جهانی دارد، زیرا درین مورد دست اندرکاران ورزیده بی درطول سال های زیاد ممارست فراوان به کار برده و تجربیات زیاد اندوخته اند ، که شاهد این مدعا می تواند سریال «آخرین تفتیش» باشد، که در تلویزیون کشور مانمایش داده شده و نمایانگر خوبی های این بخش سینما در آن کشور است .

بلغاریا در مورد فلم های کار تونی نیز تجربه های زیادی را اندوخته است و دست اندرکاران سینمای آن کشور تبارزاتی شایان درین مورد داشته اند ، چنانکه در سال (۱۹۷۹) که نخستین فستیوال بین المللی فلم های زنده کار تونی در شهر وارنای بلغاریا دایر گردید ، شامل ممتاز ترین دست آورد های سینمایی درین مورد بود که درین فستیوال بلغاریا بهترین فلم ها را با استفاده از عنعنات ملی و تاریخ کشور پیشکش نمود و تحسین های جهانی را کسب کرد .

خلاصه میتوان گفت که بلغاریا در بسیاری زمینه های فلم سازی ، چه فلم های هنری و داستانی و چه فلم های خبری و مستند و دیگر انواع آن تجربیاتی را حاصل آورده و در سطح بین المللی از خود لیاقت کافی و وافی نشان داده است .

### سینمای یوگوسلاویا :

یوگوسلاویا نیز از کشورهای اروپای شرقی است که از جنگ جهانی دوم تاثراتی را در سینما پیاده نموده و اعمال و فجایع فاشیسم راست بازتاب داده است، که انعکاس این اعمال را به وجه نیکو میتوان در سینمای آن کشور مشاهده کرد .

قهرمان ملی و انقلابی مغولستان  
 فلمی ساخته شده و در سینما های آن  
 کشور به نمایش گذاشته شده است.  
 تهیه این فلم، دریچه‌نوی را در صنعت  
 فلمسازی مغولستان باز کرد و زمینه  
 ایجاد و مراکز تربیوی فلم و کانون-  
 هایی برای تربیه کادر های فنی را  
 مساعد ساخت.

بابه و جود آمدن فلم مذکور  
 اقتباس از زنده‌گی شخصیت های  
 ملی به خصوص قهرمان مبارزه  
 مغولستان در فلم ازدیاد یافت و  
 (لطفاً ورق بزنید)

مغولستان « ناتسا گدورچ » و دایر-  
 کتر شنیر اتحاد شو روی (زارخی)  
 فلم های جالبی درین زمینه آماده شد  
 که هر کدام به نوبه خود میتواند  
 گویای سینمای پیشرفته و درخشان  
 مغولستان کنونی باشد.

در سینمای مغولستان همچنانکه  
 در دیگر سینما های جهان معمول  
 است، از قهرمانان ملی و پیشروان  
 تاریخی که حیثیت ناز اجتماعی  
 دارند، انعکاساتی نشان داده شده  
 است، چنانچه از حالات زنده‌گی و  
 مبارزات قهرمانان ((سوخاباتور))

مغولستان) نخستین فلمی بود که  
 با همکاری دایرکتران و سینما ساز-  
 ان اتحاد شو روی و مغولستان در  
 سال ۱۹۳۶ روی پرده افتاد و استقبال  
 بی نظیری از آن به عمل آمد، که بعد  
 از این فلم همکاری منظم و پی گیر  
 برای تولید فلم های مشترک مهیا  
 گردید و در زمینه تهیه فلم های  
 فیچری و هنری، راه پرگسترش  
 و شایان پیش رو آمد.

این همکاری در مورد تهیه فلم-  
 های مستند و خبری هم توسعه پیدا  
 نمود و تحت نظر دایرکتر معروف



چند چهره از هنر پیشه گان ممتاز سینمای متری

سینما را روشنی داده و مردم را هر چه بیشتر بدینوسیله به خود جذب کرد است.

یکی از فیلم های عمده یی که میتواند معرف تلاش های تاریخی و فرهنگی و درعین حال مبارزات پی گیر مردم مغو لستان شود ، همانا فیلم مشترک مغو لستان - شوروی به نام ((شب های صحرا)) است که در آن هنرمندان ، کارگردانان و تخیگران هر دو کشور بازحمات فراوان در طول پنج سال چنین فلمی را تهیه دیده اند و این فلم در سال ۱۹۴۵ به روی پرده آمده ، سالی که ملتار-پسم جا پان از دست وطن پرستان و مبارزین شو روی و مغو لستان شکست سختی را متحمل گردید .

بین سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ با توجه به همکاری های توانمند اتحاد شوروی و مغو لستان با ید گفت که پر بار ترین آثار سینمایی بانمود های خلاقانه در این کشور عرض اندام نموده و در عین حال در طول این دود هه سینما گران ماهر و سناریونو یسان و دایر کتران ورزیده یی در محدوده سینمای مغو لستان چهره کشودند و به فعالیت های ابتکار آمیز آغاز نمودند .

فلمی مهم که در این مقطع زمانی در کشور مغو لستان به وجود آمد و شهرتی به سزا کسب نمود ، اثری به نام ((فاینل)) از کارگردان مشهور این کشور به نام (بی شریندوب) بود ، که هر صحنه آن گویای مبارزات

استفاده از زنده گی این شخصیت ملی به خصوص قهرمان مبارز بعد از سال ۱۹۴۰ ، پرداختن به چنین سوژه هایی زیاد مورد پذیرش قرار گرفت و فلم های انقلابی برمبنای ابعاد گسترده افکار مترقی اذهان زیادی را متوجه خود نمود . پس از سال ۱۹۴۱ درین کشور

دست به تریه کدرهای فنی زده شد و کانون های آموزش به این منظور پدید آمد و استودیو های نوی برای تولید فلم های مورد نیاز روز ایجاد گشت ، زیرا ضرورت احساس میشد که بایستی سهم جوانان در روند تکاملی سینمای آن کشور جای به سزایی داشته باشد ! و همین نکته هم باعث گردید تا مدتی بعد جوانان پر نیرو و کدر های ماهر و با استعداد درین زمینه به بالنده گی رسند و مسیر سینما را در جهتی نیکو سوق دهند .

همانسانی که در دیگر کشور های مترقی و پیشرو سینما را در جهت منافع زحمت کشان رهنمایی میکنند ، در مغو لستان نیز به همت کدر های فعال و ورزیده سینمایی که با اندیشه های نوین مجهز می باشند ، به سوی دفاع از اینگونه منافع آرایش گردیده و فلم های بارز از تلاش های خسته گی ناپذیر کارگران ، دهقانان و دیگر نیرو های مترقی به نمایش کشیده شده است . همچنان در بسیاری فلم ها خواسته ها و نیاز های مردم و رسوم و فولکلور و تاریخ شان نیز پرد

مردم این سامان در به دست آوردن آرمان های دیرین شان میباشد ، که در هر بخش آن صحنه هایی از ساحت ختمان جامعه نوین به خوبی هویدا بوده و سهم و جنبش کارگران و دیگر زحمت کشان در آن به خوبی تمثیل گردیده است .

فلمی دیگر به نام (به آواز دیگران گوش بده) نیز در سال ۱۹۷۰ به روی صحنه آمده که در ساختن آن دو نفر از دایر کتران معروف مغو لستان سهم به سزا داشتند و فلمی را مطابق آهنگ زمان خویش به وجود آوردند ، که در آن مبارزه برضد امپریا لیزم و توسعه طلبی به خوبی نشان داده شده بود .

سینمای مغو لستان با دیگر کشور های مترقی و سوسیالیستی نیز روابط نزدیک و فعال دارد ، طوریکه در سال ۱۹۶۰ به نام ((صحرای طلایی)) فلمی را با دست اندرکاران سینمای آلمان دموکراتیک به وجود آورد ، که در ساختن این فلم نیز ماهران و کدر های بارز هر دو کشور سهم خوبی گرفته بودند . این فلم که بیشتر زمینه فولکلوریک داشت ، در عین حال برای کودکان و نوجوانان نیز مفید واقع میشد ، از همین واسطه برای مدت مدید روی پرده سینماهای آلمان دموکراتیک و مغو لستان نمایش داده شد .

فلم دیگری را مغو لستان با همکاری سینمای چکوسلواکیا به نام (کوه های خیرخان کجاست؟) ساخته ، که نشان دهنده زمینه



همآهنگ و مشترک سینمای هردو کشور میباشد و مغولستان از این بابت استفا ده های شایا نی برده است .

به طور عموم میتوان گفت که سینمای مغولستان آنقدر در جهت انکشاف قدم برداشته که با بسیاری کشور های جهان به خصوص اعضای کومیکان ارتباط مستقیم فرهنگی و سینمایی دارد و از آن- مبادلات هنری توأسته سینمایی در حد پیشرفت و وسعت جهانی به دست آورد و در بسیاری فستیوال ها اشتراك جوید .

• • •

### سینمای ویتنام :

در جنوب شرق آسیا ، ویتنام کشور دیگر یست که از لحاظ مبارزات سیاسی و اجتماعی سا بقه طولانی دارد و در این جریان مبارزات توانسته فرهنگی بارور از تلاش- ایهای پی گیر انسانی به دست آورد. این کشور دارای سینما ییست که در آن نمود هایی از مبارزه و هنرمقاومت به چشم میخورد ، که این گونه تلاش ، شریفترین و عادلانه ترین مقاومت در جهان بشری است . سینمای ویتنام که دارای محتوای هنری و انسانی است از زمان مبارزات استعماری این کشور بر ضد فرانسوی هادر ((نیهیلو )) تولد یافته و رشد گرفته و بارور گردیده است و دست اندر کاران سینمای این کشور در میان آتش و خون به ابداع آثار هنری خود پرداخته و گوشه هایی از اشك و مقاومت را به گونه مستند جان بخشیده و همیشگی ساخته اند.

سینما در کشور ویتنام - ویتنام قهرمان- جوان بوده و بیش از سی سال سابقه ندارد و در این ایام کم، گامهای بلند و دراز به سوی بام های

آفرینش هنری بر داشته و راهش را در مسیر هنر، به خصوص هنر هفتم مشخص ساخته است و بر کیفیت سینمای نوین خویش افزوده است.

در سینمای کشور ویتنام تقلید و کاپی کردن از فرآورده های دیگران کمتر دیده میشود و در این سینما فقط هسته ذهنیت خود مردم و عشق شان به میهن شان تبارز نموده و در عین حال در طریق صلح و سو- سیالیزم قدم برداشته و توأسته است راهی شگوفان از هنر و ابداع رابه روی خود باز کند .

سینمای مستند و سینمای علمی) درسه بخش عمده (سینمای مقاومت، سینمای مستند و سینمای علمی ، مشخص نمود ، که هر کدام از این بخش ها در کلیت فرهنگی ویتنام

ولی از لحاظ کلی فلمهای سینمایی، این کشور در دو بخش مقاومت و اعمار سوسیالیزم مشخص میشوند که در بخش اول کارگردانان مبارز ، کمره به دوش ، جهات مبارزات دلیرانه مردم خود را ثبت نموده و به نمایش کشیده اند و در بخش دومی دست اندرکاران سینمای این کشور در پی اعمار جامعه نوین قدم برداشته و سوزده های تازه و بکر از دستاورد های انقلاب مردمی خود را به روی نوار فلم ضبط کرده اند، که نمودی از قهرمانیهای مردم شان میباشد .

(دنباله دارد )



قهرمانی از سینمای ویتنام که آن را سینمای مقاومت میتوان گفت .

# آواز سنجورانی

سیند

## شهید ته

ای د وطن د پا کی خاوری توریالی بچیه !  
 ای د بیوزلو، کونډو، رنډو، رښتیانی بچیه!  
 ای اروا ښاده ! د انسان په آزادی مینه  
 ای داوولس په ترقی او نیکمرغی مینه  
 ستا د زخمی زړه له ترپکو اوږو پونو ځنی  
 ستا د سوری سینی دوینو له رنگو نو ځنی  
 ستا د مات شوو اندامو نوله دردونو ځنی  
 ستا د تودی خولی له زگیرو او آوازو نو ځنی  
 ستا د را نه فکر له څرک او مشعلو نو ځنی  
 ستا د متینی ووینو د قطرو له اصلیته ځنی  
 ستا د بدن د هر یو غړی له قوت ته ځنی  
 ستا د سبرو ووینو د قطرو له اصلیته ځنی  
 ستا د احساس او جذب بی دویښید لو ځنی  
 ستا د تودی مینی د شور او پارید لو ځنی  
 په دی وطن کی یو بی ساری ستر قوت جوړ شولو  
 ستا د ښمنانو ته د ژوند انجام (قیامت) جوړ شولو  
 ستا د سرو وینو د سرو څاڅکو نه اور و نه جوړ شول  
 ظالم یی وسپزه ایره شو، تری گردونه جوړ شول  
 د لور میاشت وه چی وطن کی سړی جنایی دنگی شوی  
 د غدارانو، خونخوارانو، عیشخانی پنگی شوی  
 ارمان دی سر شو چی وطن له دشمنانو خپل شو  
 ستا د امید غوږی برسیره شوله، ښکلی گل شو  
 ویاړم په تا ای د وطن لوی افتخار شهیده !  
 ستا په سینه د سرو گلو یو سور هار شهیده!

## درس وفا

وعده دادی که ترا د ستمه گل میبخشم  
 یابه بستان برمت یک دو شبی مهما نی  
 زان زمان تا به کنون چشم به راحت هستم  
 منتظر تا به کی امراست بگو میمانی؟  
 فصل گل در اثر جبر زمان میگذرد  
 به وفا یی که ترا نیست به من ارزانی  
 نیست بر نعمت این عمر دوسه روزه بقا  
 تابه کی مرغ و فابا به قفس پوشانی  
 عهد بر جاکن و پیمان شکنی ترک نما  
 مگر به مکتب، چو «سها» درس وفا میخوانی  
 کابل - سرطان ۱۳۶۲ - حبیب الله سها

## آتش جاوید

جان من ای دلبر بی باک من  
 ای صفای آرزوی پاک من  
 گرد عشقت بر وجودم ریخته  
 بارگ و با خون من آمیخته  
 هستیم از هستیت بگرفته رنگ  
 زان به غیر تست روز و شب به جنگ  
 رنج هستی باتوام شد در گذار  
 در وفایت چشم دل، امید وار  
 در وصالت از جهان بگذشته ام  
 با پریشانی و غم پیوسته ام  
 نه کسی را سوی من باشد گذر  
 نه مرا از حال کس باشد خبر  
 از خود و از خویش دل برداشتم  
 یابه کنج انزو ابگذاشتم  
 عشق تو با محنتم آمیخته  
 آتش جاوید در من ریخته  
 «از خدا خواهم که افزونش کند  
 دل اگر دم زد پراز خونش کند»  
 شکوه ام از محنت سوزنده نیست  
 لذت شادی مرا دیرینده نیست  
 ای جفای تو دوی درد من  
 راز دار قلب غم پرورد من  
 که زلف خویش مغرورم کنی  
 که به جوړو رنج، مهجورم کنی  
 جز توام کس یاور و همراز نه  
 از جفایت هر گزم آواز نه  
 سر نه پیچم از تو و پیمان تو  
 جان من ای نازنین و جان تو  
 این من و این هم دل شیدای من  
 راز من، بنهفته و پیدای من  
 از غم و از رنج، آزادم مکن  
 هر چه خواهی کن، ولی شادم مکن  
 من به رنج زنده گی خو کرده ام  
 جان فدا ی قدد لجو کرده ام  
 هستیم مرهون استغنائی تست  
 مدح خوان قامت با لای تست  
 کابل - کار نه سخنی  
 سه شنبه ۵ میزان ۱۳۶۲  
 حسین وفا سلجوقی

## خواره خیالونه

خیالونه می خواره و ، خو ترخوکی خا یید له نه  
خو بو نه می او بده و تورو شپوکی خا یید له نه  
موسکی شو نوی په بن کی سرو گلونو را ته خلا صی کړی  
وختو نه لنډنی شو زما ور تلوکی خا یید له نه  
زمانه تپوس څه کړی ؟ ته دستورونه تپوس وکړه  
چی ستا انتظارونه مر کو کی خا یید له نه  
ورمه د ډکو هیلو می ستا لاری ته دروا ستول  
پیا بیرته نه را تلله په راتلوکی خا یید له نه  
خپو ستا د خندا که د ساحل غیره راو نیوه  
ماهم دومره ژړا کړه چی سیندوکی خایید له نه  
ته لاری او تر شادی یو نظر راته ونه کړو  
زما ستړی قد مو نه ستا په پلوکی خایید له نه  
ته راشه چی دی مینه یو ځل پیا په کتو ښکل کړمه  
کاته می بیگاه خوب کی ستا کتوکی خایید له نه

پروین «فیض زاده»

### آواره عشق

ای دل اگرت طاقت غم نیست برو  
آواره عشق چون تو کم نیست برو  
ای جان تو بیا اگر خواهی ترسید  
در میز کسی کار تو هم نیست برو

## آهنگ غمین

شب که با پرده تاریک زغم مینالد  
و، زتا بیدن تک اختر خاموش به۔

تب میغلند

تامن غمزده غلتیده به یاد تو روم  
یاد آنشب که چنین  
سخت دل بسته پیمان به هم میگفتیم  
امشب آهنگ غمین دل خود  
باید آهسته سرود  
گرچه سخت است به من  
گرچه سخت است به تو  
دیدن سایه عشق دگری  
که افق های دودل را  
به شب تار کشد . . .

کابل ۱۳۶۲-۶۸

انجیلا پگاهی

## دل دیوانه

امشب لب خود بر لب جانانه گذارم  
یک عمر به دستور خرد کار نمودم  
خواهم که به پای دل سودا زده خویش  
دیر است که سودایی آن چشم سیاهم  
نازم به سیه روزی اقبال که عمریست  
حیف است ازین عمر گرنامه که اینسان  
تا چند (سنا) از اثر طالع نا ساز  
چون گنج گهر در دل ویرانه گذارم

محمد اکبر (سنا) غزنوی

## دیدتوب

بی خبره وم، د عشق د سیند خپو نه  
هم د خوب زږگی ، د مینی له دردو نه  
دا هو س می در لوده چی شم مینه  
مگر پوه نه وم، د داسی رنگ غمو نه  
اسو یلی ، سوزو ژړا می شول په بر څه  
د تودی مینی ، له سو یوترانو نه  
ای د زړه بلبله مه را ته خوریزه !  
چی می او ښکی نه وچیری له لیمونه  
رحیمه به پس له دی عاشقی نه کړی  
ځکه تل سلگی و هی له اندیښونه

رحیمه صافی

۱۳۶۲-۷۵

### آفتاب امید

که گفت که آن زنده جاوید ببرد ؟  
که گفت که آفتاب امید ببرد ؟  
آن دشمن خورشید ، در آمد برام  
دو دیده بست گفت : خورشید ببرد



# الْبوم هنري



ناشناس



استاد مهوش



ظاهر هویدا



آر. ایزدیه، و تبریز صحاری  
(بازنده جایزه بینکار گنج)

# آواز



مختار مجید، آوازخوان  
و خلیل ستار نواز



الْبوم هنري این شماره را به چاپ  
عکسهای رنگه هنرمندان مهمان (ناشناس -  
ظاهر هویدا، استاد مهوش) و آوازخوانان  
دنوازنده گان همیشه گی «آرکستر باران» تلویزیون  
اختصاص داده ایم.

محبوب استیگار (وسط) توکم نواز، فرهاد دوربا  
و محمد عاروف طاهر نواز

## اشک سحر

بین که زا شك سحر، من به کجا میرسم  
 یابه بهشت عدن، یابه خدا میرسم  
 در دل صحرا ی عشق، با غم و سودای عشق  
 یاز تنم جان رود، یابه شما میرسم  
 گر چه زخاکم زخاک، شادم از این چشم پاک  
 چون به بر صادقان، وقت دعا میرسم  
 مهرم و زین آسمان، از فلک و کیهان  
 بین که به دادشما، من ز وفا میرسم  
 سوی دیار فلک، یا که به بزم ملک  
 با تو رسم هر کجا، بی تو کجا میرسم  
 عاشقم و جان نثار، صادقم و انتظار  
 ورنه به پابوس او، کی به ریا میرسم ؟  
 گر چه فقیرم فقیر، بادل روشن ضمیر  
 پیش شه خسروان همچو گدا میرسم  
 رحمت الله «اشکبار»

## هستی بزرگ

بنام هستی بزرگ  
 بنام پاک آفتاب  
 بنام آن ستاره های دور دست بیمار  
 بنام آن سینه های لاله رنگ رازدار  
 بنام عشق آتشین  
 بنام شوق آفتاب  
 بنام آن برین های رنگ رنگ نغمه خوان  
 بنام رقص شعله ها درون چشم لودکان

بنام هر که یک نخل نوشتند بر زمین  
 بنام آن شب بید هلاکای قهرمان  
 بنام آن حسد های پرتکاپوتنها  
 بنام زرم بی امان  
 ای کس نوشت آدمی ز رخسار ما

زللا زنده روی

## رؤیا

در آمدنت چی را یافتم  
 رفتنت را  
 در باز گشتت،  
 آمدنت را  
 و اما دریغ !  
 آنچه را که آرزو داشتم  
 در تو نیافتم  
 -بودنت را-  
 آصف معروف

## مهرگان

کاش بینم روی گل، در گو شهیی، تنها دمی  
 کاش گردم همنوا با بلبل شیدادمی  
 کاش باشم لحظه یی فارغ ز درد جان گداز  
 گشته از خود بیخبر با ساغر و مینا دمی  
 کاش باشم من قرین مردمان نکته دان  
 تا به وجد آیم همی از شعرمولا نا دمی  
 مست گردم بر جمال شعری زیبای «رهی»  
 «سایه عمرش» دهد دلرا نوازشهاد می  
 یاد ایام بهار و عشرت یاران بخیر  
 در کنار لاله میبودیم در صحرادمی  
 مهرگان یاد آورد از رنگ زردعاشقان  
 میسزد گر سر کنم بریاد گل، غوغا دمی  
 بیو فایی میکند دایم جهان بیو فا  
 جز جفا از وی ندیدم اندرین دنیا دمی

وفا نجفی از مزار شریف



# آشنایي با بزرگترین کارگردان سینمای اتحاد شوروی

( بزرگترین کارگردان اتحاد شوروی کریوری کوز ینتسفف در ماه حمل سال ۱۳۵۲ هجرى مطابق سال ۱۹۷۳ عیسوی در سن ۶۸ ساله گمی در شهر ما سکو چشم از جهان بست. )

کریوری کوز ینتسفف از اولین شاگردان و پیروان هنر جدید اتحاد شوروی بوده و به نسلی تعلق داشت که زنده گمی فعال و آفریننده خود را بسیار زود آغاز کردند. مثلیکه همین موضوع باعث شد تا کریوری همیشه جوان بماند.

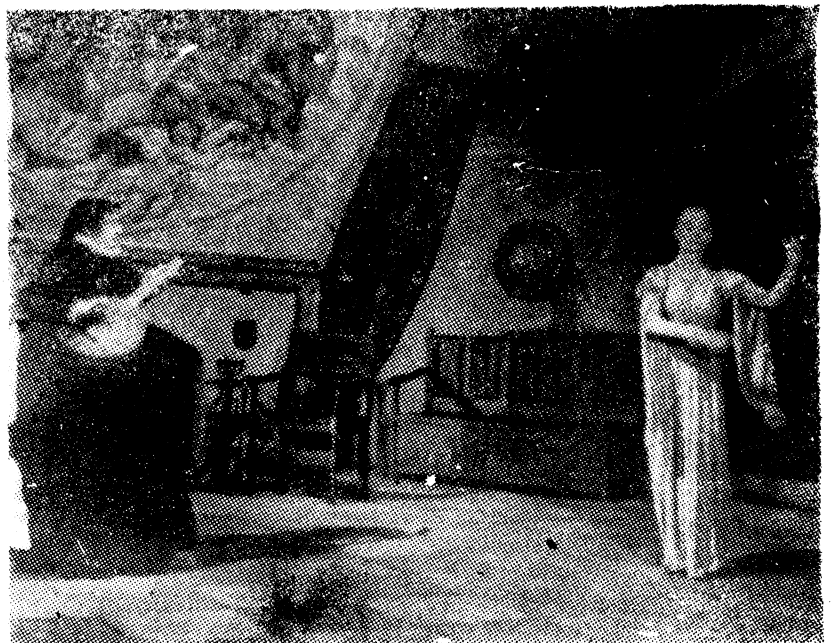
کوز ینتسفف مردی بود آرام و کمی خجول باموهای سیاه و صدای نسبتاً بم، وی در وجود خود به گونه حیرت انگیزی شخصیت و عادات هنرمندانه و دانشمندانه راجمع کرده بود.

این صفات در ترجمه و اقتباس هایی که از آثار سروانتس و شکسپیر نموده است، به خوبی نمایان است.

کوز ینتسفف فرزند انفسلاب رونسیه است او که در ۱۹۰۵ متولد شده خوب به یاد دارد که چگونگی از میان جاده های شهر کیف زیر آتش توپخانه، از کنار جسد ها از مکتب به سوی خانه دویده، در حالیکه هیچکس نمیدانست اختیارشهر واقعاً دست کیست؟ در کودکی با شور و شوق زیادی به طرف هنر خواندند.

دهمین زمین بود که کوز ینتسفف باپو تکیوچ آشنا شد، با هم اساس یک درام راسا ختند و کمی بعد گروه هنری راجتمع آوری نموده و آنرا رهنمایی میکردند و با گروه خود به پیشروی رفتند و در آنجا با جوانی همسن و سال خود به نام لئونید تروبرک آشنا شدند و در سال ۱۹۲۲ هجرى با (الکسی کاپل) و کریوری اپر - تیسکی اساس اتحادیه هنر مندان عجیب و غریب را طرح نمودند، این اتحادیه دست به هر تجربه تازه و عجیبی میزد: خودش مینویسد:

(دنباله درس ۵۵)



داور بس پرس له خپرونو څخه:  
دامیر زوی ژباړه



دچک نا متو وایلون غبروونکی  
اولدریچ هلنکا دوایلون دیوی پارچی  
دوړاندی کولو په حال کی

تصنیف او ماهیت په برخه کی ډیر  
گټور بدلون نه رامنځ ته شوی دی.  
دمو سیقی دآهنگونو دکنګرو بنسټ  
په ۱۹۵۷ کال کی کینودل شواو  
ددغو کنګرو سکر تریت دژنیو په  
بنار کی فعالیت کوی. ددی له  
پاره چی دارو پای هیوادو نود  
موسیقی دآهنگو نو دکنګرو په  
جوړولو کی یی زیات بریالیتوب تر-  
لاسه کړی وی، همدا اوس داروپا په  
(۲۴) هیوادونو کی ددغه ساز مان  
یو سلو پنځه ښوونځی او تربیوی  
مرکزو نه فعالیت کوی، دخپروشو-  
یو راپورو نو له هڅی د پراگ په  
بنار کی دموسیقی دآهنگو نو دسپر-  
نی کال په کنګره کی داووه لسو  
اروپایی هیوادو نو څخه دوه او یا  
تنو تجر به لرونکو استازو او  
هنرمندا نو گډون کړی وو، دخپر-  
ونی په لومړی برخه کی دموسیقی  
او خلکو تر سر لیک لاندی یوداستان  
دیوه سنار یو په بڼه وړاندی شو،  
ددغه راپور له وړاندی کو لو او  
اورو لو څخه مقصد داو چی دتیر  
کال په اوږدو کی دچکو سلوا کیاد  
مو سیقی او دهغی دتغییراتو اونو-  
ښتونو په باب دکنګری برخه والو

# دموسیقی دآهنگونو څوارلسمه کنګره

کړیده. هغه وخت چی دتیر کال  
منی په شپاواو ورځو کی دپراگ په  
بنکلی بنار کی، دارو پایو -  
هنتونونو او کالجو نو په نوښت د  
موسیقی دآهنگو نو د یارلسمه  
بین المللی کنګره جوړه شوه، د  
ارو پای په څوار لسو هیوادو نو کی  
دمو سیقی دفتیوا لو نو لږی پیل  
شوه او باید وویل شی چی ځوانانو،  
ښځو، او مخکښانو، ساز مانونواو  
مترقی غورځنگو نو په دغو  
فتیوا لو نو کی ستره برخه  
واخیسته. دموسیقی دآهنگو نو په  
څوارلسمه کنګره کی چی سپر کال  
دارو پای هیوادو د پوهنتونونواو  
کالجو نو په نوښت جوړه شوه یو  
ځل بیا ټولی نړی او په تیره اروپا-  
یی هیوادو نو ته څرگند شوه چی  
(۱۹۸۰) دلسیزی په اوږدو کی  
دکمپوز او دموسیقی دآهنگو نو د

په ارو پاکی دموسیقی دآهنگونو  
دودی او بشپړتیا له پاره زیات  
امکانات شته خو هغو بدلونونو چی  
۱۹۸۰ کال دلسیزی له پیل کیډو  
څخه راپه دیخوا داروپا په موسیقی  
او دهغی په طرزو نو اومعیارونو  
کی رامنځ ته شوی دی، نه یوازی  
په ارو پای، بلکی دنړی په نورو  
هیوادونو کی یی هم دآهنگ جوړونکو  
او موسیقی پوهانو پاملر نه ځان ته  
راگر ځولی ده.

دموسیقی دآهنگو نو ملی او  
نړیوالی کنګری که له یوی خوا د  
کمپوزیتورانو او آهنگ جوړوونکو  
دپاره دنو یو ابتکارو نو لاره اواره  
کړیده نو له بلی خوا یی دآماتورانو  
او په مجموع کی، دهنرمندانو د  
روزی او دموسیقی په برخه کی  
دودی دآفاقی معلوماتو دسطحی له  
لوړو لوسره هم پوره مرسته



دموسیقی دآهنگو نو ۱۹۸۳ کال دکنسر تونو یوه منظره .





**د ۱۹۸۳ کال د موسیقي د کنگري په کنسر تسونو کی دچک موزیک هنر مند بسلا و ما تو سیک هم ښه وځلید .**

لومړی : آیا محصل او شاگرد، د زده کړی په دوران کی موسیقي زده کولای شی ؟  
 دوهم : آیا محصل دتحصیلا تو په دوران کی په کنسرتو نو کی ونډه اخیستلای شی ؟  
 دریم : آیاد تحصیل په دوران کی دموسیقي دطرز و نو د زده کولو په کار کی له خوا نو هنرمندانو او آماتورانو سره پوره مرسته اوهمکاری کیدای شی ؟  
 څلورم : آیا د پوهنتو نونو مر- بوطی اداری خانگی په خپلو تشکیلاتو کی دمو سیقی او تیاتر چارو ته کوم ارزښت او اهمیت ورکوی ؟  
 په لیکل شو یو پوښتنو اومو- ضوعگانو سر بیردبه نوموړی کنگری کی دمو سیقی د چمبر دتعلیماتو اوپه دغی برخه کی دزده کوونکو او آماتورانو دد لچسپیو په ارتباط هم خبری و شوی ، په او سنیو وختونو کی په پوهنتو نو نو اوکال- لجونو کی د چمبر دخپرونو له پاره خانگړی خانگی شته .

(لطفاً پاڼه واپوئ)

ته په پوره اندازه معلو مات وړاندی شوی وی ، دمو سیقی د ۱۹۸۳ کال دآهنگو نو په پرو گرام کی دچکو- سلوا کیا د بیلا بیلو پوهنتونو نو دمحصلا نو له خوا په زړه پوری کنسر تو نه ور کړی شول ، سرب- کال دمو سیقی دآهنگو نو دڅوار- لسمی کنگری په پرو گرام کی، دبر- اتسلا و دارت او چرا ما ټیکي مو- سیقی اکاډمی ته فعاله ونډه ور کړی شوی وه. دتیرو دریو کلونو په دوران کی داروپایی هیوا دو نود پوهنتو نونو له خوا د موسیقي د آهنگونو دری خانگړی او اختصاصی کنگری جوړی شویدی او په مجموع کی ددغو کنکرو له جوړیدو څخه دغه لاندنی نتیجی لاس ته را غلی دی ، د موسیقي دآهنگونو دتصنیف او کمپوز په چارو کی دتیرو تجربو څخه کار اخیستل او دروا تلو نکو پرو گرامونو په باب خبری اتری .

دمو سیقی د زده کړی په اکاډمیو، انستیتوت او دلوړو و زده کړو په نورو کادرونو کی د زده کوو نکود پوهی او استعداد د سطحی دلوړولو په باب د کنفرانسونو او لکچرونو ورکول .



**داهم د موسیقي د کنگری دبرخه والو دهنری وینا گا نو یوه څڼه**

دچمبر مو سبقي د ډيرو لا يقواو  
 تاجر به لرو نكو استلادانو په واسطه  
 ندریس كیری ، باید وویل شی چی  
 په پوهنتونو نو او پوهنځیو كسی د  
 مربوطی اداری زده كوونكو او  
 محصلا نو ته وخت ور كوی چی  
 دخپلو ټولنیزو اړتیا وو د بشپړولو  
 په خاطر د خلكو په مخ كی څرگند  
 شی او د یوه پروگرام له مخی خلكو  
 ته كنسر تونه ور كړی اود خنكو  
 په وړاندی خپل هنری استعدادونه  
 تراز موینی لاندی وینسی .  
 دپور تنی مقصد له پاره دچكو-  
 سلوا کیا دمو سبقي ډټو لنسی  
 دصندوق ، دچكوسلواکیا دكمپو -  
 زرانو او آهنگ جوړوو نكو له  
 اتحاد یی او همدا رنگه دهغه هیواد  
 دراجیو ، ټلویزیون او سینما توجرافی  
 له مربوطو مقاماتو سره تما سو نه  
 نیول كیری او وخت په وخت امانو -  
 رانو او ځوانو محصلانو ته  
 بلنه وركو له كیری چی د  
 راجیو ، ټلویزیون په سټو یوگانو  
 كی یو لړ كنسر تونه اجرا كړی، د  
 پراگ د راجیو ، ټلویزیون په  
 سټو یوگانو كی داسی زمینی او  
 امکانات شته دی چی دپوهنتونونو

او كالجو نو آما توران او محصلان  
 كو لای شی هغه څه چی داپت ، هنر  
 او موسیقی په برخه كی یی په خپله  
 تولید او راټول كړی وی بروپكا-  
 ست كاندی ، البته ددغه ډول برود-  
 كاستو نو په مربوطو تخنیک-ی او  
 ذوقی كارو نو كی د راجیو ټلویز-  
 یون او سینما تو گرافی مربوطو  
 څانگو له خوا هر ډول مرستی او  
 همكاری سرته رسیزی . د (۱۹۸۳)  
 كال د جنوری د میاشتی له پیل  
 كیدو څخه راپه دیخوادراجیو، ټلو-  
 یز یون په سټو یوگانو او همدا-  
 رنگه ډرا ما تیک اړتیا او هنر په  
 ژوند یو تیا ترو نو كی .  
 «دځوان هنر مندان ځانونه معرفی  
 كوی» تر عنوان لاندی یونوی برو-  
 گرام طرح او تر اجرا لاندی نیول  
 شویدی . د نجر بو له مخی دغه  
 ډول پرو گرام ، نه ددغو لاندینو  
 بنیگنو درلودو نكی دی .  
 دبرو د كاستتگ او هنری څپرونو  
 په چارو كی دځوانانو جرات روزل  
 كیری او ددوی استعدادو نه نور  
 هم وده او پراختیا كوی  
 په كنسرټونو او هنری فستیوالونو  
 كی دځوانو هنرمندانو او آمانو-

رانو د فعالی ونډی اخیستلو له  
 پاره غوره امکانات او په زړه پوری  
 شرایط تامین او برابر یزی .  
 دپوهنتونو نو ، كالجونو ، پوهنځیو  
 اونورو تعلیمی كادرو نو تر منځ د  
 بنه تفا هم ، گډمرستو اوڅواړخیزو  
 همكاریو له پاره لاره اورا یزی .  
 دنړیوالی سولې او بین المللی  
 امنیت د ټینگښت په چارو كی د  
 محصلانو ونډه زیاتیری، دراجیو یی  
 او ټلویزیونی برود كاستنگ په  
 مرسته له بهر نیو هیوادو نو سره  
 دمحصلا نو او هنر مندانو  
 پیژندگلو ی ، دوستی او همكاری  
 وده كوی او په راتلو نكی كی  
 هنری او فرهنگی مؤسسو اوسا-  
 زمانونو تر منځ گډو همكاریو له  
 پاره شرایط تامین او برابر یزی .  
 دموزیک، تیاتر او ښكلو هنرونو  
 دد پیار تمت دبر څه والو دستاژ  
 او علمی كارو نو له پاره غوره اسبا-  
 نتیا وی تر لاسه كیدای شی .  
 په ذكر شو یو كارو نو سربیره  
 دپوهنتونونو او تعلیمی كادرو نو  
 دهنر مندانو دا استعدادو نو او په  
 هنری چارو كی د هغوی دونډی  
 دپرا خوالی په برخه كی دمرستو  
 او تشویق یوه بله نمو نه هم شته  
 اوهغه دهنر او موسیقی په څانگو  
 كی دسكالر شپړنو او تحصیلی  
 بورسو نو له رشتی څخه عبارت ده .  
 ددغی څپرو نی له مخی ځوان  
 محصل دزده كړی په دوران كی د  
 موسیقی دتجر به لرو نكو كمپوزر-  
 انو او آهنگ جوړوو نكو په مرسته  
 او لارښونو نه دلنډی مودی او یاوړ-  
 دی مودی له پاره دسكالر شپ تر  
 پرو گرام لاندی د موسیقی په برخه  
 كی خپلو زده كړو ته دوام وركوی،  
 په عملی تو گه له هنری ژوند سره  
 دهنرمندانو دشنا كو لو اودلایقو  
 محصلا نو او آما تورانو دپاره له  
 یو كال څخه تر دریو كالو نو پوری  
 دعملی كارو نو پرو گرام طرح او  
 تر تطبیق لاندی نیول كیری . دغه



دبالت د نڅا یوه په زړه پوری منظره .



### د مو سيقی د آهنگو نو يوه ډله ايزه په زړه پوری صحنه

پيار ثمنت په مرسته هر کال يوگني شمير آما توران او هنر مندان د مو سيقی دساز ما نونو په غږ يتوب کې شا مليری اويه دی ډول دحق-العضويت په ورکولو سره دمو-سيقی دهر ډول اسانتيا وو اوامتيا-زونو څخه گټه اخلي چې البته دگرا-مافون په ريکا رډو نو دآوازونو او کنسر تو نو ثبت کول هم په دغو امتياز ونو کې شامل دی .

دايوه طبيعی خبره ده چې دمو-سيقی دانسا مبل د جوړيدو په وختو نو کې زيات شمير ليکوالان او سنار يستان غواړي چې دنوموړي انسامل د غور د پار چو او آهنگونو په باب يو څه وليکي اودتقريظ ديوه شکل په تو گه دواړه مثبت او منفی اړخو نه يی تر خپرني لاندی ونيسي دتجربو له مخی د مو سيقی دانسا-مبل بر ياليتوب نه يوازی دتجربه-لرو نکو بنوو زکو او کاند کترانر له استعداد سره ارتباط لری، بلکه دغه کار تر زياتی اندازی پوری په خپله دمو سيقی نوازا نو اوآماتو-رانو په استعداد او خلاقه قدرت پوری هم اړه لری .

(نوبيا)

صفحه ۴۳ (آواز)

ډول پرو گرا-مونه له دريو برخو څخه جوړ شو يدي :  
 ۱- دکلاسيکی موسيقی پرو گرام او دهغه مربوطه سلی کارو نه .  
 ۲- د معاصرو موسيقی د زده-کړی دور .

۳- دکمپوز او دمو سيقی دآهنگونو دجوړولو او تصنيف کو لو جاری دذکر شويو کارو نو تر سره کولو له پاره ديو هنتو نونو ، پوهنځيو او کالجونو مربوطی خانگی دکنسر-تونو اوموسيقی له ساز مانونوسره ارتباط نیسی او هنرمندا نو ته دزده کړنی امکانات برابر وی .

تر اوسه پوری د دريو کلونو په موده کې يوازی د «چک موزیک» په سټډيو گانو کې دچکوسلواکيا او نورو اروپايي هيوادونو دوه سوه دري اتيا تنه محصلان او زده کوونکی دآهنگو نو دکمپوز او تصنيف-کولو په چارو کې رو زل شوی اود پوهنتو نونو له سکالر شپونو څخه په استفادی کو لو سره شعوروی-انجاد او نورو سبو سيا لستنی هيوادو نو ته ليرل شو يدي دتجر-بو له مخی دگرا-مافون په ريکا رډ-ونو او همدا رنگه دفيتو په منځ باندی دآما تورانو او هنر مندا نو د آوازو نو په کمپوزونو او تصنيفونو په ثبتولو سره دپوهنتو نو نو دهنري نصاب د بشپړيدو له پاره زياتی اسانتيا لری وامتخ نه شو يدي، د گرا مافون په ريکا رډو نو کې دهنر مندانو او آما تورانو آوازونه او کمپوزونو په دوه ډولونو باندی اجرا او تر سره کيری .

لومړی : دموسيقی او سينمانو-گرافي مربوطی خانگی هغو آماتو-رانو او هنر مندا نو ته چې پخواد پوهنتو نونو د مربوطو مقاماتو له خوا ورپيژندل شوی وی بلنه ور-کوی چې د خپلو آوازو نو دريکار-ډولو او ثبتو لو له پاره سټډيو-گانو ته ولاړ شي . «پا نتون کور-پور يشن» په او سنيو وختو نو کې په پراگ کې ، د گرا مافون دريکا-رډونو د جوړولو له پاره نه-يوازی په اروپا يی هيوادو نو کې شهرت لری ، بلکه د آسيا، افر-يقا او لاتيني امريکی په هنري ټولنو کې هم غوره شهرت لری ، دريکا-رډو جوړولو په څانگه کې دهنر-مندانو او آماتو رانو د زياتواسا-نتيا وو دبرابرو لو دپاره دغه «گور پور يشن» د براتسلاو ، بو-هيميا او همدا رنگه دچکوسلواکيا په نورو ښارو نو او هنري مرکزو-نو کې نماينده گي او فرعی خانگی لزی اوهم دضرورت په وختو نو کې له گر ځنده فعالو سټډيو گانو څخه کار اخيستل کيری .

دوهم : دمحصلينو او تعليمی کا-لجونو دمو سيقی او هنرو نو دد-

# د سینما او تلویزیون ژبه

## دکوربه ژباړه

دوید یو ټیپ په تولید کی دلاتونو دموقیعت «اکنه مهمه ده . ځکه چی ددغو دریو کهر و هره یوه له یوه بل اړخ څخه د موضوع په مقابل کی تر استفادی لاندی نیول کیږی او امکان لری چی د صحنی د معرفی او پیژندنی تصویر، او یا نږدی ډوله او منځنی تصویرونه دبیلابیلو نورو په وسیله ثبت شی .

په دغه سټیډیو کی دکورواومثلینو خوځیدل یوه بله ستونزه هم لری او هغه داواز دمتصدی شته والی او د «اوردلاستی» مکرافون درلودل دی ، له لازمو پام کولو سره سره بیا هم داچی متصدی حاضر دی په ځینوڅیرونوکی آواز دکرافون ډیباپی «پسی» له ظاهر بدللو سره دپوری ډیباپه ښکاره شوی او بیان د مکرافون دپردی په پورتنی برخه کی لیدل شوی او اوریدل شوی دی .

### ستیتز :

دتلویزیونی شبکو دژوند یو ټیپ دتولید مخصوصی سټیډیو گانی معمولا دری ستیتز ونه لری چی یوله بل سره جوړشوی دی، او دیوه کور او یا یوه دفتر دبیلا بیلو خونوپه بڼه جوړ شوی او تنظیم شوی دی او ددی امکان

برابر وی پرته له دی چی له سټیډیو څخه ووځی . دصحنی ځای ته تغییر ورکولی شی ، وړی سټیډیو گانی، دمثال په توگه : دپوهنتو نونو اود تربیتی تلویزیون دستیتشنو نو سټیډیو گانی په ندرت سره له یوه ستیتز څخه زیات لری ، اود یوی څیرونی دبیلا بیلو لږیو د ثبت له پاره دصحنی بڼی ته تغییر ورکول کیږی او یا په بله مانا بڼه یی تغییر مومی .

په دغو دواړو ډوله سټیډیو گانو کی دصحنی کامپوزیشن داسی دی چی د دریو کمرو شته والی یی ایجابوی ، د مثلینو ډراما ټیکسی حرکتونه او خوځیدنی داسی طرح کیږی چی د دغو دریو کمرو هره یوه یی په سټیډیو کی په څرگنده توگه ولیدلای شی اود ځای دبدلولو اود کمری دموقیعت له پاره ستونزی په منځ کی نه وی .

### دکنترول خونہ :

دکنترول په خونہ کی چی دخپر-ونو د ثبت او اړپټنگ ځای دی دغه لاندی وسایل شته دی .

پنځمه مانیترونه : له دغی جملی څخه یی دری مانیترونه هغه څه چی دری الکترو نیکی کمروی وینی نیسی . په څلورم مانیتیر کی هغه څه چی په ویډیو ټیپ کی ثبتیږی ، لیدل کیږی او په پنځم مانیتیر کی یی ډایر-کټر هغه مواد وینی چی له سټیډیو څخه بهر تهیه شوی او یا تهیه کیږی ، لکه : فلم، سلایډ او یا هغه تصویر ونه چی له سټیډیو څخه د باندی دیوی گرځنده سټیډیو په واسطه لیر ډول کیږی .

دغیر دکنترول میز ، په سټیډیو کی درایویو دغیر دکنترول میز ته ورته دی او له لایپټی لرونکی مکرافون سره چی دغیر متصدی له ځان سره لری اود مایکینو آواز د تمثیل او خوځیدلو په حالت کی لیر دوی ارتباط ور کول کیږی .

ویډیو سو چر چی په حقیقت کی دصوری کنترول میزدی دایجاد او ابداع د تنظیم مرکز دی ، په دغه میز کی دوه کنتراره ټنی شته چی د بیلا بیلو کمرو د تصویر ثبتول تنظیموی ، دغه ټنی د (آن) اود (آف)، په نښو سره فعالی او نه فعالی پیژاندل شویدی ، دمثال په توگه : دفعالو ټنیو دیوی ټنی په کیکارلو سره کیدی شی چی دیوی کمری د تصویر ثبت غوڅ شی او دیوی بللی کمری پیل شی . د صحنو تحلیل ، په همدی ډول دیوی بللی ټنی په کیکارلو او فشار ور کولو سره کیدی شی ، د صحنو بدلیدل ، نه یوازی په مستقیم ډول اود تحلیل په توگه امکان لری، بلکی د تصویر تیاره کول او توبل ، یو پر بل باندی د دوو تصویر ونو ایښودل ، او د مخصوصو او ځانگړو اثر و نو ثبتول هم له دغو دوه کنتراره ټنیو څخه دکار اخیستلو په وجه امکان درلودلی شی .

دمثال په توگه : یو پر بل باندی دوو تصویر ونو ایښودل د کمزوری ټنی دورو کیکارلو په وجه د دوو کمرو له خوا امکان لری او په دی ډول د دوو کمرو تصویرونه په هماغه وخت کی یو پر بل پسی ثبتیږی .

د دغه میزد پاسه دوه تنه کار کوی چی یو تن یی ډایر کټر او دو-هم تن یی تخنیکر دی ، لومړنی تن یی تصمیم نیسی او امر ور کوی او دوهم تن یی د کنترول له ټنیو څخه په استفادی کولو سره او امر عملی کوی . د ثبت په وخت کی یو تنی ډایر کټر په عین حال کی پنځمه مانیترونه اود هنر مندانو تشیل تر نظر لاندی نیسی او په همدغه وخت کی دریو تنو کمرو هینا نورته لار-ښوونه کوی اود بیلا بیلو کمرو تصویرونو د کامپوزیشن په باب او امر صادروی .



سږ بیره په دی ، د پری کولو او غوڅولو ، تحلیل او پایوه صحنه پر بلی صحنی باندی داینسود لو او نورو په باب تصمیم نیسی اوله خپلو تصمیمونو څخه چی تطبیقوی یی تخنیکي ډایر کتر پری خبروی او هغه پری پوهوی .

### دویدو ټیپ اجرا او تولید :

په یوه وخت کی دویدو یو ټیپ اجرا او تولید مشخصه ، کارگردانی فوتو گرافی او دویدو ټیپ ادیتنگ اود تولید په جریا ن کی دمثلا نوبه وسیله د تمثیل د اجرا کیدلو او تمثیل دوام دی .

د ابداع دغه نحوه او ډول (دسی-آرمناسی) ده او هغه «پر مالو سی گرانه ده ، ددغی شیوی په ایجادولو سره په کار یوړه .

### په یوه وخت کی کار گردانی، فوتو گرافی او ادیتنگ:

د تمثیل او اجرا په اوږدو کی ویدو ټیپ کارگردانی ، فوتوگرافی اود ادیتنگ همز ما نی ، دو یدو سوچر له ډول څخه دپه کار اچولو ډیر ښه اصل تشکیلی .

هغه دری کمری چی ستیزته مخا-مخ برابرې او تهیه شوی دی ، دکنترول خونې ته ددریو ما نیتر-ونو په وسیله موضوع لیر دوی ، ددغو دریو مانیتر ونو په څنگ کی دوه نور مانیترونه هم شته چی یویی هغه څه چی په ویدو ټیپ کی ثبتیږی او بل مانیتری له سته ډیو څخه بهیر مواد ښی .

ډایر کتر په عین حال کی ددغو تصویر ونو له منځ څخه دخپلی خوښی تصویر ټاکی اود هغه د ثبتولو امر ور کوی ، نو مو ری به همدی وخت کی چی خپل هنری او خلاق تصمیمونه نیسی ، تخنیکسی ډایر کتر ته لار ښوونه کوی چی هغه غوڅ یا تحلیل کړی او په بله مانا د تولید په جریان کی دخپسر-ونی ادیتنگ هم کیږی .

### د اجرا یا تمثیل دوام:

په پر له پسې توگه تمثیل د ممثیلینو له خوا د کار گردانی او یا اجرا کیدو دیوی ښی او طرزمستلزم او غوښتنو نکي دی چی له سینما څخه زیات تیاتر ته ور ته والی لری ددغی ښی او شیوی امتیاز ونه ډیر دی : ممثیلین کولای شی چی خپل رول په زیاته آزادی سره ولو پوی او له ډراماتیک حالت سره د نورو له نقشونو سره خپل نقش دکمرو د شته والی او په کومیدپی گانو کی له ژوند یو نندار چیانو سره ډیر ښه درک کړی او ویی پیژنی . دغه کار د ممثیلینو له پاره داسی فضا ورپه برخه کوی چی دتیا تر خاصه ځانگړتیا ده .

زموږ ترخپل منځ دیوی په تلویز-یونی کمیډی گانو کی دنداره کوونکو طبیعی خندا چی د تمثیل اجرا وینی او گوری ، څوڅو ځله ترهغی خندا غوره ده ، کومه چی له یوی بلی فیتی او یا بلی صفحی څخه ثبت اودوبلی کړی شی .

له دی څخه علاوه دندار چیانو په مخ کی تمثیل کول ، د ممثل له-پاره د دی زمینه برابر وی چی په خپله خپل بریا لیتوب دنداره کوونکو د خندا گانو په څپو کی ارزیابی او تشخیص کړی او په داسی صورت کی چی که د دی ضرورت ولیدل شی ، اجرا به تکرار شی او دهماغی برخی دو هم تمثیل به له ماسټر ټیپ سره وتړل شی ، په نتیجه کی به هغه اړیکی چی د ممثیلینو و نندار چیانو ترمنځ دیوی ننداری د ښودلو په وخت کی ټینگیږی ، دتلویز یون لیدو نکي او ننداره کوونکی هم د خپرونی د خپولو په وخت کی ، د خپرو نی فوریت اوسمد ستی والی درک کوی او خپل ځان په محضر او ټولنه کی شریک او گډ احساسوی ..

(لطفاً پانه واپړوی ء)

کوم وخت چی ډایر کتر او تخنیکي ډایرکتر غوڅول او پری - کول پیل کوی او یا صوری ائسر ایجادوی ، کاری دما نیتر په پرده کی ، یا په هغه مانیتر کی چی هغه څه ثبتیږی ښی لیدل کیږی ، په هغو کی چی دکمرو دمانیترونو پرمخ او له سته ډیو څخه بهر مو اد لیدل کیږی هیڅ ډول تغییر او بدلون نراخی .

امکان لری خپرونه د ډراما ټیکو لریو پر اساس ویدیو ټیپ شوی وی اود ضرورت په صورت کی دصحنی تنظیم او جوړونی ته تغییر ور کړی شی ، خو ډایرکتر د خپل اد-یتنگ زیاته او عمده برخه د اجرا او یا تمثیل په وخت کی بشپړوی .

د مثال په توگه : دا امکان شته چی دډراما ټیک عمل یوه صحنه له یوی خونې څخه پخلنځی ته تغییر وکړی او ځانگړی او مهمی لری یی وروسته سره ونښلول او وترل شی ، ښایی چی دویدو ټیپ دلید لوپه-وخت کی ډایرکتر یوه صحنه دمنلو وړونه گڼی او پری خو ښ اوراضی نه وی ، تمثیل او ثبت یی ددو هم ځل له پاره وکړی ، خو په عمومی توگه هغه ویدو ټیپ چی په دغی ښه تولید پری د تمثیل په جریان کی ادیت او اجرا کیږی اود ماسټر-ټیپ د تمثیل په پای کی ، یعنی هغه ویدو ټیپ چی ښودل کیږی ، هم بشپړ پری .

دمثلینو او کمره مینانو ځایو نه باید د تمثیل د اجرا د پیل کیدو لخواه پخوا په ډیر احتیاط وټاکل شی ترڅو چی د خپرونی په هره شیبه او خپریدلو کی ، ممثل په داسی ځای کی ولاړ او یاناست وی چی تر نظر لاندی کمره د ډایر کتر د لارښوونی له مخی له هغه څخه عکس واخیستلی شی او یا تری عکس برداری وکړی .

دویو یو ټیپ د ثبتولو له پاره د ښوونی دسم اجرا کیدو په خاطر لازم دی چی هر یو ممثل ، سناریو-گانی ، د اجرا کیدلو ټاکلی ځایو نه چی د فرش او ستیژ د پاسه په نښه کیری ، هم یادته وسپاری او زده یی کړی ، باید دا خبره هم له یاده ونه ایستل شی چی دستیژ د فرش پر مخ دنښی ایښودلو په نسبت ، د ځایونو ټاکل دسا ختمان او تنظیم له مخی غوره او ښه دی ، ځکه ممثلین پرته له دی چی دی ته اړ شی چی د فرش مخ ته سترگی و غړوی ، په آزادی سره خوځیدلی شی .

ډراماتیکی لړی معمولا په وړو برخو کی له پنځو څخه نیولی تر لسو دقیقو پوری ثبتیږی ، که چیرته خپرونه په اوږدو برخو کی ثبت شی ، ممثلین په اجرا او تمثیل سر بیره مجبور دی چی زښته زیات حرکتونه ، او موقعیتونه او زیاتی کلمی یاد ته وسپاری او زده یی کړی همدغه راز دزیاتو اوږدو برخو ثبت د ډیرو اشتبا هگانو درامنځته کیدلو سبب کیری او په داسی یوه حالت کی ډایر کتر دی ته مجبور یریزی چی په یوه غیر حرفه یی تولید او ننداره قناعت وکړی ، او یادبیا ثبتیدلو لگښت په ځان ومنی .

دوړو برخو ثبتول ، ممثلینو او کمره مینانو ته وخت په لاس ورکوی چی دکومی ستو نزی دراییداکیدلو په صورت کی په نورو ترتیبونو لاس پوری کړی او دکمری په پو-

په هغو خپرونو کی چی باید کمری په مقابل کی د تمثیل په طبیعی ښکاره کیدلو یاندي یی په دقت سره قضاوت وشی ، دویو ټیپم فوری او سمدستی لیدنی او مشاهدی قابلیت حیاتی اهمیت پیدا کوی .

**دری کمره اینز تکنیک :**

دځینو تلویزیونی خپرونو د ثبتولو له پاره دډیو الکترونیکی کمروله ډول څخه په یوه پلا استفاده ډیره مناسبه ده ((زمونږ تر منځ دی وی)) دمثال په توگه : لکه ډراماتیکی عملونو ته ورته کومیډی گانی در-

واخله چی دغسی ننداری دکور په یوه محدوده ساحه ، یا سټیډیو کی سرته رسیږی ، چی حالات او فضا هم په سټیډیو کی په موجودو ساختمانونو ، جوړښتونو او تنظیمونو سره رامنځته کیدلی شی او ددری وار د کمری په یوه وخت کی په کار لویږی ، دکومیډی گانو او مو زیکالو نندارو ممثلین ډیره خوځیری خوا په یوه محدوده او تنگه ساجه او برخه کی ، نو ځکه یی زیاتنی صحنی له عدسی او ایډانگل سره لیر دود کیری او یوازی یوشمیر هغه نور ډوله تصویبونه او یا هغه تصویبونه یو نه چی عکس العمل و ښی ، اخیستل کیری او وروسته له هغه په ماسټر کی دننه ټیپ کیری ، دغسی ننداری له دی کبله دویو ټیپم د ثبتولو له پاره مناسبی دی چی د صحنی او اډیتنگ د ترتیب او تنظیم اهمیت یی ، دتمثیلو لود طبیعی ښکاره کولو د اهمیت په نسبت لږدی .

دغسی ننداری له پاره د ثبتولو له پاره د ټیپ کیری او یوازی یوشمیر هغه نور ډوله تصویبونه او یا هغه تصویبونه یو نه چی عکس العمل و ښی ، اخیستل کیری او وروسته له هغه په ماسټر کی دننه ټیپ کیری ، دغسی ننداری له دی کبله دویو ټیپم د ثبتولو له پاره مناسبی دی چی د صحنی او اډیتنگ د ترتیب او تنظیم اهمیت یی ، دتمثیلو لود طبیعی ښکاره کولو د اهمیت په نسبت لږدی .

په سینما توگراف کی ، دهری صحنی فلم څو څو ځله تمثیل کیری او فلم یی اخیستل کیری ، ترڅو چی په را وروسته ورځ کی هغه وخت چی فلمونه له لابرا توار څخه ډایر کتر ته رسیږی ، باید دی چی لږ تر لږه خوی یو فلم دا ډیتنگ او استفادی وپوی .

زیشن او یا تمثیل او ممثل کی تعدیلات راوړی . پداسی صورت کی چی د ثبت له دغی طریقی څخه سمه استفاده وشی ، په عین حال کی چی پروډیو سران کولای شی ، دویو ټیپم یومنی تولید وړاندی کړی ، په دغه صورت کی دننداری دکیدلو طبیعی ښکاره هم تا مینیږی .

**د فوری لیدنی قابلیت :**

په داسی صورت کی چی دشو-ټنگ وخت لږ وی ، دویو ټیپم د نوری لیدنی قابلیت ، هغه ته امتیاز او زیاته برتری او ښیگنه ور ښی ، دخپرونی دهری برخی ښکاره کیدل او اجرا کیدل ، فلم جوړ وونکی او ممثلین هر یو کولای شی سمدستی یی د مانیټرو نو د پری دی د پاسه وینی او په داسی صورت کی که لازم ووینی ، صحنه بیرته ددو هم ځل له پاره اجرا او ثبت کړی .

په سینما توگراف کی ، دهری صحنی فلم څو څو ځله تمثیل کیری او فلم یی اخیستل کیری ، ترڅو چی په را وروسته ورځ کی هغه وخت چی فلمونه له لابرا توار څخه ډایر کتر ته رسیږی ، باید دی چی لږ تر لږه خوی یو فلم دا ډیتنگ او استفادی وپوی .

ډي څنگه چې روح اوساډي د هغو ديالوگ دي ترخوچي دکور ميرمن په داسي حال کې چې دکور چاري سمبا لوي ، هغو ته غوږ ونيولای شي، ددغو ډرا مو بصري اړخ په څرگنده توگه دديالوگ داړخ تر اغيزي لاندې دی او په داسي حال کې چې ممثلين يوله بل سره دډر خوا له کوي او يا خپل دردو نه يوه او بل ته وايي ، کمرې لږ تر لږه پرته له هدف څخه دهغوی تصور پرو نه ليرډوي .

دتلويز يوني خپرونو په نورو ډولونو کې (چې په الکترو نيک ډول سره ثبتيږي) د ډرامې په نسبت، د ليدونکي او اجرا کيدلو تر منځ داړه يکي يوبل ډول موجوديت دی . په هر کو، گر ديو ميزو نو، رنگا رنگ نندارو ، خپرونو اونورو کې داسي نه ښودل کيږي چې د دنورو دژوند انه کتاب دی دندارچي دسترگو په وړاندې پرايستل شي، ددغو خپرو نو گهون کونکي له يو بل سره او له ليدو نکو سره په مستقيمه توگه او ياپه بله مانا مخا- منځ خبري کوي او په عين حال کې د مليو نونوتنو ننداره کونکوله شته- والي څخه باخبره وي ، دويديو ټيپ سمدستي والي او فوريت د يوي وسيلي په توگه ددغسي خپرونوله- پاره هم، هغه ډير مناسب او زيات اقتصادي کوي .

### يو کمره ايز تکنیک يا تخنيک:

په ځينو مواردو کې ، د مثال په توگه : ديوي ډراماتيکي باار زښته او عمده موضوع تفسير او تصوير کې ، دويديو سوچر دري کمره ايزه شيوه مطلوب نشي وړاندې کولای لکه : ويديو ډرام ( نارمن کرون ) چې په هغه کې دکر کټر او ډرام چوکاټ په خاصه پاملرنه او دقت سره په نظر کې نيول شوي ، دديا- لوگ په هره کرښه کې رمزونه ټکي او مانا گاني نغښتي دي اوددغو

کمرې ايښودل او له هغې څخه کې چې دستيژ پر مخ باندې ديوي استفاد هښي او ډيري گټوري نتيجه لري .

سر بيره په دي دهغو لړيو د ثبتولو له پاره چې له ډراما ټيک عمل څخه گړندي دي دمثال په توگه : په څو جگړو کې ، يو کمره ايز تکنیک غوره دی ، ددغسي لړي چې دډنيا- ميکو هيجاناتو لرو نکي وي ادیت کول ، دويديو سوچر په ښه يعنې د اجرا په جريان کې ، گران دی ، ددي له پاره چې دغسي صحنې اولړي په ښه او ډاډه توگه ادیت شي ، که څه هم خپرونه په ويديو ټيپ کې ثبت شي ، بايدې دي چې دسينما يي اډه ټينگ ډول په کار واچول شي او صحنه پر صحنه پسي جوړه شي همدغه راز هغه ډراما ټيکي لري چې صوري عالي کيفيت په کې مراد وي ، په يوه کمره ايز تکنیک سره ډير ښه ثبتيد لای شي .

### دري کمره ايز ويديو کمره ايز ډول :

سره له دي چې يو ښه ويديو ډرام کيدی شي دتلويزيون ددري کمره- ايز طرز ، اود سينما ديوه کمره ايز ډول څخه گڼ جوړ کړی شي ، ډرام تنظيم اودثبت اجرا کول يي په بشپړه توگه د تلويزيون په ښه اړول کيږي او په دريو کمره سره ثبتيږي ، ډايرکټر د کنټرول په خونه کې ، ددري واړو کمره له توليد څخه په استفاده کولو سره او دهغه ما نيټر په وجه چې له سټډيو څخه بهر مواد ده ته وړاندې کوي ، يو بشپړ ماسټر ټيپ منځته راوړي خو په دي باندې په پوهيدلو سره د ډرام ځيني ډنيا ميکي لري اوسلسلي بيابيا جوړيږي ، دالکترو نيک اډه ټينگ له بشپړولو څخه وروسته دغسي او ډراما ټيک اوج خواوي او برخي دو هم ځل تمثليږي .

(نورپيا)

## نظری گذرا بر:

# سینمای تجار تی و هنری

سینما وسایر هنر های تمثیلی واد بی در کشور های رو به توسعه خصوصیت دو گانه داشته و در بخش سینمای هنری و مردمی سینمای تجار تی و بازاری قابل تفکیک میباشد ، کشور ها یکه هنوز هم در تحت یوغ اقتصادی ممالک سرمایه داری قرار دارند هنر سینما نیز همانند سایر اموال تجار تی و سرمایه به امتعه تجار تی تبدیل گردیده و مورد بهره برداری پولی در بازار میشود که این سوء استفاده از هنر سینما به خاطر به دست آوردن پول واز دیاد سرمایه نه تنها هنر سینما را از مسیر اصلی و حقیقی آن منحرف نموده به بیراهه سوق میدهد ، بلکه اثرات بس نامطلوب و ناسالمی را در ذهن تماشاچی ، به ویژه در ذهن کودکان و نوجوانان به جا گذاشته و موجب خسارات عظیم و جبران ناپذیر مادی و معنوی میگردد .

فلمسازان و کارگردانان سینمای تجار تی نیز از رسالت و نقش اصلی خویش منحرف شده و تمام نیروهای خویش را در تهیه فلمهایی صرف مینمایند که به اصطلاح باب روز بوده و به مذاق تماشاچی برابر باشد آنچه ، در این زمینه قابل توجه میباشد این است که فلمسازان و کارگردانان ، سناریست ها صرف

نظر از تمام اصول و قواعد هنر اصیل سینما احساسات ، عواطف و هیجانات ظاهری ، زود گذروانی تماشاچی را ملحوظ نظر قرار داده و زمینه دروغی از ضای تخیلی و رؤیایی عقده ها و کمپلکس های پیرا که طی قرون متمادی ، عقب مانده گمی و استعمار متراکم و ناسالم خود آگاه شده است ، فراهم نموده و تماشاچی را هر چه بیشتر از زنده گمی واقعی و عینی دور میسازد .

سوء استفاده از اساسات و قواعد جامعه شناسی و سایکو - لوژی اساس کار این فلمسازان را که بر بنیاد پول و سرمایه استوار میباشد ، تشکیل میدهد به این توضیح که در جوامع طبقاتی کشور های عقب نگه داشته شده ، آنچه در معن جامعه و ضاحت بیشتر دارد ، عبارات از موجودیت دو طبقه ثروتمند و فقیر که این دو طبقه متضاد در حالیکه نقش تعیین کننده را در مورد سایر واقعیت های

مادی و فرهنگی دارا میباشد ، مبین کلتور ، عادات ، خوراک و پوشاک و سطح زنده گمی متضاد و متفاوت نیز میباشد ، زمینداران و سرمایه داران ، در حالیکه از بلند ترین سطح زنده گمی برخوردار بوده دارای خوراک عالی ، پوشاک ، آخرین مد و موتر آخرین سیستم میباشد ، طبقه فقیر که اکثریت جامعه را تشکیل میدهند ، در فقر ، گرسنگی ، بیماری ، بیسواد و محرومیت های بیشمار فزاینده روانی حیات به سر میبرند به مدلول ناآگاهی و دوری از فرهنگ و دانش جدید بزرگترین آرزو های آنانرا توصل به زنده گمی طبقه بالا و همساز شدن با طرز زنده گمی و برخوردار گشتن از نعمات و ثروت طبقه ثروتمند میباشد که این آرزو های واهی با صد ها عقده و محرومیت روانی که محصول دوران استعمار میباشد دست به هم داده سوژه و موضوع فلم را برای سینمای تجار تی و بازاری بوجود می آورد .

احساس نیاز به وجود قهرمان که عامل عملیات خارق العاده و بی نظیر و نیرو و قدرت او مافوق یک انسان عادی در روان اکثریت فقیر جامعه که سالیان دراز در فقر ، محرومیت ، زورگویی زورندان



و ثروتمندان آن قرار داشته است يك امر عادی میباشد ، مورد سوء استفاده قرار گرفته و زمینه ار ضای آنرا از طریق تهیه فیلمهای مبتذل بارو یداد ها و حوادث غیر واقعی و بازاری مساعده مینمایند ، قهرمان به عوض آنکه عامل مبارزه و قدرت علیه نیروهای شر و طبقات مستبد باشد نقش خود را در رخداد های بسیار معمولی ورو یا بیخام و کودکانه بازی میدارد . چنانکه نقش قهرمان در بسیاری فلمهای تجارتهندی ، ایرانی ، پاکستانی ترکی و سایر ممالک عربی و غیره از اهداف اصلی و مسیر انسانی آن منحرف گردیده و در عملیات مبتذل و بازاری عرض انعام می نماید .

از جاییکه هدف اصلی از تهیه این گونه فلمها جمع آوری پول میباشد لذا فلمسازان نه تنها مفاهیم ریالیستیک و قواعد و اصول هنر سینما را در فلمهای خود رعایت نمی نمایند ، بلکه محیط ، فضا ، صحنه ها و ارتباطات قهرمانان و شخصیت های فلم از جریان طبیعی آن منحرف گردیده و سینمای غیر هنری را به وجود می آورند :

قهرمان فلم نه به صورت يك شخصیت عادی که مولود جامعه به خصوص نظام اقتصادی - اجتماعی معینی است ، عرض وجود مینماید ، بلکه به صورت يك شخصیت غیر طبیعی و فوق العاده که عملیات و نقش او ممثل رویاها ، آرزوهای طفلانه ، بچه گانه ، خام و غیره - واقعی میباشد که خوراک خوبی را برای اشتها ی اکثریت بیسواد و نا آگاه تشکیل میدهد ، سینمای تجارتهندی کشور های رشد نیافته به مقیاسی که از نظر شکل و اساسات و قواعد هنری سینما به دور است ، به همان میزان مفهوم

و مضمون نیز از سلامت و صداقت و ریالیزم دور بوده و بمحتوای مفهوم مضمون غیر عادی و بر خورد ها و حوادث تقدیر در سطوح غیر عملی آن استوار میباشد ، عقب افتاده گی وعدم رشد که در سطح و ابعاد مختلف نظام اقتصادی و اجتماعی جامعه عقب مانده استوار است به موازات کندهی رشد و ترقی تسلط رسوم ورواچه های کهنه و منفی را مسلط گردانیده مظهر محرومیت های بسیار روانی و اخلاقی می گردد که در این ضمن میتوان دوام و محرومیت از عشق و دوستی سالم زن و مرد از یکطرف و آرزوی کودگانه مبنی بر ازدواج با دختر و یا پسر ثروتمند از جانب دیگر از جمله مفاهیمی است که در مضمون فلم های تجارتهندی به ملاحظه می رسد .

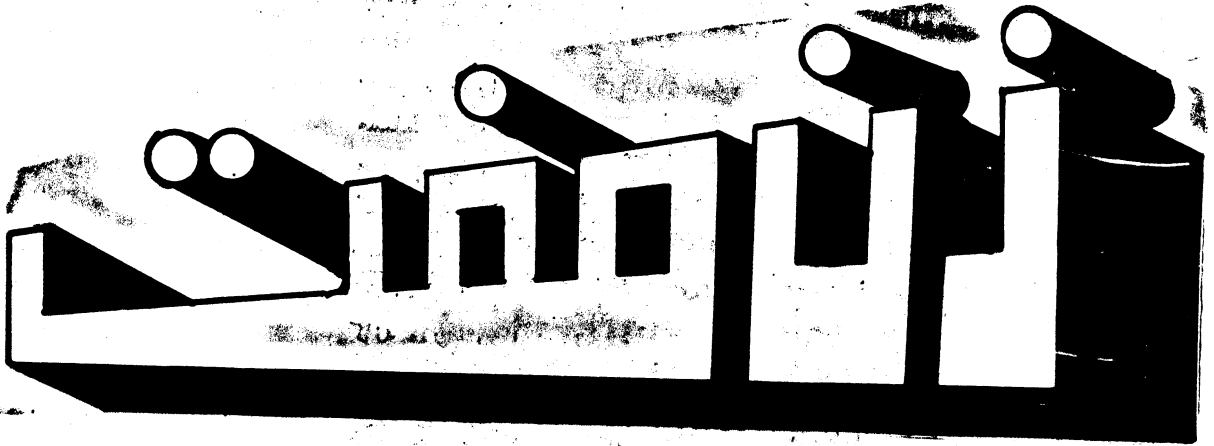
ظهور قهرمان از طبقه فقیر و بر خورد او بادوشیزه یی از خانواده ثروتمند و طبقه بالای جامعه و اجرای يك سلسله عملیات خارج - العاده و قهرمانی در سطح ابتدایی بالاخره آشنا شدن و عاشق شدن ازدواج و وصل این دو شخصیت از دو طبقه متضاد مسیری است که در بسیاری از این فلمها متن داستان را به وجود می آورد .

آنچه هنر اصیل حکم میکند تراکم هزارها شخصیت و حتی بیشتر از آن در وجود يك شخصیت

و تبارز او در مضمون ریالیستیک در چوکات طبقه قشر و یا گروه مخصوصی میباشد که تمام صفات و خصوصیات آن طبقه ، قشر و یا گروه را دارا بوده و به موازات مقدمات آن طبقه نقش و رول خود را ایفاء نماید . در حالیکه چنین است که در جوامع عقب افتاده نقش اصالت و نجات خانواده گی و خاندانی و نیز رول اقشار و گروه های مردم که در سطح پایین جامعه قرار داشته و حتی با بعضی از این اقشار مصادف شرت کردن و حرف زدن جزء محرومات میباشد (گروه نجس ها درهند ، جزء ساخت اجتماعی و جریانیان اجتناب ناپذیر ارتباط سو - سوسیولوژیکی جامعه عقب افتاده میباشد .

لهدا باتوجه به اصول و قوانین سوسیولوژیکی حاکم در جامعه عقب مانده ، از دواج و وصلت افراد بین طبقات و اقشار متخاصم از دیدگاه هنری غیر متحمل می نماید ، اما فلمسازان سینمای بازاری علی الرغم این اصول و اساسات علم الاجتماع ، پیوند ها و مناسبات را در سنا ریو طوری - عیار مینمایند که خلاف تمام قواعد و دستاویز جامعه شناسی گروه های متخاصم را آشتی داده و خلاف منافع طبقاتی آنان که اساس آرزو ها و اهداف اصیل آنها را تشکیل میدهد ، از طریق قهرمان - سازی در مجرای مبتذل زمینه - وصلت و نزدیکی را بین گروه ها و اقشار متخاصم میسر مینمایند .

افزون بر این دو فکتور قهرمان - سازی در سطح ابتدایی و آشتی طبقات و اقشار متضاد که در مفهوم و مضمون فلم های تجارتهندی جوامع عقب مانده به مشاهد می رسد آنچه به صورت کل و مجموع قابل



اند . اما آنها همیشه از جا نسب دختر دار ها نسبت به پسر شان سخنان زشت و اهان ت آمیز میشنیدند :

- به رووف چشم سفید ، ای دشمن خدا و رسول ! کی دختر میتنه؟ آدمی که پدرش با او ضعیفی و پیری قلبه میکنه ، بیل میزنه ، درو میکنه ؟ ده افتو ترق تابستان جان میکنه و تان پیدا میکنه ، زن و بچه های خوده تان میتنه و ، ای کنه سوته جوان با او تنه و توشه از حاصل کار پدر ، چپن ابریشمی و لنگی پهلوی میخره و دپ میکنه ، ده تخت سماوار کاکا قدرت میشنینه و روزانه سه - چهار خوراک کباب زهرجان میکنه و دوسیه های دزدی و شب گردی ، زنا کاری ولوا - طت ! خوده از پول جیب پدر (پلپوت) میکنه ، کس دختر خوده به ای طور آدم میتنه ؟ دختر کسی خو از او (آب) نیامده که ده آتش تندور بیندازیش !

سال ششم شماره ( ۷ - ۸ )

لند کی و مفت خورو بیکاره و بند گرد که باهر کنه و لوند ، شب - گردی داشت ، خویشی کنه ، به هر خانه و به دختر هر کس که پدر و مادرش گپ میماند ، خواستگار میفرستاد ، به خواستگار هیچ عزت و آبرو باقی نمی ماند و شر مننده شده و پس سر خود را خاریده هاز راهی که آمده بود ، پس میرفت ، زیرا از کدام عمل نیک ، از کدام عادت خوب ، از کدام کسب و کمال و هنر او میتوانست یاد آوری کند و به رخ پدر و مادر دختر بکشاند .  
خودش اصلا به فکر زن گرفتن و صاحب خانه و بچه دار شدن نبود و هزار بار مجردی را از زن داشتن و بار خرچ و خوراک راکشیدن ، ترجیح میداد . مادرش برای اینکه او را از گمراهی و بد گردی نجات داده باشد ، کوشش میکرد با او را به دام از دواج بیچاند تا سرش به کار و بار زنده گی خم شود . زیرا اکثر جوانانی از این قبیل را دیده بود که باز ن گرفتن اصلاح ! شده

شف لنگی پهلوی اش تا پشت پایش میرسید . پیراهن و تنبان خامک دوزی از کتان سفید و جلیک ابریشمی اش ، در بین همه جوانان و موسفیدان قریه ، او را از دیگران متمایز میساخت . در خانه ، مادر ، برادر ، خواهر ، زن و سه چهارتا بچه و دختر قدونیم قد و کلمه گوی و نان خور و آب خور خودش ، نه به شکم تان سیر میخوردند و نه لبنا - س مناسب به پوشیدن میافتنند و اگر میافتنند هم ، پاره پاره و هزار پینه و بخیه میخورد و روزانه هزار طعن و لعن و داو دشنام زن و بچه ، کوچه گی ها و همسایه ها درغیا - بش نثار او میشد . اما در حضور خودش کی جرأت داشت که کلمه خود را سر چپه بخواند ، مگر زبان گفته گی را از کامش بیرون میکرد تا سن سی - سی و دو ساله گی هم که رسیده بود کسی دخترش را برای او به زنی نداده بود . حتی نزد یکتترین دوستان و خویشاوندانش حاضر نشدند به این مرد

رؤوف در شهر و بازار، در کوچه  
وقریه به نام رؤوف «سبز» مشهور  
بود و سی و دو سال عمر  
خود را به همین قسم گذشتانده  
بود. تا اینکه «عایشه» دختر ارباب  
قادر که او هم به سن سی و پنج  
ساله گمی رسیده بود و پای خوا-  
ستگاران از طلب کردن يك لك  
افغانی توپانه و پیشانی ترشی  
ارباب پدرش از خانه شان جمع  
شده بود، بدون رضایت پدر و  
مادر، با رؤوف عروسی کرد.

رؤوف وقت و نا وقت به خانه  
آنها میرفت و با بچه ارباب (غلام  
منقه) که در بد گردی، مانندی  
نداشت، رفاقت داشت. و خواهرش  
رؤوف را که با او به خانه شان  
رفت و آمد میکرد، دیده و زیر نظر  
گرفته بود و چنین فکر میکرد که  
رؤوف با چنین عبا و قبا حتما آدم  
پولدار و با غیرت و صاحب-  
نان و دستر خوانی است، و حرف  
هایی که درباره او مبنی بر ناداری  
و غریبی اش میزنند، شاید از  
نتیجه خصومت های شخصی باشد.  
لذا از همین ارتباط ها استفاده  
کرده، خاک به چشم پدر و مادر  
و نام و نشان آنها زده، بدون خوا-  
ستگاری و چون و چرا مخفیانه به-  
خانه رؤوف رفت. دختر کم کم حس  
میکرد که پیر نا شده و لذت جوانی  
وزنا شوی را نا چشیده، موی  
سرش به سفیدی گراییده و دندان  
هایش آماده افتادن است. لذا  
افتادن لنگی غیرت پدرش به زمین  
پیش او مطرح نبود و او تنها به سر-  
نوشت غم انگیز و سوگمنده  
خودش فکر میکرد که جوانی از دست-  
رفته باز نمی آید.

يك شب مهتابی که ماه دردل  
آسمان میدرخشید و ستاره گان  
چشمک زنان به سوی آدم لبخند  
میزدند، «عایشه» که قبلا زمینه  
رامسا عد ساخته بود، بقیچه و

پندگی خود را با مقدار ی پول نقد  
که پس انداز کرده بود، تادرجین  
روز مبادا کار بیاید، از خانه پدر  
برآمده، به خانه رؤوف آمد. اتفاقا  
همان شب رؤوف به خانه نبود  
و مادر پدرش از اتفاق افتادن این  
حادثه، نهایت نگران شدند.  
مادر رؤوف عایشه را ملامت کنان  
گفت:

دختر جان! تو لنگی مردی و  
نام و نشان پدرت به زمین نزن،  
ای کار بسیار عیب اس، پیش  
همسایه ها چه بگوئیم؟

عایشه باگریه در حالیکه سرخود  
را روی شانه مادر رؤوف گذاشته-  
بود، التماس کنان گفت:

مه رؤوف را دیدیم، با او گپ  
زدیم. حالی از خانه پدرم پتکی  
آمدیم، چطور میشه که پس بروم  
مره برادرم میکشه، میفهمی او هم  
کم از رؤوف نیس. شما را به خدا  
مره ننگ و ناموس خود بدانین،  
مره از خاننی تان بیرون نکنین  
که ...

نی دختر، مه خودم تره خاننی  
تان میبرم، از پدرت خواستگاری  
میکنم و با عزت و با آبرو پس می  
آرمت. ای کار بسیار بد اس، ما  
غریب مردم استیم، با کسی دشمنی  
کده نمی تائیم.

نی، نی مادر، مه خاننی مان  
نمی روم، مه ده خاننی تان ننگ  
آوردیم، ننگ! شما نترسین مه  
پیسۀ عروسی و خرچ خوده هم با  
خود آوردیم. مه که را ضی باشم،  
پدرم شمارا چیزی کرده نمی تانه.  
فردا که رؤوف آمد، آمدن دختر  
ارباب رابه خانه خود سرافرازی  
و نتیجه شجاعت خود تلقی کرده  
و جواب دادن او را به خود شرم و  
ننگ دانست. فردا شب ملای  
مسجد و چند نفر موسفید قریه را

دعوت کرده، عایشه را به عقد نکاح  
خود در آورد.

مردم قریه اعم از خورد و کلان  
ازین چانس آوردن و صاحب زن  
شدن رؤوف، انگشت حیرت به-  
دندان گزیدند که چگونه خداوند  
مفت و رایگان زنی به این زیبا یی  
را که در تمام قریه آنها مشالشی  
دیده نمیشد، نصیبش ساخت.

مادرش که یگان وقت میگفت  
اگر رؤوف بچیم صاحب زن و  
اولاد شود، سرش به کار و بار  
زنده گمی خم میشود، همه به هوا  
رفت و رؤوف از آن کاکه هایی  
نبود که به ساده گمی شانها ییش  
را زیر بار زنده گمی خم سازد.

عایشه دختر ارباب که چنان  
روز و گذران را در طول چند سال  
از دواج خود با او دید، و حالا که  
صاحب چند تا کلمه گوی هم شده  
بود و رؤوف از شبگردی و کاکه گمی  
بیجا بس نمی کرد، همیشه باگریه  
و طعنه آمیز به رؤوف می گفت:

ده گور بخت و طالبیم، مه به  
چه هوس و آرمان ده خانه تو آمدم  
نام و نشان پدره به زمین زدم که  
همراه تو آرام شویم، آخر شچی  
شد؟ خوده به دسته به آتش اندا-  
ختم، مه چه میدانستم که تو کاکه بی  
پول و بی روزی هستی!

این حرفها به گوش رؤوف  
بسیار بد میخورد. اما چاره چه  
بود که خود کرده را نه دردی بود  
نه در مان، در حالیکه در بیرون  
از خانه، در کوچه و بازار، ازین  
بالا به اوسخن بد گفته نمی توانست.  
وقتی در بازار سرتخت کاکا قدرت  
سماوار چی که جای جمع شدن  
جلمبرها و بدگردها بیکاره ها  
بود، رؤوف مینشست و مثل پلنگ  
در میان شان میفرید و لاف و  
پتاق میزد، دهن همه بچه ها و را-  
هروها يك بلست باز میماند ...

(پایان)

# طنز طنز

## اعتاد یک نماینده

اناسر عقب مکرو فون قرار گرفت و در حالیکه دهنش یک جریب به خنده باز بود، یکبار با نگاه جستجو گرانه به حاضرین (که پیش از بیست نفر در تالار نبودند) نگاه کرد و گفت:

«کارکنان... ننداری افتخار دارند که برنامه های جا لب و نما- یشات انتباهی، اجتماعی و انتقادی خواندنها و رقص های مقبول! به شما حاضرین گرامی امشب تقدیم می کنند. حال از... آواز- خوانی با استعداد و حنجره طلایی! خواهش می کنیم روی ستیز تشریف آورده با آهنگهای شاد و مست خود شمارا لحظه یی شاد و مسرور نگه دارد.»

آنگاه یک دختر قد کوتاه و چاق که لب و روی خود را بیش از حد آرایش کرده بود و درست به یک کاریکاتور میماند، خرامان - خرامان روی سن ظاهر شد. تمام گوشه ها و کنارهای تالار را با دقت نگاه کرد و چون بیش از بیست نفر تماشاچی را در تالار پنجصد نفری ندید، پر تکی کرد و چپتن

پیشانی اش لحظه به لحظه قزونی یافت و در حالیکه پاهایش در نزدیک شدن به مکرو فون سستی میکرد، (مایک) را به دست گرفت و اولین آهنگ خود را از آهنگهای شاد - روان احمد ظاهر انتخاب کرد. در آن حالت اگر احمد ظاهر زنده می- بود و آهنگش را از زبان این هنر- مند (مقلد، با استعداد! خلاق! و تازه به دوران رسیده که هم کمپوز و هم اشعار را مسخ کرده بود، می- شنید، بدون شك از آواز خوانی دست میکشید.

بعد از يك دو آهنگ آوازخوان بسیار انتظار کشید که از طرف تماشاچیان استقبال شود. اما کسی کف خیراتی! هم برایش نزد. به تعقیب آن آوازخوان دومی سومی و چهارمی و استقبال هرگز نبود که نبود یگان تماشاچی که آواز- خوان را کمی مقبول تر و بارنگ و روغن تر میدید. یگان بار نا- آگاهانه کف میزد. و چون تماشا- چیان همان تماشاچیان بودند که هزار و یک بار آمده و همین آهنگها

و برای بار صد م و هزارم شنیده بودند، این آهنگها هیچ چنگی به دل آنها نمیزد. یعنی در کار آنها هیچ ابتکار و نوآوری (در آهنگها و در کمپوزها) دیده نمیشد.

با گذشت لحظه ها گاهی بر تعداد تماشاچیان افزوده میگردید و زمانی از شنیدن این تکرار مکررات یگان نفربا دلنگی تالار را ترک گفته و هنگام بیرون بر آمدن هزار تف و لعنت بر خود، بر خواننده و گرداننده آن می فرستاد و چنین به نظر میرسید که به جای اینکه ذوق زیبا پسندی و هنر دوستی اش تلطیف و ارضاء شود، نفرت و بی باوری اش نسبت به هنر و هنر- مند زیاد تر میشد. یگان تماشاچی از یگان گوشه و کنار با خشم میگریه: بس کو... ف... بس که نام خواننده ره بد کدین! بان که یگان رقص باشه.»

در دو کنار تالار دو نفر آدمهای مشخص هم نشسته بودند که توجه (دنباله درس ۵۹)

نویسنده: یاسن انتوف



# الوداع ای (دوستک)

ترجمه لهرالی

آنها مست میکردند و بعد نا وقت شب که در موتر م جا میگر فتنند از بس مست میبودند ، در ائنا ی راننده گی ، مرا ققتک میدا دند ومن ضعف از خنده آنها را می-بوسیدم . جالب اینست که وقتی دوستی را با آن حال و وضع به خانه-اش میرساندم . همسر او داد و فریاد به راه میانداخت . آخر هم کوزه و کاسه به سر من میشکست و تمام ملامتی به گردن من بود که گویا شوهرش را از راه کشیده ، مثل خوک مست ساخته ام .

زنها زود شوهران خود را عفو میکردند و این دوستان هم وقتی میدیدند که زنهای شان به عوض آنها به من دشنام میدهند ، خود رابه خواب زده کم از کم دفاعی از من نمیکردند . و تقصیر من همین بود که رفیق مست خود را به خانه اش میرساندم . چون از بخت بد موتر داشتم .

شبی بایکی از دوستان دورۀ مکتبم رو به رو شدم . او چنان مست بود که قیافه یک قیچ احمق رابه خود گرفته بود . کومه هایش از فرط مستی سرخ و آتشین بود .  
«دنباله درص ۵۹»

آنها را به هر جایسی که میخواستند ، میرساندم . حتی خوشبشا و ندان شانا را به هر جا میبردیم . اگر کدام محفل عروسی میبود ، باید میرفتم و موتر م را گلیوش کرده دم دروازه عروسی ایستاده میکردم . اگر فاتحه میبود همین دشواریها را داشتم . اگر زن دوستی به شفا خانه میرفت بازهم من در خدمتشان بودم و چندروز بعد خانم آن دوستم را با نوزادی دوباره به خانه شان میرساندم . دلم خوش بود که موتر دارم اما به کلی از کار و بار اصلی ام مانده بودم . روزی نبود که دوستی صدا نکند ...

- فلانی جان . ماوشما مهمان هستیم ... میله میرویم .

بلی و آنوقت من با موتر م دوستان را به مهمانی میبردیم و در بازگشت یکه یکه هر کدام رابا ید به خانه اش میرساندم . همیشه یک گپ در گوشم زنگ میزد :

- کاری نکن که رفقاییت بگویند چقدر نادیده و گرسنه چشم است ، بایک موترک خودخود را اینقدر میسازد .

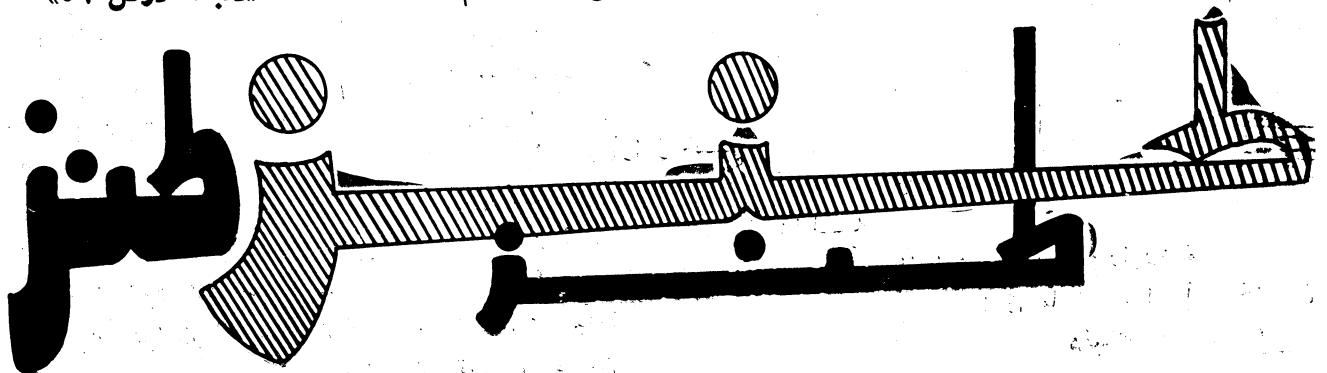
هیچ شبی نبود که با چند دوست و آشنا در رستو رانی نباشم .

من کدام تغییری نکرده ام همان آدمی هستم که بودم . همان طور لاغر باسگری در گوشه لب و مجرد مثل گذشته . اما حالا نامی دادم که چرا مردم در کوچه و بازار برایم سلام نمیدهند .

من ، رفقای زیادی داشتم . اما حالا... حالا یک دوست هم ندارم که بگوید : «فلانی چطور هستی ... ؟»

شاید بیرسید : پس دوستان تو چه شدند و چرا ترا ترک گفتند : قصه از اینقرار است که : من یک تکت لاتری خریدم بلی تقصیر همه به گردن همان تکت لاتری است . زیرا اتفاقاً گپ فروشنده لاتری که از روی بازار تیزی گفته بود ، حقیقت پیدا کرد و من برنده یک موتر تیز رفتار شدم . بلی بدبختی من از همین روز آغاز شد . اگر میدانستم که موتر برایم اینقدر درد سر می آورد ، چندگیلن پترول رابه تانکی آن نینداخته بلکه بالای موتر میپاشیدم و آنرا آتش میزدم .

از روزیکه صاحب موتر شدم ، بودم . برای دوستانم من دیگر یک دوست نی بلکه در یور شده بودم .





# آواز خوانی...

در شعری که آواز خوان می خواند از سویری آستایی، انستره و نغمه باید هم آهنگ و متوازن باشد مفا هم عا طفی شعر باشد و از سو دیگر آهنگ در کلیت خود بنوا ند همه لحظا ت عا طفی شاعر را با زتاب دهد، نه آنکه از سو یی آواز خوان، شعر را نادرست بخواند و از سو ی دیگر توازن و هم - آهنگی میان شعر و لحظا ت آهنگ وجود ندا شته باشد که در چنین شرایطی، چه بهتر که چنین آهنگی هرگز به اجرا نیاید.

- چنین پیدا است که توبه فراوانی خواستار و علاقه مند شعر مولانایی و این، سوالی را به طرح می آورد به این گونه که چه شناختی از شعر مولا ناداری؟ عمده ترین و یژه گمی های شعر مولا نا از نظر تو در چه مواردی خلاصه میگردد؟

- شناخت شعر مولانا کاری دشوار است، آن چنان دشوار که کار هر کس نیست و سا لهامطالعه و تحقیق و شناخت راستین تصوف و عرفان را لازم دارد، اما تاجایی که این شناخت برای آواز خوانی که شعر او را از مزمه میکند، لازم است، باید بگویم شعر مولانا شعری است انسانی، در شعر این ابر مرد عرفان عشق با آدمیت و انسانیت موج می زند و گاه به دریایی تو فنده بدل میگردد که امواج تند و سرکش احساس در آن درویم میغلند و خواننده را به مرز خود شناسی میکشاند.

- به عنوان یک جوان آگاه نظرت در باره موسیقی جوانان

چيست؟ و در آن معایبی وجود دارد؟

- برای جوانانی که رو به موسیقی می آورند، یا زمینه های رشد استعداد وجود ویا خیلی کم وجود دارد، جوانان ما بدو نشك سرشار از استعداد های گونه گونند.

- استعداد هایی که باید به باروری آیند و شگرفه دهند، برای شگرفه دهی استعداد های جوانان در موسیقی، باید کورس های کوتاه مدت و دراز مدت آموزشی داشته باشیم، باید سالونهای مشق داشته باشیم، باید زمینه های رهنمایی فراوان داشته باشیم و باید از همه امکانات برای به وجود آوری زمینه های رقابت سالم میان جوانان و تشویق آنان استفاده گردد، در این صورت است که جوانان ما میتوانند استعداد های شان را هدر ندهند و جامعه میتواند از این ذخیره تمام نشده نی به فراوانی سود برد.

- عمده ترین اهدافت از تشکیل ارکستر ((باران)) چه بوده است؟

- اینکه در حد خودم به عنوان یک جوان برای جوانان کاری را به انجام آورده باشیم، اینکه صدای جوانان را، استعداد جوانان را و خواست جوانان را از طریق این ارکستر تبارز داده باشیم و اینکه نشان دهم اگر زمینه های کار آفریننده برای جوانان وجود داشته باشد، آنان میتوانند خود را و هنر خود را تبارز دهند.

- در ارکستر ((باران)) چه کسانی عضویت دارند؟ نوازنده گان آن کی ها اند و آواز خوانان آن کیمها؟

- در این ارکستر، اسدالله بدیع اکیوردیون و استر نیگ میلود مینوا زد، نجیب رستگار توله، حسین رنجبر ماند و لین،

عتیق گیتار کلاسیک، محمد عارف طبله، احسان نعیم، پیانو، خلیل سه تار نواز، وحید صابری، مختار مجید، جاوید راهی، هارون و خودم نیز آواز خوانان آن به شمار میرویم.

افزون بر اینان، نا شناس، استاد مهبوش و ظاهر هویدا گاه گاهی دعوت ما را پذیرفته و در ارکستر ما به حیث مهمان اشتراك کرده و آواز خوانی مینمایند.

ما، در آغاز تصمیم داشتیم و اکنون هم تصمیم داریم که رباب و دهل نیز شامل آلات سازی ارکستر ((باران)) گردد، امامدیریت موسیقی تلو یزیون در این باره مشکلاتی داشت که تا کنون هم حل نگشته است، در حالیکه وجود این دو ساز در ارکستر ما امری ضروری محسوب میگردد.

- سوی آنچه از تو پرسیدم و به آن پاسخ گفتم، چه گفتنی دیگری داری که من آنرا طرح نکرده باشم؟

- اینکه در شرایط انقلابی کشور، در شرایطی که همه چیز بازسازی میگردد و جامعه به سوی رشد و باروری روان است، هر چه زودتر باید به حال موسیقی ما و بالاخص موسیقی جوانان فکر شود و تنها فکرنه که باید کارها یی نیز به انجام آید. دیگر نباید گذاشت که جوانان ما از زیر بوته بر آید و در زیر بوته بمیرد، جوانان ما نباید چون علف خود رو باشد و ناپدیدان همه استعدادها به هدر رود؟

ما میتوانیم با همین داشته های خود، واقعاً به موسیقی کشور سرو سامان دهیم، مشروط بر اینکه جوانان ما بیشتر از این در پی فهمیدن باشند و استادان بیشتر از این جوانان ما را رهنمایی کنند استادان ما نباید از آموختن

برك فلم (اتحادیه كارها ی بزرگ) را ساختند كه يك ملو درام رمانتیک از وقایع نهضت انقلاب دیکامبريست هادرسال ۱۸۲۵ - است. نخستین فلم حقیقی و مستقل (یعنی بدون اشتراك اتحادیه هنر - مندان عجیب کوزینتسوف و تروبرك فلم (بابلیون جدید) و (بابل جدید) بود. قصه فلم درباره كمون پاریس است كه هم به وقایع تاریخی آن زمان شوروی تطابق داشت و هم معنایی جدید به روان - شناسی اجتماعی و سیاسی روز - میداد.



نسل سالهای (۱۹۲۰ و ...)

اتحاد شوروی، قدرت فوق العاده به وجود آوردن، بنیاد گذاشتن و ساختن را داشت. درسایسهای (۱۹۳۰ و ...) کوزینتسوف و تروبرك دست به تجربه جدید زدند. و فلم دنباله داری از زنده گمی یکی از قهرمانان انقلاب به نام (ماکسیم) ساختند. ماکسیم البته شخصیتی تخیلی بود و زنده گمی او از زنده گمی چند انقلابی واقعی ساخته شده بود. این فلم هابه نام جوانی ماکسیم (دنباله ص ۷۱)

نمیدهند اما بعد از ساختن این فلم - ها شور و شوق آموختن و تجربه - گیرانه ((کوزینتسوف)) و ((ترو - برك)) نیز کمتر شد. با ساختن فلم برادر ك درسال ۱۹۲۷ دو باره علاقه آنها به هنر، مستقیماً بیشتر شد و محبوبیت زیادی حاصل کردند. ((برادر ك)) فلمی است كمیدی درباره عشق راننده سر - ویس به يك را ننده زن ترا موا. درسال ۱۹۲۹ کوزینتسوف و ترو -

گودر آنجا همه تخنیکها و فن تیاتر را تجربه می کردیم و میکوشیدیم به شکل جدیدی كه بیانگر احساسات زنده گمی نوین مردم ما باشد، دست یابیم، آثار آن دوره مابدون توجه به این حقیقت، بی معنی به نظر میرسند)) در همین تیاتر بود كه آنها از قسمت های کوتاه و بریده شده فلم نیز استفاده می کردند و چون گروه شان از هم جدا شد او می گوید:



((تروبرك و من از يك جا به جای دیگر میرفتیم و از يك كار به كار دیگری رجوع می کردیم. تا اینکه بالاخره به سینما روی آوردیم. از تمام تجربیات اتحادیه هنر - مندان عجیب و در فلم های ما نند (لنینا برنا وقت) سال ۱۹۲۴، (میشكه علیه یود نیچه) و (عرابه سلطان) ۱۹۲۵ كار گرفته شد.

داستان پالپوش اثر کوگل را طوری تهیه کرد كه از آن، يك اثر فانتیزی اكسیر سیو نیستی با فضای هو فمانی به وجود آمد. البته این فلمها را امروز نشان

عكسهای این دو صفحه، گوشه هایی از فلم «هاملت» را نشان میدهد

(دنباله از ص ۴۹)  
**نظری گذرا...**

دید است عبارت است از جریانی لو مینیزم و تمثیل اقسا ر و گروه های اجتماعی است که در واقع در حاشیه اجتماع قرار داشته و عبارتند از دزدان، آدمکشان، قطاع-الطریقان، روسپیان، گدایان و غیره اشخاص گروه هاییکه در چرخ تولیدی جامعه کوچکترین رول نداشته و مدارك عایداتی و زنده-گی آنها از مجاری غیر مشروع و طرق غیر اخلاقی استوار می-باشد.

در واقع (لو مینیزم) فکتورهای عمده را در مضمون فلم های تراجدی رتی و سینمایی غیر هنری تشکیل میدهد که عقده ها و آرزوهای غیر واقعی و نوروتیک را در تماشاچی بیسواد و نا آگاه تحریک کرده و زمینه ارضای تخیلی و رویایی این عقده را به وجود آورده و در عین حال به میزانیکه عقده های سرخورده و آرزوهای سرکوفته را به صورت دروغین و در عالم جریانی لو مینیزم و بیکاره گی و تبیلی و میخواره گی و پناه به مخدرات و زنده گی مفت و مجانی و تفیسی را در تماشاچی بیسواد قوت میبخشد.

( ادامه دارد )

**یادداشت نویسنده:**

- در نگارش این مقاله از کتب ذیل استفاده شده است:
- ۱- ضرورت هنر در رولند تکامل اجتماعی.
  - ۲- نژاد پرستی و فرهنگ.
  - ۳- کشور های توسعه نیافته.
  - ۴- وسایر مقالات علمی و تحقیقی از منابع داخلی و خارجی.

سال ششم شماره ( ۷ - ۸ )

عادت روز را تقسیم بندی نموده و به همه کارهایش با حوصله و افر رسیدگی میکند.

کارلوس دانیلیان در مورد زنده-گی خود میگوید:

من بدون نوآوری و اختراع زنده گی کرده نمیتوانیم، زنده گی من طوری عیار شده که باید هر-روز کمپوزی تازه داشته باشم یا اختراع نوی. در این او آخر کشتی جدیدی را طرح نموده ام که با آن میخواهم به دور دنیا سفر کنم.

این کشتی با انرژی امواج فعال-لیت مینماید. در ضمن یکی از نو-آوری های دانیلیان اختراع پنس (انپور) مخصوص است که با آن میتوان بدون عمل جراحی سنگ های گرده را شکستاده و از بین برد.

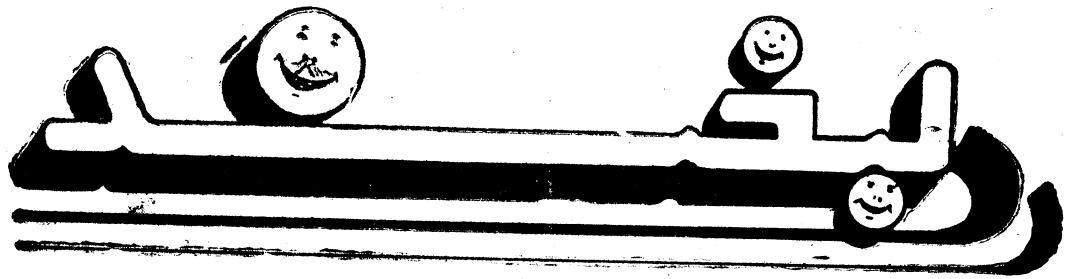
کارلوس همه این کارها را برای رفاه و آسایش مردم مش انجام داده و البته همان طور یکه از مردم آموخته، برای مردم باید به کار برد.

(دنباله از ص ۲۲)

**مرد یکه هم...**

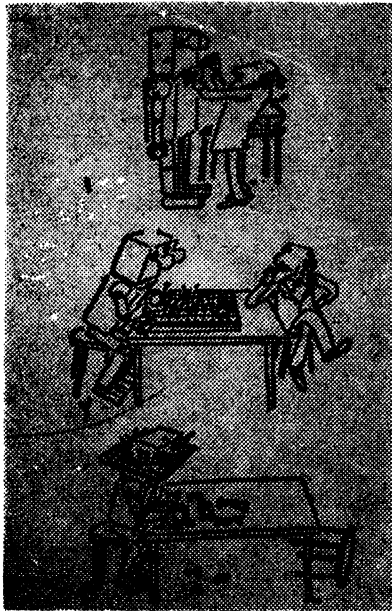
طوری بست که هیچ نقصی در آن به وجود نیامده و از آنروز به بعد در خانه دانیلیان همیشه سامان و آلات برقی همسایه ها که ضرورت به ترمیم داشتند، دیده میشد و کارلوس کوچک نیز از عمده ترمیم همه این آلات به خوبی بدر می آمد. این علاقه-مندی سبب شد که کارلوس به تحصیلات عالی تری در این مورد ادامه دهد، تا اینکه انستیتوت میخانیکی را با درجه لیسانس پیروز مندانه به پایان رسانده و به حیث انجینیر میخانیک و یک موسیقیدان ماهر به فعالیت آغاز نمود. اندک مدتی از فراغت کارلوس از انستیتوت نگذشته بود که باز هم علاقه مندی تحصیل در کارلوس شروع به تحریک نمود، این بار کارلوس به پیشه پدرش که یک داکتر طب بود علاقه مند شده و یکبار دیگر محصل شد. و انستیتوت طب دولتی را با درجه خوب به پایان رساند.

اکنون کارلوس دانیلیان با هشتاد اختراع و نوآوری داکتری است و رزیده، موسیقی دانی است پر تحریک، و انجینیری است با تجربه. او هر سه شغلش را با علاقه مندی خاص دنبال میکند و برای هر یک از این سه رشته اش، ارجی ویژه قایل است، همه-سا-



## در اتاق عملیات

داکتر دستیارانش در اتاق عملیات به دور  
بیماری جمع شده و آماده جراحی بودند .  
مختص بیوشی از داکتر جراح پرسید :  
- قربان بیمار را بیوش کنم ...  
- نه لازم نیست .  
- چرا ... ؟  
- چون تا او مارا دید خودش از ترس  
بیوش شد ... !



از بالا به پایین - بدون شرح

## وقت چینن گیلاس

خانم معلم هنگام درس دادن پس از شرح  
مفصلی در باره چهار فصل و میوه های هر یک  
از فصول رو به یکی از شاگردان کرده، پرسید:  
- خوب پسرم بگو بینم موقع چینن گیلاس  
چه وقت است ؟  
شاگرد بلافاصله جواب داد :  
- خانم معلم ، موقع چینن گیلاس وقتیکه  
باغبان سگ نداشته باشد و خودش هم به باغ  
نماند ... !

سال ششم ، شماره (۵۳)

## امید خانم

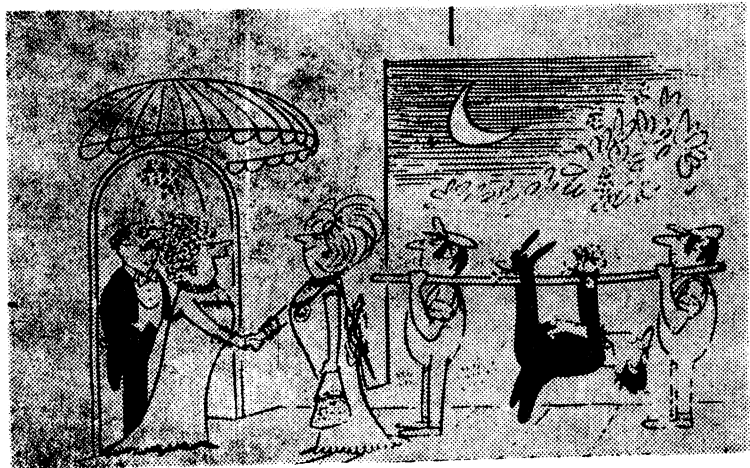
خانم جوان که شوهر بیرو نرو تمندش  
در حال احتضار بود ، از دکتور پرسید :  
- دکتور صاحب آیا امیدی هست ؟  
دکتور لبخندی زده ، پاسخ داد :  
- بسته به این است خانم که شما به  
چه چیزی امید داشته باشید ...

## بیماری خسیس

پسر مرد خسیس اسکا تلندی سخت بیمار  
بود، برایش داکتر آوردند . زنتش با آهسته-  
کی در گوش داکتر گفت :  
- داکتر حال شوهرم خیلی خراب  
است ؟  
- فکر نمیکنم !  
- ولی از نفس نمیگذرد . مثل اینکه مرده  
باشد ؟  
- نه . اکنون امتحان میکنم ...  
بعد داکتر با صدای بلند گفت :  
- باید فوراً این آمپول را تهیه کنید ،  
قیمتش هم صد و بیست دالر است ...  
پسر مرد از جا بلند شد و گفت :  
- نه ... لازم نیست آمپول را تهیه کنید،  
من حالم کاملاً خوب است !

## پسرک يك شكار چی

پدر آلن شكار چی بود و البته مثل اغلب  
شكار چیان دروغ هم زیاد میگفت ... روزی  
درصنف درس ، معلم از آلن پرسید :  
- پسر م ، بگو بینم اگر پدرت يك  
خر گوش امروز و يك خر گوش هم فردا  
شكار کند ، جمعاً چند شكار میشود ؟  
آلن هم که دست کمی از پدرش نداشت ،  
جواب داد :  
- شانزده خر گوش ، سه مرغابی و  
هفت کبوتر ... !



- خوشخالم دخترم که امشب همراه شوهرت به خانه آمدی ... !

## حکایات و اساطیر...

و چون یزید داداد پسر شاپور از سیستان و چون ماهوی خورشید پسر بهرام از نیشاپور چون شادان پسر برزین از طوس . و از هر شارستان گرد کرد و بنشانند به فراز آوردن این نامه های شاهان و کار نامه های شان وزنده گانی هر یک از داد و بیداد و آشوب و جنگ و آیین ، از کی نخستین که اندر جهان او بود که آیین مرد می آورد و مردمان از جانوران پدید آورد تا یزد گرد شهر یا رکه آخر ملوک عجم بود . اندر ماه محرم و سال برسیصد و چهل و شش از هجرت بهترین عالم محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و این رانامه شهنامه نهادند ...))

نخستین شاهنامه منظوم چنانکه پژوهشگران تاریخ ادبیات در نگاشته اند ، شاهنامه مسعودی مروزی است که در نیمه دوم از قرن سوم هجری به نظم درآمده است .

شاهنامه مسعودی در ((بحر- هزج شش تایی ناسعالم)) یعنی وزن دو بیتی های بابا طاهر عریان سروده شده و نخستین داستان آن از زنده گی ((کیومرث)) به آغاز آمده است . از شاهنامه مسعودی مروزی نیز مانند شاهنامه منشور ابو منصور ائری به جای نمانده و تنها در برخی از متن های کهن و از جمله در کتاب ((غرور اخبار الملوك)) ثعالبی برخی از ابیات آن به نقل آمده است ،

گشتاسب نامه یا شاهنامه ا بسو- منصور محمده دقیقی دو مین شا- هنامه منظوم در زبان دری است که به خواست ابو منصور عبدالرزاق حکمران طوس و نیشاپور به نظم آمده است ، دقیقی که نخست در- دربار : ((ابوالمظفر)) امیر چغانیان راه داشته و گرایش او به کیش زردشتی بوده است ، موافق نمیگردد بیش از هزار بیت از شاهنامه خود را بسراید و در جوانی کشته میگردد .

فشرده هزار بیت داستانی دقیقی چنین است که لهر اسب شاه ، پدر گشتاسب تخت شاهی به پسرش میدهد و خود در نوبهار بلخ به یزدان پرستی مینشیند ، گشتاسب شاهی است دادگر و یزدان منش که آیین داد بر قلمرو حکومت خود میگستراند و با شاهان اهریمن- خوی و کژ اندیشان به ستیز برمیخیزد و با یاری مردم دادخواه خراسان هر روز بر سلطه و ساحه قلمرو خویش میافزاید .

در این زمان زردشت ظهور میکند . آیین خویش را یزدانی می خواند و از گشتاسب خواستار آن میگردد که کیش وی را پذیرا گردد و مردم خویش نیز به آن فرا خواند .

گشتاسب بعد از مشوره با موبدان بزرگ ، زردشت را گرامی میدارد و آیین وی را تبلیغ میکند چون چندی بر این میگردد ، ارجاسب حکمران چین که کیش اهریمنی دارد و دولت و آیین وی به وسیله دیوان و اهریمن خویان ، حمایت میگردد ، از نهضت زردشتی ، دل نگران میشود ، پیام به گشتاسب میفرستد و از وی می خواهد که زردشت را گردن زند و آیین وی عزیز ندارد .

گشتاسب به ارجاسب پاسخ دندان شکن میدهد و ارجاسب

نیز سپاه فرا میخواند و به سپهسالاری دوبرادرش ((گهرم)) و «اندرمان» که هر دو از اهریمنانند لشکر به خراسان می فرستد و از آن سوی نیز گشتاسب به مشوره موبدان سپهسالاران و برادرش (زرین) آماده گی دفاع از میهن میگیرد .

در نخستین جنگ میان خراسان و چینیان ، سرداران بزرگی همچون اردشیر ، شیرو ، شید - سب ، گرامی ، و نیوزار از سپاه خراسان گشته میشوند . بیدر فاش اهریمن نیز زردیر برادر گشتاسب - رابه خاک و خون میکشد و چون اسفندیار از این جریان ، آگاهی مییابد ، به جنگ ارجاسب فرامیآید «نستور» و «بیدر فاش» سپهسالاران اهریمن خوی را گردن میزنند ، ارجاسب شاه چینیان از میدان کارزار میگریزد و لشکریان چین و ترک مورد بخشایش اسفندیار قرار میگیرند .

بعد از این رخدادها ، گشتاسب اسفندیار را گرد جهان میفرستد تا آیین زردشت بر جهان نیان هویدا گرداند و «گرزم» دشمن دیرینه اسفندیار به بدگوی از وی نزد گشتاسب مینشیند و - همیگوید که اسفندیار قصد جان شاه وستاندن تخت از وی دارد . گشتاسب اسفندیار را فرا میخواند ، او را در بند میکشد و چون ارجاسب بار دیگر لشکر گرد آورده است ، گشتاسب نیز با سپاه به زابلستان میرود .

دقیقی بیش از این فرصت نمی یابد داستان را ادامه دهد و در جوانی کشته میگردد تا اینکه بعد ها فر دوسی با آوردن هزار بیت دقیقی در شاهنامه خود ، داستان به نیمه رسیده وی را نیز به فرجام می آورد . (ناتمام)



## ساعتی در یک تیا تر...

همه را به خود جلب نموده بودند. یکی از آنها که پروت های دبل داشت و لنگی سیاه به سر کرده بود و کمی مشروب پلاستیکی ساخت مشروب سازان سرچوک رانو - شیده و پشت بند آن یکی دو تلی چرس راهم دود کرده بود، به ارسی تالار تکیه داده بود و دیگرش که شف لنگی اش به پشت - پایش میرسید و چپلی های پس - قات به پا داشت، در کنار دیگر تالار در حالیکه چند نفر آدمهای مثل خودش نشاء یی و بیچاره و لایقعل اطراف او را گرفته بودند، لم داده بود.

انانسر باز هم روی سن ظاهر شد و در حالیکه با کف زد نهایی

ممتد تماشا چنان استقبال میشود فرمایشات رقص را پیهم میشنید، از هنر مند ی! خواهش کرد تا با اجرای یک پارچه رقص هندی! به احساسات حاضرین پاسخ بگوید. هنرمند در حالیکه رقصیده رقصیده روی سن می آمد، به گوش نوا - زنده گان (ساز) مورد علاقه اش را فرمایش داد و به هنر نمایی خویش آغاز کرد. هنر نمایی او چندان دقیقه دوام کرد و کف زدنها واشیلاق ها و غالمغال تماشا چیان از حد با لارفت. رقا ص که خود را

در میان استقبال! و کف زدنهای تماشا چیان، گم کرده بود، آنقدر رقص های تپیک و ویژه خودش را اجرا کرد که آن رقصها نه هندی گفته میشد، نه ایرانی، نه اروپایی و نه افغانی! خلاصه چیزی به نام حرکات دست و پا و کمر واندام و جست و خیز زدن و جود داشت ولی معلوم نبود که هنر مند چسی احساسی را به بیننده خویش القاء میکند. همان دو مرد، یکبار ازجا برخاستند. چنین به نظر میرسید که بسیار احساس هنر دوستی! شان تحریک شده. یکبار از جیب های خود تعداد زیادی از نوت های پنجاه افغانیگی را نثار رقا ص کردند.

رقاصه به هنر نمایی خود ادامه داد و با چشمک و رمز وایما از آنها تشکر کرد. عرق بود که مثل باران از سرو رویش میبارید. یکی از همان دو مرد بار دوم بندلی از نوت هارا از جیب خود بیرون کرد و بر سر رقا ص باد کرد. مرد دو می از لچ او به رقا ص نزدیک شد و یک بندل نوت پنجاه افغانیگی را به سر و روی رقا ص نثار نمود. در اثر این لچ بازی و رقا بت در نثار کردن پول بر سر آن رقا صه بگو مگو میان آن دو نفر آغاز شد و لاف و پتاق زدنهای شان در فضای تالار پیچید. دیگر تماشا چیان به جای دیدن رقص و شنیدن موسیقی به تماشا ی نمایش تازه پرداختند. گپ هر دو نفر به کارد و چاقو کشید و نمایش (... ننداری) هم پیش از وقت پایان یافت. تنها دو نفر بودند که از بیرون تالار آمدند و به جنگ و نزاع آنها خاتمه دادند...

## الوداع..

وقتی از رستوران میبر آمدیم او کلاه شیپوی خود را سر چپه بر سر گذاشته بود. وقتی قیافه خود را در آینه دید، خنده اش گرفت و بالای آینه افتاد.

در همین لحظه خیلی جدی از جایش پریده، خانمی را محکم گرفت. میگفت که این زن، خاله اش است. دوستم با یک خیز پشت جلو موتر م نشست و هنوز من و خاله اش که زن جوانی بود فرصت نیافتیم که سوار موتر شویم او موتر را حرکت داد و در یک چشم بر هم زدن با موتر از نظر ناپدید شد. من و آن زن جوان تنها ماندیم. طبیعی است که میدانستم به سر موتر م چه خواهد آمد؟ بنابراین، خاله آن جوان را دوباره به رستوران دعوت کردم. بلی و دوست من صاف رفته با موتر داخل مغازه پی شده بود و دوهزار و پنجاه دالر خساره به دکان وارد نموده بود و موتر هم کپ و کپ شده بود.

خودش مثل تمام آدمهای مست - جو رو تیا ر از بین موتر بر آمده، در حالیکه آهنگی را با اشپلاق زمزمه میکرد، به خانه خود رفته بود.

آری ای دوستان! الوداع... دیگر موتری در کار نیست و رفت ما هم پایان یافت. و من با وجود این خساره و از دست دادن موتر و پر داختن جریمه خوشحالم خیلی خوشحالم که از شر این موتر لعنتی نجات یافتم...

(پایان)

## تښتې

- ۶۰۰- ملي سرود .
- ۶۰۳- دقرآن كريم تلاوت ، تفسير او سهارني نذرانه .
- ۶۰۳- پښتو خپرونه، فوتي اعلانونه
- ۶۰۵- درآيينه مطبوعات .
- ۷۰۰- پيام صبحگاهي .
- ۸۰۰- دري خپرونه
- ۸۰۵- کورني ژوند .
- ۸۴۵- تجارتي اعلانونه، موعظه .
- ۹- پښتو خپرونه .
- ۹۵- هنرمند او دهغه يادونه
- ۹۳۰- راډيويي تعليمات .
- ۱۰۰۰- دري خپرونه
- ۱۰۰۵- دژوندلاره .
- ۱۱۰۰- پښتو خپرونه .
- ۱۱۰۵- ترانه هاي روستا .
- ۱۲- دري خپرونه او دکارگر خپرونه
- ۱۰۰- پښتو خپرونه .
- ۱۰۵- ستاسي خوښي کړي سندرې .
- ۲۰۰- دوي خپرونه .
- ۲۰۵- ترانه ها وسخن ها .
- ۳۰۰- پښتو خپرونه .
- ۳۰۵- راډيو د خلکو غږ .
- ۴۰۰- دري خپرونه .
- ۴۰۰- پښتو خپرونه
- ۴۳۰- دسرباز غږ .
- ۵۰۰- پښتو خپرونه
- ۵۰۵- گزار شپاو گفتگو ها
- ۵۳۰- تجارتي او فوتي اعلانونه .
- ۶۰۰- دري خپرونه
- ۶۰۵- دبزگر خپرونه .
- ۷۰۰- دپښتنواو بلوڅوله پاره خپرونه
- ۸۰۰- پښتو خپرونه ، سندرې
- ۸۳۰- دري خپرونه ، موسيقي .
- ۹۰۰- جام جم .
- ۹۳۰- پرله پسي راډيو داستان .
- ۱۰۰۰- پښتو خپرونه .
- ۱۰۰۸- کاروان ابريشم
- ۱۱۰۰- سرود هايي از ديگران
- ۱۱۵۲- ملي سرود او ختم

# سغني ياد ووستان

نخستين نامه رسیده رامیگشاییم و به دست نشر میسپا ریم ، البته نادرستی های املايي و نارسا يي های شعر ي آنرا به ترتیب شماره بین قو سین نشانی میکنیم و در پایان ، درباره هریک گپ میزنیم . همچنان پرسش شانرا نیز پاسخ میدهیم :

((به اداره و کار کنان محترم مجله وزین وخوا ندنی آواز يك بار دیگر صمیمت (۱) قلبی خویشرا تبارز داده واز (۲) رهنمود های گرامی شان که در شماره چهار مجله مذکور نگارش یافته بود علاقمندی (۳) اینجا نب را زیادتر ساخت .))

((قبل از اینکه چکیده شعریکه از قلم تراوش یافته باوجود نزاکت های شعر ي آن (۴) نقطه (۵) قابل گفتنی دارم و آن اینست که اینجانب عبدالقاسم که از دیر وقت به این مطرف ((سائل)) تخلص می کنم (۶) در صفحه ۶۰ سخن بادوستان (۷) چنین رقم گردیده است ((ولی از جایکه ما، در یکی از شماره های گذشته آواز نیز درین مورد (۸) همین تخلص را (۹) که يك تن دیگری (۱۰) برای خود برگزیده بود گپ زده ایم)) (۱۱) و توقع اینجا نب آن بوده است اگر شاعری که شما به آن در صفحه سخن با دوستان (۱۲) حرف زده باشید ، لطفاً اسم آن دوست را با تخلص آن که کدام وقت بخود انتخاب نموده باشد (۱۳) در صورت قدامت از اینجانب (۱۴) بتوانم تخلص خویش را تغییر (۱۵) داده و در غیر آن آندوست بخود (۱۶) زحمت داده تخلص دیگری انتخاب نماید و در پایان شعریکه انتظار نشر آن را میبرم مطلع اش اینست)) (۱۷)

## آرزوست

ای شاخ گل بیا که گلستا نم آرزوست  
چون عند لیب ، نوچه فراوا نم آرزوست  
دیشب نیامدی بسر (۱۸) با من چومه  
امشب بیا که کلبه تابانم آرزوست  
مه رو اگرچه هست بهر جاز یادولیک (۱۹)  
يك یار باوقاو بد خشانم (۲۰) آرزوست  
بودم به جستجو و میسر به من نشد  
زیبا رخی ز سر حد شغنانم آرزوست  
در روشنی روز میا پیشم ای نگار  
در شب بیا که شمع شبستانم آرزوست  
کن شهسوار کشور خوبان ترحمی  
من ((سائل)) نوازش سلطانم آرزوست

نخست باید در پاسخ پرسش‌شان عرض کنیم که تخلص سائل مربوط سیف الرحمان سائل می‌باشد که قرار نامه‌ی که به اداره مجله آواز فرستاده، در سال ۱۳۳۸ هجری خورشیدی در شهر جلال‌آباد (ننگرهار) برای خود برگزیده بود، چنانچه در شماره (۱۳۶) مژرخ سه شنبه ۱۴ سنبله ۱۳۴۰ روزنامه ننگرهار نخستین نقد ادبی اش به همین تخلص چاپ شده است. پس از آن نیز شعرها و نوشته‌ها و تبصره‌هایش به همین تخلص در روزنامه‌ها و جراید کشور و رادیو-افغانستان نشر گردیده است، روی این حساب، وی بیست و چار سال پیش تخلص (سائل) را برای خود برگزیده بود، که شاید پیشینه مطبوعاتی اش پیشتر و بیشتر از شما باشد و شاید کسی دیگری نیز در گذشته به همین تخلص (سائل) شعرها می‌سروده باشند که درست به یاد نگارنده این بررسی‌نمانده است، پس چه بهتر که شما برای خود تخلص دیگری برگزینید که از دیگران نباشد.

و اکنون می‌بریم دایره به بررسی نمودن نادرستی‌ها و کاستی‌هایی که به ترتیب شماره بین قوسین در نامه و غزلتان گرفته ایم:

(۱) در نوشتن واژه (صمیمیت) حرف (ی) پس از نخستین ((م)) را از یاد برده و (صمیمت) نوشته‌اید.

(۲) حروف ((از)) را در اینجا بی‌مورد به کار برده‌اید، باید از آن صرف نظر کنید.

(۳) کلمه‌های ترکیبی «علاقه‌مندی» باید جدا از هم - به گونه‌ی که اکنون نوشتیم - نوشته شود.

(۴) در اینجا از یک سو جمله شما گنگ و نارسا آمده، پس از مبتدا (خب) آن تکمیل نشده است و از سوی دیگر فهمیده نشد که منظور شما از کلمه‌های (با وجود نزاکت‌های شعری آن ...) چیست؟ شاید می‌خواستید (نارسایی‌های شعری آن) بنویسد ... به هر حال پس از آن، باید این کلمه‌ها را می‌افزودید: (به مجله آواز پیشکش کنم) ...

(۵) کلمه «نقطه» در اینجا افاده‌درستی ندارد، باید (نکته) مینوشتید.

(۶) طوریکه همیشه در این صفحه نوشته‌ایم، لفظ (میکنم) باید بیوسته هم نوشته شود و «می» از کلمه بعدی اش جدا نگردد.

(۷) نام این بخش «سخنی با دوستان» است، نه (سخن با دوستان).

(۸) و (۹) ما در صفحه (سخنی با دوستان) شماره چارم آواز درین مورد همین تخلص را نوشته نکرده بودیم، بلکه نوشته بودیم (در مورد همین تخلص ...) که شما هم بعد از کلمه «در» (ین) را و هم پس از تخلص، حروف (را) افزوده‌اید که نادرست است.

(۱۰) باز هم ما، در همان صفحه و همان شماره (یک تن دیگر ...) نوشته بودیم نه (یک تن دیگری) ...

(۱۱) در اینجا نیز مفهوم رادرس‌افاده نکرده‌اید، باید پس از

ارسالی دو هم برید من عبدالقاسم سائل ۱۳۶۲/۷/۲۳

- ۶۰۰- ملی سرود .
- ۶۳۳- دفتر آن کریم تلاوت، تفسیر او نیایش بامدادی .
- ۶۳۰- پبستو خبرونه، فوتی اعلانونه .
- ۶۵۰- درآینه مطبوعات .
- ۷۰۰- پیام صبحگاهی .
- ۸۰۰- دری خبرونه .
- ۸۰۵- کورنی ژوند .
- ۸۴۵- تجارتی اعلانونه، موعظه .
- ۹۰۰- پبستو خبرونه .
- ۹۰۵- هنرمند او دهغه یادونه .
- ۹۳۰- رادیویی تعلیمات .
- ۱۰۰۰- دری خبرونه .
- ۱۰۵- راه زندگی .
- ۱۱۰۰- پبستو خبرونه .
- ۱۱۰۵- ترانه های روستا .
- ۱۲۰۰- دری خبرونه .
- ۱۲۰۵- دکارگر خبرونه .
- ۱۳۰۰- پبستو خبرونه .
- ۱۳۰۴- ستاسی خوبی کبری سندی .
- ۳۰۰- دری خبرونه .
- ۳۰۵- ترانه ها و سخن ها .
- ۳۰۰- پبستو خبرونه .
- ۳۰۵- رادیو د خلکو غن .
- ۴۰۰- دری خبرونه .
- ۴۰۵- دپوهنی غن، دسری میاشتی غن .
- ۴۳۰- دسرباز غن .
- ۵۰۰- پبستو خبرونه .
- ۵۰۵- گزارشها و گفتگوها .
- ۵۳۰- تجارتی او فوتی اعلانونه .
- ۶۰۰- دری خبرونه .
- ۶۰۵- دبزگر خبرونه .
- ۷۰۰- دبستنوا و بلو خوله پاره خبرونه .
- ۸۰۰- پبستو خبرونه ، موسیقی .
- ۸۳۰- دری خبرونه ، موسیقی .
- ۹۰۰- دانقلاب په لور .
- ۹۳۰- پرله پسی رادیو داستان .
- ۱۰۰۰- پبستو خبرونه .
- ۱۰۰۵- دشومه دم انگازی .
- ۱۱۰۰- رنگین کمان .
- ۱۱۰۵- ملی سرود او ختم .

## دو هفته

- ۶۰۰- ملی سرود .
- ۶۰۳- دقرآن کریم تلاوت، تفسیر او سهارنی ندرانه .
- ۶۰۳- پښتو خبرونه، فوتی اعلانونه
- ۶۵۰- درآینه مطبوعات .
- ۷۰۰- پیام صبحگاهی
- ۸۰۰- دری خبرونه
- ۸۰۵- کورنی ژوند
- ۸۴۵- تجارتی اعلانونه، موعظه .
- ۹۰۰- پښتو خبرونه .
- ۹۰۵- هنرمند او دهغه یادونه
- ۹۳۰- راډیوی تعلیمات .
- ۱۰۰۰- دری خبرونه
- ۱۰۰۵- دژوندلاره
- ۱۱۰۰- پښتو خبرونه .
- ۱۱۰۵- دهنرمند څیره .
- ۱۲۰۰- دری خبرونه .
- ۱۲۰۵- دکارگر خبرونه .
- ۱۰۰- پښتو خبرونه .
- ۱۰۰۵- ستاسی خوبی کړی سندرې .
- ۲۰۰- دری خبرونه .
- ۲۰۵- ترانه ها وسخن ها .
- ۳۰۰- پښتو خبرونه .
- ۳۰۵- راډیو دخلکو غږ .
- ۴۰۰- دری خبرونه
- ۴۰۵- زمونږ شمالي سترگاونوی
- ۴۳۰- دسرباز غږ .
- ۵۰۰- پښتو خبرونه
- ۵۰۵- دکوچیانو خبرونه
- ۵۳۰- تجارتی او فوتی اعلانونه .
- ۶۰۰- دری خبرونه
- ۶۰۵- دبزگر خبرونه .
- ۷۰۰- دبښتنو اوبلوخوله پاره خبرونه
- ۸۰۰- پښتو خبرونه ، سندرې
- ۸۳۰- دری خبرونه، موسیقی .
- ۹۰۰- جام جم .
- ۹۳۰- پرله پسی راډیو داستان .
- ۱۰۰۰- پښتو خبرونه .
- ۱۰۰۵- دشومهدم انگازی
- ۱۱۰۰- تک نوازی موسیقی
- ۱۱۰۵- ملی سرود او ختم

کلمه های (گپ زده ایم) این کلمه‌های چا پ شده در شماره یاد شده رانیز مینو شتید : (آن گپه—اراتکرار نمیگویم...)

(۱۲) باز هم (سخن بادوستا ن) نوشته اید، باید «سخنی بادوستان» مینوشتید .

(۱۳) کلمه (باشد) در اینجا مفهوم را درست افاده نمیکند و باید «بود» مینو شتید .

(۱۴) و (۱۵) باز هم جمله تا ن نارساست ، مبتدا و خبر آن، تکمیل نشده است باید این طور مینو شتید : (در صورتیکه از من قدامت داشته باشند ... ) و نیز کلمه‌های (بتوانم تخلص خویش را تغییر داده... ) درست نیست ، چه هم در نوشتن کلمه تغییر یک (ی) را از یاد برده اید و هم جمله تان ، گنگ و نارسا آمده ، باید مینو شتید :

(من و تخلص خود را تغییر میدهم)

(۱۶) باید کلمه «به» را جدا از کلمه «خود» مینو شتید .

(۱۷) در اینجا که نوشته اید مطلعش اینست ، باید تنها مطلع غزل را پس از آن مینو شتید ، نه تمام غزل را با عنوان آن ... بهتر بود از نوشتن (مطلعش) صرف نظر میکردید .

(۱۸) کلمه های «به» و «سر» باید جدا جدا نوشته شود .

(۱۹) درین مصراع هم کلمه‌های «به هرجا» را باید جدا از هم می-نوشتید و هم از نوشتن حرف «و» بعد از واژه «زیاد» خود داری می-کردید ، چه همین حرف بیجای «و» از فصاحت شعر ی این مصراع کاسته است .

(۲۰) باز هم حرف «و» مفهوم این مصراع را گنگ و نارسا ساخته است، شاید میخواسته اید حرف «ز» را بنویسید و بگویید : (یک یار باوفا زبده خشانم آرزو ست ) ولی تند روی خامه به جای حرف «ز» حرف «و» را نا به جا گذاشته است ...

در پایان، احساس واستعدادش—عرا نه تانرا میستا بیم و امید واریم که در آینده ، خواننده سرود های بهتر و پرمحتوا تر شما با تخلص دیگری (که مربوط دیگران نباشد) باشیم .

دو مین نامه و شعر ی را که مورد بررسی قرار مید هیم ، چنین آغاز میشود :

(به اداره محترم مجله آواز)

با تقدیم احترامات صمیمانه به تمام کار مندان این مجله !

از اینکه مجله آواز همانطور یکهاز نا مش پیدا ست در واقعیت امر نیز انعکاس دهنده آرما نها و خواستهای هنر مندان جامعه ما می باشد (۱) قطعه شعر ی را تحت عنوان فضای صلح بشما (۲) ارسال میدارم آرزو مند م در صورت امکان بدست (۳) نشر سپرده ممنون سازید .

شماره های این مجله را دقیقاً مطالعه می کنم . (۴) باید گفت شماره های مجله آواز رابه صفت کتابیکه در لابلای اورا ق پر بهای آن آئینه تابناک هنر مندان ما می درخشد (۵) درمی یابم (۶) این پا رچه شعر من به صفت سر آغا ز همکار بهایم با این مجله (۷) به آرزوی موفقیت های بیشتر کار مندان این مجله .

در قسمت بازتاب هر چه بهتر خواسته ها و آرمانهای والا و مقدس هنرمندان کشور. با درودها

(عبدالحق مقیم محصل پوهنځی زبان و ادبیات پوهنتون کابل)

## پښتانه

- ۶۰۰- ملی سرود .
- ۶۰۳- دقرآن کریم تلاوت ، تفسیر او نیایش بامدادی .
- ۶۰۴- پښتو خبرونه،
- ۶۰۵- فوتی اعلانونه، درآیینة مطبوعات
- ۷۰۰- پیام صبحگاهی
- ۸۰۰- دری خبرونه
- ۸۰۵- کورنی ژوند .
- ۸۰۶- تجارتی اعلانونه، موعظه .
- ۹۰۰- پښتو خبرونه .
- ۹۰۵- هنرمند او دهغه یادونه
- ۹۰۶- راه یویی تعلیمات .
- ۱۰۰۰- دری خبرونه
- ۱۰۰۵- راه زندگی
- ۱۱۰۰- پښتو خبرونه .
- ۱۱۰۵- دخوانانو له پاره سندری
- ۱۲۰۰- دری خبرونه .
- ۱۲۰۵- دکارگر خبرونه .
- ۱۳۰۰- پښتو خبرونه .
- ۱۳۰۵- ستاسی خوښی کړی سندری .
- ۲۰۰- دری خبرونه .
- ۲۰۵- ترانه ها وسخن ها .
- ۳۰۰- پښتو خبرونه .
- ۳۰۵- راپوډو د خلکو غږ .
- ۴۰۰- دری خبرونه .
- ۴۰۵- دملگرو ملتو خبرونه موسیقی
- ۴۳۰- دسرباز غږ .
- ۵۰۰- پښتو خبرونه
- ۵۰۵- گزارش ها و گفتگوها
- ۵۳۰- تجارتی او فوتی اعلانونه
- ۶۰۰- دری خبرونه
- ۶۰۵- دبزگر خبرونه .
- ۷۰۰- دپښتنو او بلوڅو له پاره خبرونه .
- ۸۰۰- پښتو خبرونه ، موسیقی
- ۸۳۰- دری خبرونه، موسیقی
- ۹۰۰- دخوانانو خبرونه .
- ۱۰۰۰- پښتو خبرونه .
- ۱۰۰۵- دشومدم انگازی
- ۱۱۰۰- لویښه کلاسیکه موسیقی
- ۱۱۰۵- مل سده اه خت .

## فضای صلح

آگنده است پهنه گیتی نوای صلح (۸)  
 پر میزند کبوتر دل در هوای صلح  
 اهریمنان چهره سیه ما تمی شوند  
 چون افکند طین به هر سونوای صلح  
 آزادگیست (۹) حاصل رنج تمام تو  
 خوش تحفه ایست بهر بشر ازورای صلح  
 ای دشمن بشر (۱۰) دگر جنک تابکی (۱۱)  
 سر می نهی ز عجز (۱۲) همی پیش پای صلح  
 ای سنکر شمسید چه سرخ است رنگ تو  
 ای قهرمان من ! که گشتی (۱۳) فدای صلح  
 صلحست زندگان من (۱۴) نوع بشر کنون  
 آرام بخش جان و تن من فضای صلح  
 ای دامن سپیده امید های من  
 خورشید من ستاره من شد بهای صلح (۱۵)  
 دیگر مگو مقیم ز جنگ آوران دهر  
 یکباره گشته اند تما می فدای صلح

ما ، در حالیکه احساس شاعرانه و صلحجو یانه آن دوست گرامی را میستا ییم و استعداد شا نرا ارج مینمیم به برخی از نا درستی ها و نارسایی هاییکه در نامه و شعرشان شماره زده ایم اشاره میکنیم :

(۱) ۴- ۵- و کلمه های میباشد، میکنم، میدرخشد و مییابم را باید بیوست همدیگر - به گونه یی که حالا نوشتیم - مینو شتند . نوشتند .

(۲) و (۳) کلمه های (به شما) و (به دست) باید پیوست همدیگر (بشما) و (بدست) نوشته نشود .

(۷) این جمله (مبتدا) دارد و لی از خیر آن ، خبری نیست، باید به دنبال کلمه های (این جمله) لفظ «میباشد» رانیز مینو شتند .

(۸) درین مصراع که نخستین مصراع مطلع سروده شان است اندکی نارسایی دیده میشود چه میخواستند اند بگویند (پهنه گیتی از نوای صلح آگنده و پر است) اما به خاطر رعایت وزن، از آوردن کلمه (از) صرف نظر کرده اند اگر این مصراع، بدینگونه درست شود:

آگنده است پهنه دهر از نوای صلح) نارسایی آن از بین میرود، هر چند که به جای واژه زیبا و درمی «گیتی» کلمه عربی (دهر) میآید، اما کم از کم ، نارسایی و گنگی مصراع از میان برداشته میشود . (۹) در کلمه های «آزاده گیت» نوشتن حرف «ه» را زیاد برده اند.



## تپهار متنبنه

- ۶۰۰- ملی سرود .
- ۶۰۳- دقرآن کریم تلاوت ، تفسير او سهارنی نذرانه .
- ۶۰۴- پښتو خبرونه ،
- ۶۰۵- فوتی اعلانونه ، رأیینه مطبوعات
- ۷۰۰- پیام صبحگاهی
- ۸۰۰- دری خبرونه
- ۸۰۵- کورنی ژوند
- ۸۴۵- تجارتی اعلانونه ، موعظه .
- ۹۰۰- پښتو خبرونه .
- ۹۰۵- حماسی سندرې .
- ۹۳۰- رامپویی تعلیمات .
- ۱۰۰۰- دری خبرونه
- ۱۰۰۵- دژوند لاره
- ۱۱۰۰- پښتو خبرونه .
- ۱۱۰۵- ترانه های روستا
- ۱۲۰۰- دری خبرونه .
- ۱۲۰۵- دکارگر خبرونه .
- ۱۳۰۰- پښتو خبرونه .
- ۱۳۰۵- ستاسی خوښی کړی سندرې .
- ۲۰۰۰- دری خبرونه .
- ۲۰۰۵- موز او اوریدونکی .
- ۳۰۰۰- میراثی گرانپا
- ۳۰۰۵- پښتو خبرونه .
- ۳۰۰۵- رامپو دخلکو غږ .
- ۴۰۰۰- دری خبرونه .
- ۴۰۰۵- علمی خبرونه جبهه ملی بدروطن
- ۴۳۰۰- دخارندوی خبرونه
- ۵۰۰۰- پښتو خبرونه
- ۵۰۰۵- گزارشها و گفتگوها
- ۵۰۳۰- تجارتی او فوتی اعلانونه .
- ۶۰۰۰- دری خبرونه
- ۶۰۰۵- دبزر خبرونه .
- ۷۰۰۰- دپښتنو او بلوخواه پاره خبرونه
- ۸۰۰۰- پښتو خبرونه ، سندرې
- ۸۳۰۰- دری خبرونه ، موسیقی .
- ۹۰۰۰- جام جم .
- ۹۳۰۰- کره کتنه - ترازی طلائی .
- ۱۰۰۰۰- پښتو خبرونه .
- ۱۰۰۰۵- گذرگاه شعر
- ۱۱۰۰۰- دغزل بزم
- ۱۱۰۵۵- ملی سرود او ختم

(۱۰) درین جا از نگاه وز نعروضی ، یک هجای خرد ، کم است و سکنه گی دارد ، اگر این گونه ای دشمن شیریر بشر ! جنگ تا به کی) درست شود ، این سکنه گی شعر ی از بین میرود .

(۱۱) باز هم کلمه های (تابه کی) راپیوست هم نوشته اند که نادرست است .

(۱۲) بآنکه این شعر را به خطخوش ودرشت نوشته اند ، در کلمه «عجز» نقطه (ز) را از یاد برده و «عجر» نوشته اند .

(۱۳) درین مصراع نیز کلمه های (که گشتی) از نگاه وزن نعروضی ، به خاطر کمبود یک هجای خرد ، سکنه گی رخ داده است ، اگر «که تو گشتی» ساخته شود ، وزن آن درست میشود ، اما باز هم با مصراع پیشتر خود (ای سنگر شهید! چه سرخ است رنگ تو) ارتباط منطقی نمیگیرد ، چه در آن مصراع ، «سنگر شهید» را مخاطب ساخته اند و در مصراع دوم ، خود شهید را (ای قهرمان من ... ) اگر در مصراع نخست این بیت به جای واژه (سنگر) از واژه (عسکر) یا «افسر» کاربگیرند ، ارتباط منطقی هر دو مصراع این بیت ، بهتر و خوبتر میشود . به نظر من اگر این بیت اینگونه درست شود ، بهتر خواهد شد :

ای عسکر شهید ! چه سرخست رنگ تو

کردی تو جان خویش چه نیکو فدای صلح

(۱۴) باز هم در کلمه (زنده گانی) نوشتن حرف «ه» را از یاد برده اند .

(۱۵) در مفهوم این بیت نیز گنگی و نارسایی دیده میشود :

ای دامن سپیده امید های من

خورشید من ، ستاره من شد بهای صلح

یعنی چه ؟ میخواهند با این بیت چه مفهوم را ارائه کنند ؟ اگر مصراع دوم ، اینگونه : (جان میدهم زشوق من اندر بهای صلح) درست شود ، بهتر خواهد بود ، باز هم با مصراع پیشتر (ای دامن سپیده امید های من) ارتباط منطقی نمیگیرد بهتر است آن مصراع را نیز اینگونه (صلح است آرزوی دل پر امید من) ساخته و هر دو مصراع را این طور بخوانیم :

صلح است آرزوی دل پر امید من

جان میدهم زشوق من اندر بهای صلح ...

این بود بررسی دوستانه ما از شعر پر احساس آن دوست ارجمند به امید سرود های خوبتر و گیرا ترشان میباشیم . با سپاسهای فراوان .

## پنجاهمین

- ۶۰۰- ملی سرود .
- ۶۰۳- دفران کریم تلاوت ، تفسیر  
اونیایش بامدادی .
- ۶۰۳- پشتو خبرونه،
- ۶۰۳- فوتی اعلانونه، درآینه مطبوعات
- ۷۰۰- پیام صبحگاهی
- ۸۰۰- دری خبرونه
- ۸۰۵- کورنی ژوند .
- ۸۴۵- تجارتي اعلانونه، موعظه
- ۹۰۰- پښتو خبرونه .
- ۹۰۵- نغمه‌های شاد افغانی .
- ۹۳۰- راډیوی تعلیمات .
- ۱۰۰۰- دری خبرونه
- ۱۰۰۵- راه زندگی
- ۱۱۰۰- پښتو خبرونه .
- ۱۱۰۵- بزم موسیقی- (هجری مجلس)
- ۱۲۰۰- دری خبرونه .
- ۱۲۰۵- دکارگر خبرونه .
- ۱۰۰- پښتو خبرونه .
- ۱۰۰۵- کنسرت هنرمندان داخلی و خارجی.
- ۱۰۰۰- از آرشیف رادیو میشنوید .
- ۲۰۰- دری خبرونه .
- ۲۰۵- هفت اورنگ .
- ۳۰۰- پښتو خبرونه .
- ۳۰۵- راډیو دخلکو غږ
- ۴۰۰- دری خبرونه .
- ۴۰۵- درام بو طیب- اقتصادی خبرونه
- ۴۳۰- دسرباز غږ .
- ۵۰۰- پښتو خبرونه
- ۵۰۵- بیشاعتک .
- ۵۳۰- تجارتي او فوتی اعلانونه.
- ۶۰۰- دری خبرونه
- ۶۰۵- دزگر خبرونه .
- ۷۰۰- دبشتو او بلوغه پاره خبرونه
- ۸۰۰- پشتو خبرونه ، سنډی
- ۸۳۰- دری خبرونه، موسیقی .
- ۹۰۰- موعظه - راډیو ډرام
- ۱۰۰۰- پښتو خبرونه
- ۱۰۰۵- دشومهدم انگازی
- ۱۱۰۰- نوای دوستان
- ۱۱۰۵- ملی سرود او ختم

## آواز خوانی...

آنچه میدانند، به جوانان، سرباززنند .

ازین ها گذشته، اتحادیه هنرمندان جمهوری دموکراتیک افغانستان، کمیته دولتی رادیو، تلویزیون و سینما توگرافی، ریاست موسیقی کمیته دولتی کلتور و دیگر ادارات و بخش های هنری میتوانند با راه اندازی کنفرانسها و سیمینارهای موسیقی با تدارک کورسهای کوتاه مدت و دراز مدت آموزش موسیقی و با فراهم آوردن زمینهای تازه برای جلب و جذب استعدادها و شگوفایی و باروری آن نقش مؤثرتری داشته باشند .

ذوق و استعداد جوانان مانباید سرکوب شود و نباید به زمینه های انحرافی فکری جوانان را به دنبال دارد مجال تبلیغ رزداده شود .

به عنوان مثال : در این زمینه که استادان موسیقی کشور ما کمتر جوانان را راهنمایی میکنند، یاد آور میگردم که من با همین زبان توتله ام بارها در باره شیوه کار ارکستر باران خوانها نظر آگاهان شده ام ، اما یکنفر حتی حاضر نشده است خوب و بد آنرا برایم بازگوکنند از این مانند، قصه فراوان است و گله، فراوانتر .

خوب فرهاد جان از گفتنی های تشکر و از تو هم تشکر ، همچنان از وزین مجله آواز هم تشکر میکنم. که زمینه چاپ این گفت و شنود را آماده ساخت .

(پایان)

## تصحیح

با پوز سخاوهی از خواننده گان محترم، آرزو مندیم که نادرستی های چاپی بی راکه درین شماره رخنه داده است بدینگونه درست نمایند :

در سطر ۴۲ ستون ۳، ص ۲۳ لفظ (استفاده) به « انتقاد»  
و در پایان ستون سوم (ص ۵۴) کلمه های (دنباله درص ۵۷) به (دنباله درص ۶۵) درست شود .

همچنان در شرح عکس ص ۵۵ کلمه های «این دو صفحه» به (این- صفحه) و در پایان ستون سوم ص ۵۷ کلمه های (سال ششم، شماره ۶-۵) به (صفحه ۵۷) درست گردد.

دآواز سخنوران د «شپید» تر سرخط لاندی شعر، دپنجم بیت و روستی- کربنه دی داسی و لوستل شی : «ستاد متینی ارادی اوسو گندونو خنی»

عبارت (ارسالی دوهم بریدمن عبد القاسم سایل) که سهوا در پایان صفحه ۶۱ چاپ شده، سطر اول همان صفحه است، لطفا تصحیح شود.

صفحه ۶۵ (آواز)

۳۰ و ۸ و ۱۳۶۲

# مجله

- ۶۰۰- ملی سرود .
- ۶۰۳- دفتران کریم تلاوت ، تفسیر او سپارنی نذرانه .
- ۶۰۳- پښتو خبرونه .
- ۶۰۳- فوتي اعلانونه، درآيينه مطبوعات
- ۷۰۰- پیام صبحگاهی
- ۸۰۰- دری خبرونه
- ۸۰۰- سرود وسخن آدینه روز .
- ۸۰۰- تجارتي اعلانونه .
- ۹۰۰- پښتو خبرونه
- ۹۰۰- دسپورت نړی .
- ۹۰۳- موداومو دهيواد- زمونږنړی
- ۱۰۰۰- دری خبرونه
- ۱۰۰۰- رنگين کمان يا آزمونگه زهن .
- ۱۱۰۰- پښتو خبرونه .
- ۱۱۰۰- نمايش راديو بي
- ۱۲۰۰- دری خبرونه
- ۱۲۰۰- دنيا ، سياست وروينداد ها
- ۱۲۰۳- اذان، موعظه، نعتيه موسيقي
- ۱۲۰۰- پښتو خبرونه
- ۱۲۰۰- از هر چمن سمنی
- ۲۰۰- دری خبرونه
- ۲۰۰- رانه يوبي مجله .
- ۳۰۰- پښتو خبرونه
- ۳۰۰- فرهنگ مردم باشهرقصه
- ۴۰۰- دری خبرونه
- ۴۰۰- نوی آهنگونه .
- ۴۰۳- دسرباز غز .
- ۵۰۰- پښتو خبرونه
- ۵۰۰- دگوجيانو خبرونه
- ۵۰۳- تجارتي اوفوتي اعلانونه
- ۶۰۰- دری خبرونه
- ۶۰۰- دبزگر خبرونه
- ۷۰۰- دپښتواو بلوخواه پاره خبرونه
- ۸۰۰- پښتو خبرونه- سندرې
- ۸۰۳- دری خبرونه، سندرې
- ۹۰۰- جام جم
- ۹۰۳- سيمای دهقان در يوبه تاريخ
- ۱۰۰۰- پښتو خبرونه
- ۱۰۰۰- دشومه دم انگازی
- ۱۱۰۰- کلاسيکه موسيقي
- ۱۱۰۰- ملی سرود او ختم .

## بر نامه های ملتیهای برادر :

- ۳۰۰- پروگرام پشه یی .
- ۳۰۳- پروگرام نورستانی .
- ۴۰۰- پروگرام ترکمنی .
- ۵۰۰- پروگرام اوزبیکي
- ۹۰۰- پروگرام بلوچی .

## روی جلد :

### فرهاد دریا (تفصیل درص ۱۴)

یاد داشت : عکاسی البوم هنری و پشت جلد این شماره را علاء الدین مضطر (ازافغان فلم) به دوش داشته است.

## جدول نشرات خارجی رادیو افغانستان

متريند	دريگوني به کيلوهرتز	وقت کابل	وقت (جی.ام.تی)	سپروگرام
17/2 - 18/1	120 - 177	7/2 7/3	3/3 4/1	دپښتواو بلوخواه خبرونه
17/2 - 18/1	177 - 224	15 14	10/3 11/2	انگليسي اول برای کشورها همجوتو جنوشراسيا
17/2 - 18/1	224 - 271	14 13	11/3 12/2	اردوخواه خبرونه
17/2 - 18/1	271 - 318	13 12	12/3 13/2	دپښتواو بلوخواه خبرونه
17/2 - 18/1	318 - 365	12 11	13/3 14/2	دوطن غز
17/2 - 18/1	365 - 412	11 10	14/3 15/2	روسپی
17/2 - 18/1	412 - 459	10 9	15/3 16/2	عربی
17/2 - 18/1	459 - 506	9 8	16/3 17/2	نسیم هندوکش
17/2 - 18/1	506 - 553	8 7	17/3 18/2	جرمنی
17/2 - 18/1	553 - 600	7 6	18/3 19/2	انگليسي دوم برای کشورهای اروپايی
17/2 - 18/1	600 - 647	6 5	19/3 20/2	فرانسوی

## EXTERNAL SERVICES - OF RADIO AFGHANISTAN

1	Language	G. M. T	Frequency (K H Z)	Meter Bands
1	Pashtu Baluchi	02.00 - 03.30	7230 (41.46) 6230 (49)	4450 (7) 9090 ( )
2	English 1	09.30 - 10.30	4450 (67.4) 21460 (13.9)	6230 ( ) 17720 (16)
3	Urdu	12.30 - 13.30 13.30 - 14.30	9550 (31.4) 11360 (25.8)	4450 (67.4) 9230 (29)
4	Pashtu Baluchi	14.30 - 15.30	4740 (63.23) 1278 (235)	648 (46.2) 7200 (41)
5	De Watan Ghaq	14.30 - 16.30	9550 (31.4) 6230 (49)	4450 (67.4) 11960 (25.8)
6	Russian	16.30 - 17.00	11825 (25)	
7	Arabic	17.00 - 17.30	9705 (30.9)	7220 (41.12)
8	Nasime Hendukush	17.30 - 18.30	9665 (31.4) 15077 (19)	7290 (41.15)
9	Garman	18.30 - 19.00	9665 (31.4) 15077 (19)	7290 (41.15)
10	English	19.00 - 19.30	9665 (31.4) 15077 (19)	7290 (41.15)
11	French	19.30 - 20.00	15077 (19)	7200 (41)



## و موسیقی

(تیغور) :

یکی از زنان شیرین شما یل‌زیبا و هنرمندی بود که انواع رقص را ماهرانه ادا میکرد .

او بیشتر در دعوت‌ها و مجالس خصوصی در بارشاهان و شهبزاده‌گان تیموری میرقصید.

در آغاز سمت ساقی مخصوص بزم میگساری سلطان حسین میرزا را دارا بود .

سلطان حسین میرزا او را در هنر رقص و آواز خوانی تشویق و تحریص نمود و از بس به هنرش توجه داشت، او را غالباً در باریان و ندمای سلطان معشوقه دلخواه او به حساب می‌آوردند .

در حرم سلطان و شهبزاده‌گان سمت رقا صه ویژه سلطان راداشت که به نام رقا صه (پیک) سلطان یاد میشد .

اداکاری‌ها و رقصهای ماهرانه او زبانزد خاص و عام شده بود .

به قرار ادعای نویسنده کتبه معروف «بدایع الوقایع» که در صفحه ۴۹۳ جلد اول نگاشته شده در باغ جهان آرا که یکی از باغهای بزرگ سلطانی هرات بود قصری وجود داشت به نام (قصر طرب افزا) و ساختمان دیگری به نام (صدف‌خانه) مخصوص مجالس شب نشینی - ها و میگساریهای سلطان بود .

شبهی سلطان حسین میرزا در قصر (طرب افزا) محفلی آراست که در آن محفل امیر علیشیرنوا سی‌پهلوان محمد ابو سعید (یکی از وزراء، شاعر، موسیقیدان و پهلوان نامی هرات) خواجه عبدالله مروارید معروف به (بیانی) استاد بزرگ موسیقی دربار و خواجه کمال‌الدین حسین (نظام الملك) امیر سید بدرشاعر و موسیقیدان میر قاسم ترکی - گوی (شاعر و موسیقیدان) امیرجان موله (هنرمند نامی هرات)، امیر - نظام مقلد (مقلد و هنرمند معروف هرات) و از اهل حسن و هنر قاسم امیر حسینی، میرزا تریاکی، طاهرچکه، سرو لب جوی، ماه سمنانی میرک زعفرانی، روح الله پوری، شاه محمد خواننده و (تیغور) رقا صه

لطفاً ورق بزنید

صفحه ۶۷ (آواز)

۳۰ و ۸۱ ۱۳۶۲

## د تلویزیون خ پرونی

### شنبه

۶۰۰- ملی سرود او د تلویزیون آدم

۶۰۳- دخپرونو معرفی .

۶۰۴- د ماشوم خپرونه او کالاتونی فلم

۶۰۵- د پرمختیا په لور

( لومړی او دریمه اوونۍ )

۶۰۶- د خاوندوی خپرونه .

( دوهمه او څلورمه اوونۍ )

۶۰۷- تجارتي اعلانونه .

۷۰۰- دری خپرونه او تبصره

۷۲۰- حماسی سندری .

۷۲۵- انتخابی سندری

۸۰۰- پښتو خپرونه او تبصره

۸۲۰- حماسی سندری

۸۲۵- تلویزیونی مجله

(لومړی او دریمه اوونۍ)

۸۲۵- مشعلداران هنر

(دوهمه او څلورمه اوونۍ) .

۹۱۵- بهرنی خپرونه

۹۵۲- د شپې وروستی خپرونه

۹۵۷- ملی سرود او ختم

### پکشنبه

۶۰۰- ملی سرود او د تلویزیون آدم

۶۰۳- دخپرونو معرفی .

۶۰۴- د خوانانو نړۍ

۶۰۵- دکرنی او مالدارۍ خپرونه .

۶۰۵- تجارتي اعلانونه

۷۰۰- دری خپرونه او تبصره

۷۲۰- حماسی سندری

۷۲۵- کلیوالی سندری

۸۰۰- پښتو خپرونه او تبصره

۸۲۰- حماسی سندری

۸۲۵- هنري فلم .

۱۰۰۲- د شپې وروستی خپرونه

۱۰۵۷- ملی سرود او ختم

## دوشنبه

۶۷۰۰- ملی سرود اودتلوویزیون آرم

۶۷۰۲- دخپرونو معرفی

۶۷۰۴- دکوچیانو خپرونه او

کارتونی فلم .

۶۷۳۰- زموږ سترشمالی گاونډی

۶۷۵۵- تجارتي اعلانونه

۷۷۰۰- دری خپرونه او تبصره

۷۷۲۰- حماسی سندری

۷۷۲۵- انتخابی سندری

۸۷۰۰- پښتو خپرونه او تبصره

۸۷۲۰- حماسی سندری

۸۷۲۵- هفت شهر هنر

(لومړی او دریمه اوونۍ)

۸۷۲۵- دخلکو فرهنگ .

(دوهمه او څلورمه اوونۍ)

۸۷۵۵- کلاسیکه موسیقی

لومړی او دریمه اوونۍ .

۸۷۵۵- دغزل بزم

(دوهمه او څلورمه اوونۍ)

۹۷۲۰- بهرنی خپرونه

۹۷۲۵- خارجی خپرونه .

۹۷۵۱- دشی وروستی خپرونه

۹۷۵۶- ملی سرود او ختم .

## سه شنبه

۶۷۰۰- ملی سرود اودتلوویزیون آرم

۶۷۰۲- دخپرونو معرفی .

۶۷۰۴- دماشوم خپرونه او کارتونی فلم

۶۷۳۰- دکارگر خپرونه

۶۷۵۵- تجارتي اعلانونه

۷۷۰۰- دری خپرونه او بصره

۷۷۲۰- نوای کپسار (هفته اول و دوم)،

موسیقی انتخابی (هفته دوم و چارم)

۸۷۰۰- پښتو خپرونه او تبصره

۸۷۲۰- حماسی سندری

۸۷۲۵- تلوویزیونی سریال

۹۷۲۵- بهرنی خپرونه

( دو یمه او څلورمه اوونۍ)

۹۷۵۰- دشی وروستی خپرونه

۹۷۵۷- ملی سرود او ختم .

ومعشوقه خاص شاه جمع بودند.

بزمی مجلل وشا هانه ومحفلی باشکوه دیدنی بود که جز استادان،

هنروران، وزرا وشعرا ی بزرگ دیگر کسی در آن راه نیافته بود.

چون تصادفاً درین شب (تیفور) رقاصه معروف و مخصوص سلطان

مهمان عزیزی داشت، به اجازة سلطان برای لحظاتی کوتاه به

خانه خود که در جوار قصر صد فخانه) به نام (سراجه بهار آیین)

یاد میشد و سلطان به او تخصیص داده بود، رفت و سلطان را بامدعوین

مشغول عیش و طرب و شنیدن موسیقی وآواز و تماشا ی رقص

را مشگران و خو برو یان گذاشت.

(تیفور) رفت و لحظاتی متوالی برنگشت، سلطان که تشنه صحنه-

های رقص و عشوه گری های او بود، بی صبرانه انتظار و رود اورا

میکشید، پاسی از شب نگذشته بود که (پهلوان محمد ابوسعید)،

پهلوان نامی، شاعر و استاد گرانمایه موسیقی در حالیکه زیاد نو-

شیده و مست بودو به (تیفور) علاقه باطنی داشت، بی اراده از مجلس

بدر آمد و سر راست به خانه تیفور در (بهار آیین) داخل شد و در صحبت

او مجلس سلطان را از یاد برد .

سعایت گران وید بینا ن پهلوان بزرگ، به گوش سلطان رسانیدند

که پهلوان ابوسعید بدون اجازه قبلی و رضایت شاه به خانه (تیفور)

رفته و با اودر غیاب سلطان خلاف ادب و احترام گرم راز و نیاز و

عشق بازیست .

شاه باآنکه به پهلوان ابوسعید که هم دوست دوران کودکی و

همسابق طفلی او بود و هم عالم و دانشمند ی بزرگ، احترام فوق-

العاده داشت، چون از میگساری سراز پا نمی شناخت این حرکت

پهلوان بزرگ، اورا خوش نیامد و بچه جامه (پیکي) که ظاهراً جامه

رقاصه بود نزد پهلوان ابوسعید فرستاد و امر داد که آن لباس

را پهلوان باید بپوشد .

پهلوان نامی شاعر و موسیقیدان بزرگ که تازه به خود آمده و به

خطای خویش ملتفت شده بود، با مقراضی (قیچی) محاسنش را

(مورچه پی) خیلی کوتاه کرد و جامه (پیکي) رقاصی را به تن نمود و با

همان سر و وضع، غرض نشان دادن اینکه امر سلطان را اطاعت کرده

است، به مجلس سلطان داخل شد.

امیر علیشیر نوایی و زبردانشمند در بار که الفتی دیرینه

به استاد پهلوان محمد ابوسعید داشت و او هم از کودکی با سلطان

و پهلوان همسابق و دوست صمیمی بود، ازین حرکت و امر سلطان

منزجر گردیده، او هم جامه رقاصی (پیکي) پوشید، شاه چون این

حرکت را از وزیر دانشمند و عالیقدر خود دید، ازین پیشامد سخت

ناراحت گردید و به اشتباه خود ملتفت شده امر داد تا

پهلوان لباس های رقاصی را از تن بیرون کند تا امیر علیشیر نوایی

نیز لباس های خود را پس بپوشد.

خلاصه (تیفور) به حدی ما هرانه و عالی میر قصید که نه تنها سلطان

مجدوب هنر و اداکاری های استادانه او بود، بلکه همه اهل دربار و



هنرمندان به مقام هنری و زیبایی او تسلیم و شیفته گوی و ویژه می داشتند، زیرا او هم زیبا بود و هم هنرمندی چیره دست و پر آوازه که در هنر رقص در تمام خطه خراسان، از او حساب می بردند.

### اشرف سلطان :

اسمش (اشرف) و در بعضی از تذکره های خصوصی و دستنویسها به نام (اشرفی) یاد شده که (اشرف) صحیحتر است. او چون در هنر رقص به ویژه رقص (دوره گوی) و (کمری) مهارتی به سزا داشت، خاطر خواه سلطان حسین و پسرانش بود، لقب (اشرف-سلطان) را به همین مناسبت به او داده بودند.

این رقاصه زیبا روی و سیم اندام طنز، معجون از عشوه گری و ناز و اداهای خنیا گرانه بود که شهرت دلارایی و زیبایی او خطه خراسان را گرفته بود رقص (کمری) را به حدی ماهرانه و استادانه ادا میکرد که ساعتها نوبت به رقاصه های دیگر دربار نمی رسید و گاهی از بس مجلسیان را مات و مبهوت می ساخت، سازهایی سر میشد و نوازنده گان نیز از طرز اداکاری و ریزه کاری های ماهرانه و دلربایانه او باور می آمدند و سر از پا نمی شناسختند، اغلب این طور واقع شده که بعضی از وزرا یا اراکین بزرگ در موقع رقص (اشرف سلطان) بدون اراده به پا خاسته به رقص و پایکوبی می پرداختند. تاریخ تولد و فوت این هنرمند پر آوازه را در هیچ نسخه و رساله ای نیافتیم، ولی طوریکه ظاهراً واضحست تا زمان مرگ سلطان حسین میرزا میزیسته و پس از مرگ سلطان چون پیرو پا افتاده شده بود، به تریب شاه گران رقص پر داخته خودش در محافل و مجالس ظاهر نمی شد.

### نگار بانو :

یکی از رقاصه های دیگر یکه فوق العاده طرف توجه دربار تیموریان به ویژه سلطان حسین میرزا قرار داشت (نگار بانو) هنرمند ورزیده و زیبا روی و طنز دربار بود که از تربیت یافته گان (اشرف-سلطان) رقاصه قدیمی در بارشمرده میشد.

(نگار بانو) به اکثر ساز و آلات موسیقی متداول عصر خود هم دسترسی کامل و مهارتی به سزاداشت. این رقاصه توانا و نوازنده ماهر در رقص (کمری) و رقص (دوره گوی) و غمزه گوی به حدی ورزیده و توانا بود که ساعت های متوالی میتوانست مانند استادش (اشرف سلطان) مجلسیان در بارابه جاهای شان میخکوب و شیفته اداکاری و هنر آفرینی خود نگهدارد.

او افزون بر هنر رقص، آوازی گیرا و حافظه قوی نیز داشت، اشعار دلاویز عشقی و گاهی طنزآمیز زیادی نیز به حافظه سپرده و در موقع اجرای رقص همراه باموسیقی ابیات عاشقانه را میخواند و در فرصت های مساعد با ظرافتکاری و اداهای ویژه تمثیلی، اشعار انتقادی طنزآمیزش را به گوش سلطان و درباریان میرسانید. رسانید.

اسم اصلی این هنرمند زیبا (صفیه) و لقبش که بعداً از طرف دربار و درباریان به او داده شده بود (نگار بانو) بود.

(لطفاً ورق بزنید)

## چهارشنبه

- ۶۰۰- ملی سرود او
- تلویزیون آرم
- ۶۰۳- دخپرونو معرفی .
- ۶۰۴- دکوچیانو خپرونه له -
- کارتونی فلم سره .
- ۶۳۰- دینگی او تولنی خپرونه
- ۶۵۵- تجارتی اعلانونه
- ۷۰۰- دری خپرونه او تبصره .
- ۷۲۰- انتخابی سندری
- ۸۰۰- پښتو خپرونه او تبصره
- ۸۲۰- حماسی سندری
- ۸۲۵- آزمونگاه ذهن
- (لومړی او دریمه اوونۍ)
- ۸۲۵- دپاسخ چیست ؟
- (دوهمه او خلودمه اوونۍ)
- ۹۲۵- بهرنی خپرونه
- ۹۵۱- وروستی خپرونه .
- ۹۵۶- ملی سرود او ختم

## پنجشنبه

- ۶۰۰- ملی سرود او
- دتلویزیون آرم
- ۶۰۳- دخپرونو معرفی .
- ۶۰۴- موعظه .
- ۶۱۰- پوهنه دخلکو له پاره .
- ۶۵۵- تجارتی اعلانونه
- ۷۰۰- دری خپرونه او تبصره .
- ۷۲۰- رنگارنگ سندری
- ۸۰۰- پښتو خپرونه او تبصره
- ۸۲۰- حماسی سندری
- ۸۲۵- زمونږ په نړۍ کی .
- ۸۴۵- هنری فلم
- ۱۰۵۲- ملی سرود او ختم

برخی از تذکره نویسان او راز رقا صه های توانای دربار -  
شاهرخ میرزا نیز می‌شمرند که تاپایان مرگ سلطان حسین میرزا  
نیز به هنر خود دوام داد .

### فرخ لقا :

این رقا صه و هنر مند زیبا زوی نیز یکی از رقا صه های مشهور و  
معروف دوره تیموریان در هرات و خراسان قدیم بود که اغلب او را  
از شاگردان مکتب رقص ( فرخ-تاج خاتون ) رقا صه دربار سلطان  
حسین میرزا می‌شمارند .

این هنر مند و زیده و زیباروی نیز دارای صدای دلنشین و سر  
انگشتانی هنر آفرین بود به‌ویژه در هنر رقص و آواز از استاد خود  
معروفتر و توانا شمرده می‌شد که علت آن هم زیبایی بی‌حد و حصر آن  
بود که باعث توجه گری و طنازی خاص محافل و مجالس را رنگین و  
مجنوب هنر و زیبا پی خود میکرد .

( فرخ لقا ) علاوه از هنر آفرینی که داشت در جمله نندمای حرم سلطان  
ملکه هنر دوست ( گوهر شاد خاتون ) که فوق العاده زنی پاکدل و  
دانشمند بود داخل شده و احترام و منزلتی کسب کرده و تا اخیر عمر  
در خدمت بانوی بزرگ خود وفادار ماند و جز در محافل خوشی زنانه  
در بار ، هنرش را نروخت .

### سیما سلطان :

( سیما ) نام اصلی اوست که چون در زمره رقا صانان و زبیده و خوش-  
آوازه دربار قرار داشت ، مردم او را « سیما سلطان » لقب داده بودند .  
( سیما سلطان ) از تربیت یافته گان دامن پر هنر استاد ( شکر ی چار -  
تاری ) بود که باو صف آواز خوانی در هنر رقص نیز دستی قوی داشت .  
میگویند در عین جوانی و جوانی و جو - شش قدرت هنری اش ناگهان در  
اوضاع و احوال او تغییرات و تحولات روانی و درونی رو نما گردید  
و انزوا گزین شد .

هر قدر سعی و تلاش کردند نتوانستند او را دوباره به رقص و آواز-  
خوانی وادار کنند و تا پایان عمر ، گوشه نشین باقی ماند .  
در هنر رقص و آواز خوانی او خصوصیتی وجود داشت که اکثر  
هنر مندان و رقا صانان دربار به او رشک و حسد داشتند و انزوا گزینی  
او سبب خوشدلی آنان گردید .

### صنوبر :

نام اصلی این هنر مند ماهر و ( فاطمه ) بود که در هنر آواز و رقص  
دستی قوی و شهرتی به سزا کسب نموده بود . او دارای قدی رسا  
و دل فریب و سیمای پرازنده بود و به همین مناسبت ، او را ( صنوبر )  
میگفتند :

( صنوبر ) از تربیت یافته گان و شاگردان استاد ( شهاب دمکش )  
نای نواز معروف دربار عصرتیموریان بود و ( دف ) را به حدی پر-  
شور و ماهرانه مینواخت که هیچ هنر مندی حریفش نمیشد . او با  
( دف ) میرقصید و با این حالت هم رقا صه بود و هم نوازنده خود .

در اخیر عمر از نظر افتاد و با تنگدستی و پریشانی زنده گی اش  
رابطه سر میبرد . آنانیکه با او و هنرش همسری کرده نمیتوانستند  
او را ( صنوبر هیز ) یعنی ( عقیم ) لقب داده بودند و علتش این بود که او  
شوهر نکرد و فرزندی به یادگار نگذاشت .

( ناتمام )



### ( دگر بیخ له خوا ) :

- ۹۳۰- ملی سرود و دتلویزیون آرم .
- ۹۳۳- دخیرونو معرفی .
- ۹۳۴- خیرونه .
- ۹۳۵- مستند فلم .
- ۹۳۶- سری او درسه اوونی .
- ۹۳۹- کارآوونی فلم .
- ۹۴۰- او خلورمه اوونی .
- ۹۴۴- علمی راپور .
- ( دوهمه او خلورمه اوونی )
- ۱۰۰۹- دتلویزیون دخیرونو خغه  
غوره شوی برخی .
- ۱۱۰۹- دستیرو سره مرکی او د  
هغوی خوبی گیری سندری .
- ۱۲۱۲ ملی سرود او ختم

### « دما بنام له خوا »

- ۶۰۰- ملی سرود او دتلویزیون آرم
- ۶۰۳- دخیرونو معرفی .
- ۶۰۴- « انقلاب ساتو تکی » خیرونه
- ۶۳۵- دروغتیا خیرونه .
- ۶۵۵- تجاری اعلانونه .
- ۷۰۰- دری خیرونه او نبصره
- ۷۲۰- حماسی سندری .
- ۷۲۵- نوی سندری .
- ۸۰۰- پبنتو خیرونه .
- ۸۲۰- حماسی سندری
- ۸۲۵- داوونی مهمو پبنتو ته یوه کتنه
- ۸۵۰- داوونی سریال
- ۹۵۲- دشپی وروستی خیرونه
- ۹۵۷- ملی سرود او ختم



## آشنایی با...

(۱۹۳۵) باز گشت ما کسیم (۱۹۳۷) و بسمت و بیرك (۱۹۳۹) یاد میشوند .

رول قرمان هرسه فلم را باریس-چیر کف بازی میکرد . این فلم ها در سالهای سخت و طاقت فرسای اتحاد شوروی ساخته شده و سر-شار از موفقیت ها و گرمی های زنده گی است . مخصوصاً جوانی ماکسیم که به نظر میرسد سرمشق عالی برای فلم (یک نسل) در سال-۱۹۵۴، اثر اندره وایاریژ یسور معروف پولیند گردید . آخر یین همکاری کوزینتسوف و تروبرك در فلم (مردمان ساده) سال ۱۹۴۵ بود . در سال ۱۹۴۷ کوزینتسوف فلم تاریخی از زنده گی پیرا کف ساخت و در سال ۱۹۵۱ زنده گی-بایسکی را روی پرده آورد .

در سال ۱۹۵۷ کوزینتسوف با سنا-ختن فلم دون کیشوت (یکی از پر-عایدات ترین و موفق ترین فلمهای اتحاد شوروی) شهرت بین المللی



گوشه‌یی از فلم «شاه لیر»

کسب نموده و به کار خود درسینما رونق دیگر داد . کوزینتسوف قدرت و صلاحیت تفسیر آثار کلاسیک را دارد و با روی پرده آوردن آنها ، روح آنها را به طور حیرت انگیزی نشان میدهد . یقیناً اقتباسی که وی از هاملت شکسپیر (۱۹۶۴) کرده است ، بهترین اقتباسی است که تا کنون درسینما از این نویسنده بزرگک شده است . تهیه فلم هاملت سالها وقت کوزینتسوف را گرفت و

نتیجه این همه سالها از طرفی تعداد مقالات محققانه او در باره تفسیر و تعبیر شکسپیر است و از طرف دیگر ، خود فلم هاملت و شاه-لیر . کوزینتسوف برای ساختن این فلم از ترجمه زیبا و بسیار عالی باسترناک استفاده کرده است . این ترجمه ، روح شاعرانه اثر شکسپیر را با تمام قدرت روانشنا-سی اش به طور بسیار عالی منعکس میسازد . باسترناک هیچ نکوشیده است ترجمه خشک و بیروح عرضه کند .

مونتاز هایی که کوزینتسوف در این فلمها نموده است . بر این هدف بوده است که جان و روح این اثر عالی شکسپیر را روی پرده سینما زنده کند ، خودش میگوید (هدف من اینست که نزاکت های شاعرانه اثر را از طریق پرده سینما بیان کنم) .

آخرین اثر کوزینتسوف «شاه-لیر» است (۱۹۷۱ این درام را وی اولین بار در سال ۱۹۴۱ به روی صحنه آورد و سپس در سال ۱۹۷۰ از آن فلم بسیار عالی تهیه کرد .

(پایان)



صحنه‌یی از فلم «بسمت و بیرك»



شاه محمد "محشر" ستارنواز

ACKU  
Julius  
HE  
8700.9  
الف 77  
29 ۲



هارون آوازخوان

